



فصلنامه مطالعات ایلام شناسی

فصلنامه ی تخصصی باستان شناسی * شماره ی ۸ * سال دوم * پائیز ۱۳۹۷

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر حبیب اله محمودیان

سرمدیر: دکتر سیاوش یاری

مدیر اجرایی: مهندس آزاده محمودیان

مشاور: دکتر پریسا پورمحمدی

ویراستار فارسی: حسن افشار

ترجمه انگلیسی: دکتر امید محمودیان،

ویراستار انگلیسی: دکتر رضا خانی

صفحه آرا: معصومه صفایی نیا

شماره پروانه: ۷۸۸۰۹ - ۱۳۹۵/۱۰/۶

ناشر: انتشارات زاگرو

شمارگان: ۵۰۰

بهاء: ۲۰۰۰۰ تومان



نشانی فصلنامه: ایلام، خیابان اشرفی اصفهانی، کوچه سوم، پلاک ۲۱۷

کدپستی: ۶۹۳۱۸۵۸۳۱۵ - تلفن: ۳۳۳۳۳۳۱۸ --- ۰۸۴

habibmahmoodian@yahoo.com

پست الکترونیک:

هیت تحریریه:

دکتر رضا احمدی

رشته ی تخصصی: جنگلداری

دکتر پریسا پورمحمدی

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

دکتر اردشیر جوانمرد زاده

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

دکتر شاهین حیدری

رشته ی تخصصی: معماری- انرژی

دکتر حاجی کریمی

رشته ی تخصصی: هیدرو ژئولوژی

دکتر رضا خانی

رشته ی تخصصی: زبان و ادبیات انگلیسی

دکتر علی خاکی

رشته ی تخصصی معماری سازه

دکتر لیلا خسروی

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

دکتر سهیلا درویشی

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

دکتر فرنگیس درویشی

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

دکتر ناصر راد

رشته ی تخصصی: روابط بین الملل

دکتر مسعود شادمان

رشته ی تخصصی: علوم تاریخ، تمدن ملل

دکتر حبیب شهبازی شیران

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

دکتر غلامحسین کریمی دوستان

رشته ی تخصصی: زبان شناسی

دکتر حبیب اله محمودیان

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

دکتر ابراهیم مرادی

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

دکتر خداکرم مظاهری

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

دکتر لیلی نیاکان

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

دکتر سیاوش یاری

رشته ی تخصصی: تاریخ اسلام

داوران این شماره:

دکتر لیلا خسروی

دکتر اردشیر جوانمرد زاده

دکتر مسعود شادمان

دکتر خداکرم مظاهری

دکتر سهیلا درویشی

دکتر سیاوش یاری

دکتر ابراهیم مرادی

دکتر لیلی نیاکان

ویژگی‌های کلی مقاله

مقاله باید نتیجه‌ی تحقیقات نویسنده (نویسندگان) باشد.

مقاله نباید در نشریه‌ی دیگری منتشر شده باشد

چاپ مقاله، منوط به تأیید نهایی هیئت تحریریه‌ی فصلنامه است.

پذیرش مقاله برای چاپ، پس از تأیید هیئت داوران خواهد بود.

مسئولیت مطالب و محتوای مقاله بر عهده‌ی نویسنده (نویسندگان) است.

مجله در ویرایش ادبی و فنی مقاله بدون تغییر محتوای آن آزاد است.

مقاله نباید از ۲۰ صفحه‌ی استاندارد فصلنامه بیشتر باشد.

نام کامل نویسنده، مرتبه‌ی علمی، دانشگاه محل تدریس یا تحصیل، رشته‌ی تحصیلی و شماره تلفن نویسنده در صفحه‌ی جداگانه‌ای ضمیمه شود.

ارسال مقاله تنها از طریق ایمیل فصلنامه‌ی مطالعات ایلام‌شناسی امکان‌پذیر است.

عناوین جدول‌ها، تصویرها، نقشه‌ها، طرح‌ها و نمودارها با ذکر شماره (توضیحات و ذکر منبع) در زیر آورده شود.

ساختار مقاله

مقاله باید دارای ساختار زیر باشد: چکیده، مقدمه، متن اصلی، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت، منابع و چکیده‌ی انگلیسی.

عنوان: نام کلی مقاله، به نحوی که گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد.

مشخصات نویسنده: شامل نام و نام‌خانوادگی، مرتبه‌ی علمی، رشته‌ی تحصیلی، دانشگاه محل تدریس و یا تحصیل وی باشد.

چکیده: شرح جامعی از مقاله با واژه‌های محدود؛ شامل: بیان مسأله، هدف، روش تحقیق و یافته‌های پژوهش. لازم به ذکر است چکیده‌ی مقاله نباید از ۲۰۰ واژه (۱۲ سطر) بیشتر باشد.

واژه‌های کلیدی: شامل ۴ تا ۷ واژه‌ی تخصصی است که دارای اهمیت باشد.

مقدمه: شامل طرح مسأله‌ی اصلی و هدف پژوهش است؛ در این بخش باید به اجمال، سوابق پژوهشی در حیطه‌ی مسأله‌ی موردنظر مطرح شود.

متن اصلی: شامل متن اصلی مقاله است و می‌تواند با جدول، تصویر و نمودار و... همراه باشد.

نتیجه‌گیری: شامل خلاصه و نتیجه‌گیری است.

پی‌نوشت: توضیحات ضروری که پس از نتیجه‌گیری می‌آید.

منابع: فهرست نویسی ارجاعات مقاله بر مبنای شیوه‌نامه‌ی مجله.

چکیده‌ی انگلیسی: چکیده‌ی انگلیسی باید عیناً ترجمه‌ی چکیده‌ی فارسی باشد.

شیوه‌ی تنظیم متن

مقاله باید با قلم (فونت) B zar و اندازه‌ی ۱۳، فاصله بین خطوط ۱،۵ (single) و در فرمت word نوشته شده باشد.

چکیده، واژه‌های کلیدی، منابع، ارجاعات داخل پرانتز، شعرها و هر مطلبی که درون پرانتز بیاید، باید با اندازه‌ی ۱۱ نوشته شود.

نقل قول‌های مستقیم بیش از پنج سطر، جدا از متن اصلی و با یک سانتی متر تورفتگی از هر طرف و با همان قلم ولی با اندازه‌ی ۱۱ نوشته شود.

شیوه‌ی ارجاع به منابع

ارجاعات مندرج در مقاله، مستند و مبتنی بر منابع معتبر باشند.

ارجاع داخل متن: نام خانوادگی نویسنده، سال چاپ اثر: شماره‌ی صفحه یا صفحات؛

مثال فارسی: (نگهبان، ۱۳۷۶: ۵۴)، لاتین: (Smith 1999: 33)

ارجاع به کتاب در قسمت منابع پایانی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر (درون پرانتز)، عنوان کتاب، نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح، جلد، نوبت چاپ، نام ناشر، محل نشر.

ارجاع به مقاله: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر اثر (داخل پرانتز)، عنوان مقاله‌ی مورد استفاده (داخل گیومه)، نام و نام خانوادگی مصحح یا مترجم، عنوان اصلی دانشنامه یا فصلنامه و مجله، دوره یا سال انتشار، شماره‌ی صفحات مقاله.

ارجاع به پایان‌نامه: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، سال دفاع (داخل پرانتز)، عنوان رساله، مقطع دفاع شده، نام و نام خانوادگی استاد راهنما، نام دانشگاه و دانشکده‌ی محل تحصیل.

ارجاع به اسناد تاریخی: عنوان سند، شماره‌ی طبقه‌بندی و دسترسی، نام آرشیو کتاب.

ارجاع به سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ درج مطلب در وبگاه (درون پرانتز)، عنوان مقاله یا اثر (داخل گیومه)، نشانی الکترونیکی وبگاه.

منابع مقاله به صورت الفبایی و براساس نام خانوادگی مؤلف تنظیم شود؛ منابعی که در پایان مقاله ذکر می‌شود، همان منابعی باشد که در داخل متن استفاده شده است.

عنوان کتاب‌ها و مقاله‌ها در منابع پایان مقاله به طور کامل ذکر شود. منابع غیرفارسی، پس از منابع فارسی آورده شود. **توجه:** تمام مقالات دریافتی، توسط دو داور، داوری خواهد شد.

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۳	ویژگیهای کلی مقاله
۶	معماری مذهبی ایلام
۶	طیبه حاتمی نصاری
۲۸	تعاملات هنری ایلام و بین النهرین
۲۹	(با نگرشی بر نقوش موجودات ترکیبی در مهرها)
۲۹	مہتاب مبینی فرزام ابراهیم زاده
۴۵	بررسی باستان شناختی معماری گورهای کلان سنگ در استان ایلام ...
۴۵	حبیب اله محمودیان
۶۳	تاریخ ایلامیان باستان
۶۳	مہناز قمرزاده
۷۸	آنالیز مهره ی مسی یافته شده از تپه ی علی کش دهلران
۷۹	سریل استنلی اسمیت ترجمه : حسین رئیسی امیر خانمرادی
۸۶	معماری سنتی، تجلی فرهنگ ایرانی-اسلامی
۸۷	جواد عبدالحسینی . معصومه صیدیوسفی
۱۰۷	چکیده انگلیسی مقالات

معماری مذهبی ایلام

طیبه حاتمی نصاری^۱

چکیده

ایلامیان باستان ساکنان منطقه‌ی غرب و جنوب غرب ایران بودند که قلمرو جغرافیایی آنها از خوزستان تا فارس را شامل می‌شود. برای نخستین بار نام ایلام را در فهرست شاهان سومری در کتیبه «ان مبر گیسى En-Meber gisi» شاه نیمه افسانه‌ای سلسله اول کیش که احتمالاً به قرن بیست و هفتم ق.م. متعلق بوده است می‌بینیم. در نیمه‌ی دوم هزاره سوم ق.م معاهده‌ای میان هیتا (Hita) شاه اوان و نارامسین (Naram sin) شاه اکد منعقد گردیده که بر روی این لوح نام سی و هفت خدا ذکر شده بود. ایلامیان برای خدایان و الهه‌های مورد پرستش خود، نیایشگاه‌ها و معابدی بر پا می‌کرده‌اند. اطلاعات ما درباره معابد ایلامی مدیون حفاری‌های نگهبان و گیرشمن در منطقه باستانی هفت تپه و چغازنبیل است که در محوطه باستانی هفت تپه یک مجموعه مذهبی در کنار یکدیگر و مربوط به یک دوره تاریخی (۱۳۵۰-۱۵۰۵ ق.م) ایلام است که در زمان پادشاهی تپتی آهار Tepti Ahar بدست آمده است. در محوطه چغازنبیل نیز یک مجموعه و شهر مذهبی بنام دور اونتش Dur untash کشف شده است که در این محوطه ده‌ها معبد و نیایشگاه و یک زیگورات ۵ طبقه که در حال حاضر ۲ طبقه و اندی از آن باقی مانده است. ایلامیان، برای خدایان و الهه‌های مورد پرستش خود، نیایشگاه‌ها و معابدی برپا می‌کردند. اطلاعات ما از بناهای مذهبی دوران‌های اولیه ایلام بسیار محدود است. لذا در این نوشتار تلاش شده تا با بررسی نقوش مهرهای استوانه‌ای هزاره‌ی سوم ق.م. ایلامی و برخی یافته‌های دیگر، با ویژگی‌های معماری تمدن ایلام آشنایی پیدا کنیم.

واژه‌های کلیدی: ایلام، خوزستان، مذهب، معماری مذهبی، زیگورات.

^۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

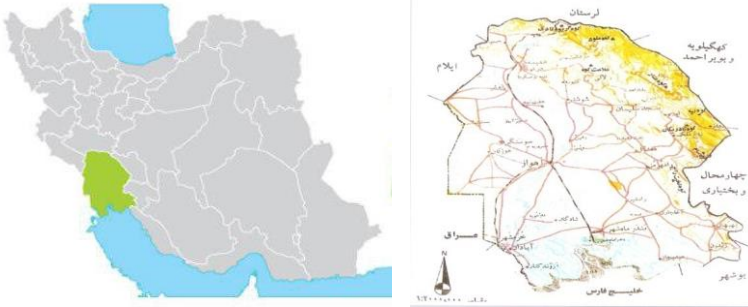
مقدمه

در مورد سر منشاء تمدن ایلام اطلاعات جامعی در دست نیست اما از متون اکدی و سومری تا اندازه‌ای می‌توان موقعیت و جایگاه اصلی آنها را که خوزستان و اطراف شوش است را معرفی کرد. عده‌ای از دانشمندان بر اساس معنی کلمه‌ی ایلامی در زبان اکدی که اشاره به سرزمین‌های مرتفع دارد، خواستگاه ایلامیان را کوهستان‌های شرقی بین‌النهرین تصور کرده‌اند. در هر صورت می‌توان آثار ایلامی را در غرب ایران و دامنه‌ی ارتفاعات زاگرس و مشرف به دشت خوزستان ملاحظه نمود. ایلامیان سرزمین خود را به خط میخی سرزمین "هل-تم-تی" Hal-tam-(A)ti یا هاتمتی Hatamti خوانده‌اند که احتمالاً التمتی Altamti تلفظ می‌گردیده است. این کلمه از دو قسمت "هل" به معنی سرزمین و "تمتی" به معنی مقدس یا خدایان تشکیل گردیده و در مجموع به معنی سرزمین مقدس یا سرزمین خدایان می‌باشد (نگهبان ۱۳۷۲: ۴۵۲). کهن‌ترین منبعی که در آن نام ایلام ذکر شده مربوط به ان مبرگیسی (Enembar Gisi) پادشاه سلسله اول کیش در قرن ۲۷ قبل از میلاد است که فهرست پادشاهان سومری ذکر گردیده است (نگهبان ۱۳۷۲: ۴۵۳). همچنین در چهل و نه فصل از کتاب ارمیای نبی نیز به نحو بارزی از ایلام سخن رفته است (Thompson, 1980, 728- Holladay).

جغرافیای طبیعی ایلام

ایلامیان در گستره‌ی تاریخی خود از اوایل هزاره سوم تا اواسط هزاره اول ق.م بخش بزرگی از مناطق غربی و جنوبی فارس و بخش‌هایی از استانهای لرستان، کردستان و کرمانشاه امروزی را دربر می‌گرفته است. (تصویر شماره ۱) بر اساس متون باستانی و نقوش بدست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی محدوده ایلامیان سراسر دشت خوزستان از جنوب تا بوشهر (لیان باستان) و از شرق تا مرو دشت (انسان باستان) نشان

می دهد. ایلام از نظر جغرافیایی به دو بخش تقسیم می شده است. جلگه‌ی شوش (شوشان) یا همان شمال دشت خوزستان و زاگرس میانی و جنوبی (Reiner, 1973: 57-62)



تصویر (۱) نقشه استان خوزستان

نقش مذهب در ایلام باستان

مذهب ایلام اگر چه در طول هزاران سال تداومی منطقی داشته است ، اما مدارک موجود برای شناخت آن اندک و پراکنده است علیرغم کمی این مدارک باز هم می توان با بررسی آنها تصویر کلی از وضعیت مذهب درسرزمین ایلام بدست آورد . این مدارک نشان دهنده ی نفوذ مذهب بر فرمانروایان و مردم است. (Labat, 1949: 5). در واقع قدیم ترین مدارک مربوط به مذهب ایلام، لوح گلی مکشوفه از شوش است که بیانگر میثاق دوستی بین هیتا شاه سلسله اوان (۲۲۷۰-۲۲۴۰ ق.م) و نرام سین شاه اکد در بین النهرین است (Hinz, 1964: 21). بررسی این کتیبه نشان می دهد که ایلامی ها به ده ها خدا اعتقاد داشته و در بین آنها خدایانی مانند پی نیکیر Pinikir) الهه آسمان و مادر خدایان ایلام)، هومبان Humban) خدای ایلام)، اینشوشینک Inshushinak) خدای شوش و دوراوتنش)، نروندی Narundi) (الهه پیروزی)، نهونته Nahunteh) خدای خورشید) و نینورت Ninurt) خدای زمین) وجود دارند (Amiet, 1966: 56).

معابد ایلامی

ایلامیان، برای خدایان و الهه های مورد پرستش خود، نیایشگاه ها و معابدی برپا می کردند. از دوران های اولیه ایلام هیچ ساختمان مذهبی یا معبدی بر جای نمانده است ولی با بررسی نقوش مهرهای استوانه ای هزاره ی سوم ق.م. ایلامی می توان به چگونگی معماری آنها پی برد. بر روی یک مهر استوانه ای هزاره سوم ق.م. نقش معبدی به تصویر درآمده که جالب ترین ویژگی آن، سه شاخ بزرگ است (تصویر شماره ۲) (Eliad , 1987 : 277). همچنین از بقایای نقش یک معبد ایلامی مربوط به ۲۰۰۰ ق.م. که بر روی کوهی در کورانگون (کورنگان) فارس ساخته شده است می توان نام برد. (دادور، ۱۳۷۰: ۸۴۲). جی-گروپ، در مورد معبد کورانگون می گوید: «این بنای گلی به احتمال زیاد یک معبد است که نقش پیکره خدایان مقدس آن، در روی نقش برجسته باقی مانده است». (جی-گروپ، ۱۹-۴). به جز معابد مذکور، دیگر هیچ اطلاعی از معابد ایلامی در هزاره های چهارم و سوم ق.م. نداریم و این امر به دلیل کمی پژوهش های باستان شناسی در زمینه مذهب و معماری مذهبی ایلامی ها می باشد.



تصویر (۲) معماری ایلام قدیم

معابد و معماری مذهبی محوطه باستانی هفت تپه

هفت تپه را نخستین بار دمورگان در سال ۱۹۰۸ توصیف کرد و سپس عزت الله نگهبان آنرا بین سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۷۸ حفاری کرد. (Negahban, 1984: 158). در این محوطه‌ی باستانی دو گونه معماری بدست آمده یکی مجموعه معماری با کاربری صرف مذهبی و دیگری مجموعه‌ی معماری که جزو الحاقات و وابسته‌های معماری مذهبی به حساب می‌آید. از جمله آرامگاه بزرگ تپتی - آهار Tepti-Ahar و آرامگاه دسته جمعی. مجموعه معماری که دارای کاربری صرف مذهبی بودند، شامل: الف) ساختمان معبد خصوصی آرامگاه تپتی آهار، ب) زیگورات کاخ شماره‌ی یک، ج) زیگورات یا کاخ شماره‌ی دو (Carter and stulper, 1984: 158).

ساختمان معبد خصوصی آرامگاه تپتی - آهار Tepti - Ahar

در جوار ساختمان آرامگاه‌ها (آرامگاه تپتی - آهار و آرامگاه دسته‌ی جمعی)، معبد خصوصی و یا ساختمان تشریفات مذهبی آرامگاه تپتی آهار قرار گرفته است. این ساختمان معبد - آرامگاه دارای الحاقاتی شامل: الف) دو تالار بزرگ شرقی و غربی که از طریق تالار غربی راهی، جهت ورود به آرامگاه تپتی آهار وجود داشته باشد. ب) ایوان طویل، طول این ایوان ۷ و عرض آن ۵/۵ متر بوده است. سقف ایوان احتمالاً پوشیده بوده است و کف آن با آجر مفروش گردیده. ج) حیاط مرکزی، این حیاط محوطه‌ی نسبتاً وسیعی را فرا گرفته و در وسط آن سکویی است که احتمالاً قربانگاه و یا برای انجام تشریفات خاص مذهبی ساخته شده است (نگهبان، ۱۳۷۲: ۸۴-۷۵). (تصویر شماره ۳).



تصویر (۳) معبد تپتی آهار

زیگورات یا کاخ شماره ۱

دومین واحد ساختمانی بزرگ مذهبی که در حفاری‌های هفت تپه آشکار گردیده است ساختمانی است که دارای قسمت مرکزی عظیمی بوده و متعلقات آن در اطراف هسته‌ی مرکزی آن واقع گردیده است. این واحد ساختمانی عظیم به علت شباهت با وضعیت معماری معابد و زیگورات‌ها در این منطقه باید یک زیگورات مذهبی بوده باشد. قسمت اصلی این بنا در وسط بر روی صُفّه یا سکوی بسیار بلندی که ارتفاع آن در زمان ساخت بسیار زیاد بوده و در اطراف آن سالن‌های بسیار بزرگ و یا محوطه‌های روبازی همانند حیاط وجود داشته. محوطه‌ی وسیعی در زیر ساختمان قسمت مرکزی و سالن‌های اطراف آن قرار گرفته که روی هم رفته سطح زیربنای این واحد ساختمانی به استثنای دیوارهای خارجی که ساختمان و حیاط را محصور نموده است ۷۵ متر طول و ۶۰ متر عرض دارد (نگهبان، ۱۳۷۲: ۸۷-۸۵).

زیگورات یا کاخ شماره ۲

بقایای این واحد ساختمانی در تپه‌ای بزرگتر از تپه واحد ساختمان مذهبی شماره یک قرار گرفته و در قسمت جنوب و جنوب شرقی آن واقع شده است. آثار مکشوفه در

این تپه نمایشگر بقایای ساختمانی عظیمی است که از نظر تکنیک و روش و سبک معماری عیناً مشابه با واحد ساختمانی شماره یک بوده و فقط محور اصلی این ساختمان با محور اصلی ساختمان قبلی در حدود ۱۵ درجه با هم اختلاف دارند. در وسط این ساختمان نیز یک سکو یا صُفّه مرکزی بلند و مرتفع وجود داشته که احتمالاً بنای اصلی ساختمان بر روی آن ساخته شده است. به علت اینکه هنوز حفاری کاملی در اطراف این تپه انجام نگردیده است هنوز اتاق و یا سالتی مشاهده نشده است. تا بتوان نسبت به ابعاد اتاق ها و دیوارها و سالن های آن اظهار نظر کرد. (همان: ۹۲-۹۱)

معابد و معماری مذهبی محوطه چغازنبیل (شهر دور اونتاش-دور اونتاش)

پادشاهان ایلامی با اهدای هدایا واحداث بناهای مذهبی سعی در جلب توجه خدایان مورد پرستش خود داشتند. از جمله این پادشاهان ایلامی «اونتاش گل» Untash – gal یا «اونتاش ناپیرش» Untash – Napirish است که در طول سال های ۱۲۴۰-۱۲۷۵ ق.م. بر ایلام حکومت می کرد. این پادشاه شهر مذهبی «دوراونتاش» را در ۴۵ کیلومتری جنوب شرقی شوش ساخته و به خدایان خویش مخصوصاً خدای اینشوشیناک (خدای شهر شوش) اهداء نموده است.. شهر مقدس دوراونتاش از سه حصار تودرتو تشکیل شده است این حصار به احتمال دیوار دفاعی شهر را تشکیل می داده است. دیوار داخلی دارای ۷ دروازه بوده که در داخل آن زیگورات معروف شهر واقع شده است. که به ترتیب به توضیح معابد چغازنبیل می پردازیم (گیرشمن، ۱۳۷۳: ۱۰) (تصویر شماره ۴).



تصویر (۴) زیگورات چغازنبیل

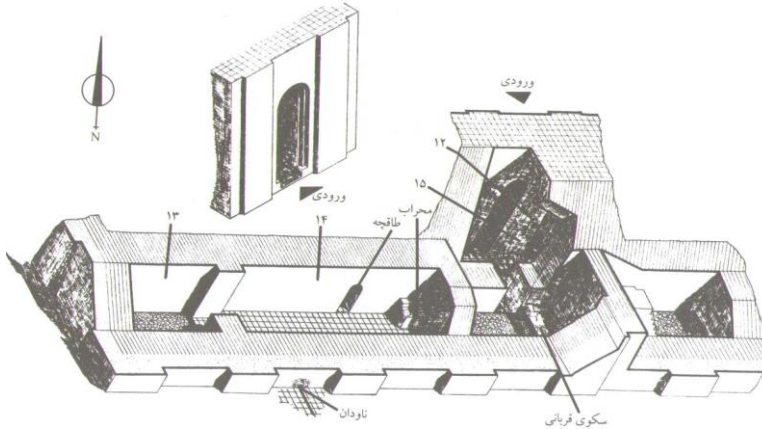
الف) معابد درون حصار داخلی شهر دوراوتش حصار اول

مطالعات باستان‌شناسی فرانسویان نشان می‌دهد که اونتش گل پادشاه ایلامی، در محل کنونی زیگورات، ابتدا بنای معبد بزرگی به شکل مربع با خشت خام ساخته بوده که در میان هر دیوار دری تعبیه شده بود که به صحن حیاط مرکزی باز می‌شد. معبد طوری ساخته شده که گوشه‌هایش دقیقاً به سمت جهات چهارگانه قرار گرفته، ارتفاع آن در سه طرف ۸ متر و در طرف چهارم یعنی طرف شمال شرقی ۱۲ متر است. دو معبد کوچک در دو سمت ورودی جنوب شرقی وجود دارد که حفار آن‌ها را معابد اینشوشینک A و B نامگذاری گردیده است. (همان: ۱۲).

معبد اینشوشینک A

نمای بیرونی ورودی معبد اینشوشینک A که به حیاط مرکزی باز می‌شود بعد از هر ۱۱ رج آجر یک رج آجر مخطط وجود داشته که در آنها از اهدای معبد به خدای اینشوشینک بوسیله اونتش گل سخن رفته است. در این معبد آثار و بقایای چهار اتاق تو در تو به دست آمده که در اتاق دوم یک سکوی قربانی و در اتاق سوم که بزرگترین و مهم‌ترین اتاق معبد بوده، یک محراب و یک طاقچه جهت قرار دادن مجسمه وجود

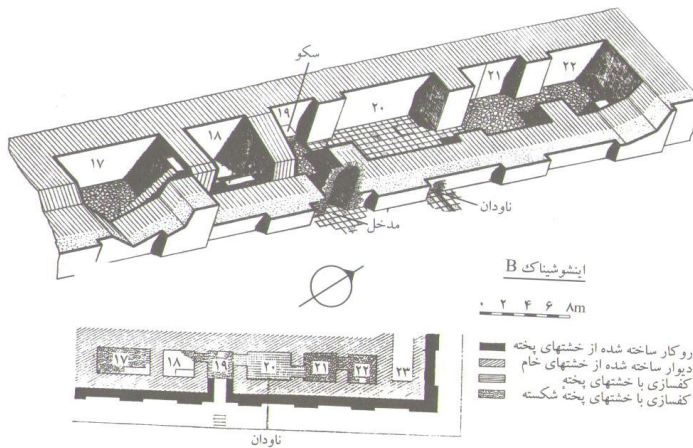
داشته است. با بررسی آثار مکشوفه از این معبد مشخص شده که نیایشگران بعد از ورود به داخل این معبد، ضمن انجام مراسم قربانی در کنار محراب و مقابل مجسمه خدای اینشوشینک، به نیایش می پرداختند (جی گروپ، ۸). (تصویر شماره ۵).



تصویر (۵) نقشه ایزومتری معبد اینشوشینک A در شهر اونتاش گال

معبد اینشوشینک B

معبد اینشوشینک B در سمت راست ورودی جنوب شرقی قرار دارد. ورودی این معبد برخلاف معبد اینشوشینک A از داخل حیاط مرکزی نبوده بلکه از محوطه بیرونی معبد می باشد. در این معبد ۵ اتاق وجود داشته است. یک سکوی کوچک آجری به شکل مربع در اتاق اول و در سمت مقابل ورودی قرار داشته و در اتاق سمت چپ نیز سکوی بزرگ دیگری تعبیه شده است (گیرشمن، ۱۳۷۳: ۴۵-۴۴). این سکوها جهت قرار دادن مجسمه خدایان و انجام مراسم های مذهبی بوده است (Iranica , 1963 : 13).
مجیدزاده در مورد معابد A و B اعتقاد دارد که معبد A احتمالاً به خانواده شاهی و کاهنان درجه ی اول و معبد B به مردم عادی اختصاص داشته است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۷۹). (تصویر شماره ۶).

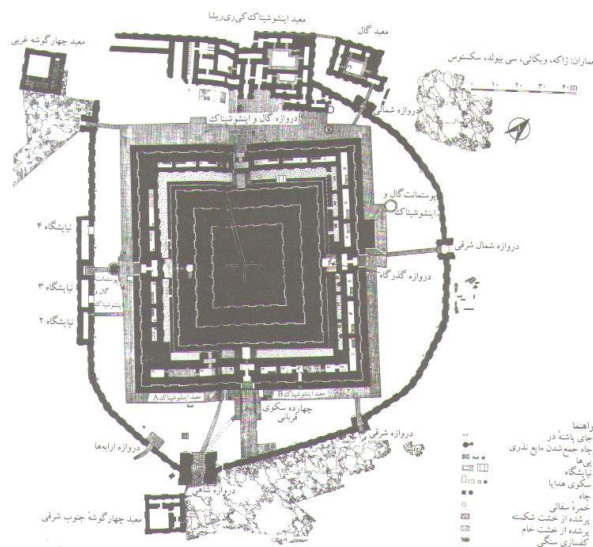


تصویر (۶) نقشه کلی معبد اینشوشیناک B

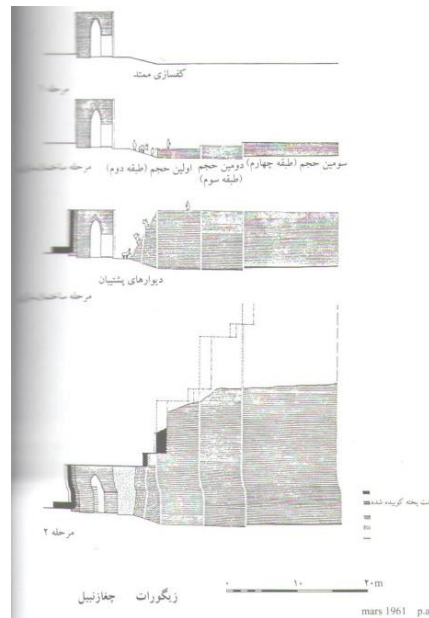
زیگورات چغازنبیل

بعد از احداث معابد اینشوشینک (A و B) پادشاه ایلامی (اونتش گل) به فکر ساختن معبد با شکوه تری برای خدای اینشوشینک در دوراونتش افتاد. وی تصمیم گرفت که زیگوراتی عظیم تر از زیگورات های بین النهرین در حیاط مرکزی معابد قبلی برپا کند. با این تفکر طرح ایجاد زیگورات یا معبدی بزرگ به جای معبد کوچک قبلی، برای خدای اینشوشینک در پنج طبقه و با استفاده از میلیون ها خشت و آجر به مرحله اجرا گذاشته شد. (Ghirshman, 1966: 12). برای تغییر شکل بنا از معبد به زیگورات، نخست در مرکز صحن حیاط ستون یکپارچه مکعبی شکلی از خشت خام برپا گردید که در واقع پایه ی ساختمان معبد بالای زیگورات را تشکیل می داد. این ستون مرکزی سپس توسط دو صفحه ی دیگر که به ترتیب طبقات دوم و سوم را تشکیل می داد؛ سرانجام درون اتاق های پیرامون حیاط معبد با خشت و آجر پر شد و بدین ترتیب اولین زیگورات نیز ساخته شد. این مسدود سازی و پر کردن اتاق ها تنها در سه سمت انجام گرفت و دو معبد قرینه ی اینشوشیناک در جبهه جنوب شرقی دست نخورده باقی ماند و تنها ورودی معبد A که از داخل حیاط مرکزی باز می شد، مسدود گردید

که در اینجا نیز معماران ایلامی چاره‌ای اندیشیدند و ورودی جدیدی از طریق پشت‌بام به وسیله یک پلکان باریک جهت داخل شدن به این معبد ایجاد نمودند. طبقه پنجم زیگورات که متشکل از یک اتاق بوده بر روی طبقه ی چهارم قرار داشته است که به خدایان اینشوشینک و گل تعلق داشته ، امروزه تنها دو طبقه ی کامل و بخش کوچکی از طبقه سوم زیگورات چغازنبیل باقی مانده است. (Parrat, 1949: 25). پلکان زیگورات برخلاف زیگورات‌های بین‌النهرین که در آنها دسترسی به معبد بالا صرفاً از یک سمت امکان پذیر بوده و پله‌ها از بیرون به صورت مارپیچ یا در یک خط مستقیم به طبقات بالا می‌رفت. ولی در چغازنبیل این دسترسی به معبد بالا در چندین مرحله و از درون و نیز از طریق پلکان‌های مسقف تونل‌مانندی انجام می‌گرفت. (Mallowan, 1975: 267) (تصویر شماره ۸-۷).



تصویر (۷) زیگورات ، معابد در حصار مرکزی اونتاشگال



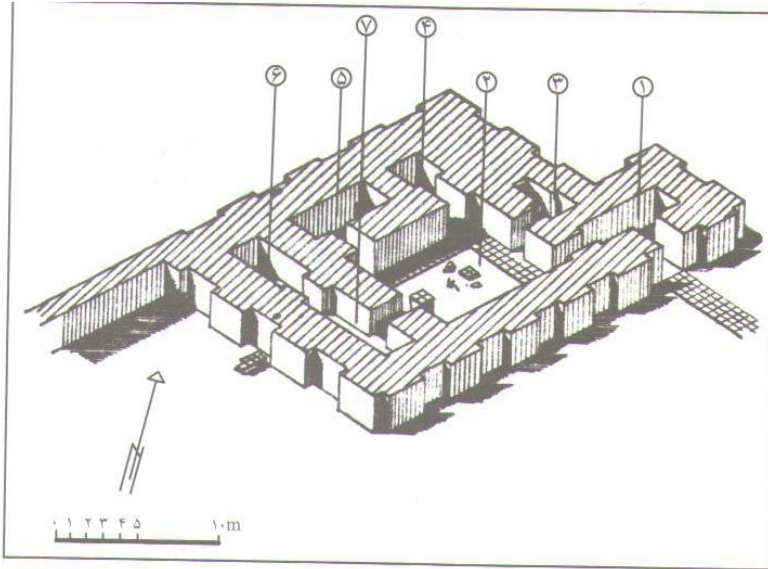
تصویر (۸) بازسازی چگونگی ساخت زیگورات در داخل حیاط معبد

ب) معابد درون حصار داخلی و میانی شهر دوراوتناش (بین حصار اول و دوم)
طبق بررسی‌های انجام شده به نظر می‌رسد که حصار اول ۷ دروازه داشته و در مقابل هر دروازه یک معبد احداث شده است. از ۷ معبد فقط ۴ معبد از زیر خاک خارج شده است که به ترتیب، معبد خدای گل (هومبان) در کنار دروازه شمالی، معبد ایشنی کرب و کیریریش در سمت چپ معبد گل و در جبهه شمال غربی، دو معبد ناشناخته در کنار دروازه غربی و جنوب شرقی که از آنها تحت عنوان معابد چهار گوشه یاد می‌شود (گیرشمن، ۱۳۷۳: ۱۳۹).

معبد گل (هومبان)

معبد گل نزدیک دروازه شمالی حصار اول قرار دارد و با یک کف سازی آجری به صحن زیگورات متصل می‌شود در نمای بیرونی این دیوارها، ستون‌های چهار گوشه‌ای وجود دارد که به فاصله‌های معین قرار گرفته‌اند. ورودی نیایشگاه در طرف جنوب شرقی است و به سرسرای باز می‌شود که با حیاط ارتباط دارد. ضلع جنوب غربی حیاط

، دو اتاق تو در تو وجود داشت که از اتاق آخری به عنوان محراب نیایشگاه استفاده می‌شده است. (تصویر شماره ۹).



تصویر (۹) بازسازی معبد هومبان (گال) در محوطه شمال زیگورات چغازنبیل

ج) مجموعه بناهای شمال غربی

مجموعه نیایشگاه‌های ساخته شده در طول صحن شمال غربی، اجزاء مختلف را تشکیل می‌دهد. گیرشمن اعتقاد دارد: «قسمت‌هایی که این مجموعه را تشکیل داده‌اند، فقط می‌توانستند این طور تعبیر و تفسیر شوند که بعداً ساخته شده یا الحاقی هستند و به نقشه اصلی اضافه شده‌اند و یا اینکه اصلاحاتی بوده که روی نقشه اصلی انجام شده است». در این مجموعه می‌توان شش قسمت مختلف را از یکدیگر متمایز کرد که در سطور بعدی توضیح داده می‌شوند.

معبد ایشنی کرب^۲

ورودی ورودی این نیایشگاه از دو برج آجری تشکیل شده که در جلوی آنها دو عدد پیشخوان هدایا که آنها هم آجری هستند وجود داشته است. بین این برج‌ها راهرویی باز می‌شود. انتهای راهرو دری وجود داشته که دو رج آجر کتیبه دار نشان می‌دهد که نیایشگاه، وقف الهه ایشنی کرب بوده است. پس از عبور از در، وارد فضایی می‌شده اند که با خشت شکسته کف سازی شده بود. در زاویه شرقی آن دری وجود داشته که بین این اتاق و سرسرای ارتباط برقرار می‌کرده است. که در محور در ورودی و چسبیده به دیوار سکویی آجری وجود داشته که نزدیک آن پیلچه‌ای نذری به نام «نابو» (خدای نگارش در بین النهرین) پیدا شده است. آیا این نیایشگاه وقف این خدا بوده و یا اینکه این شی نذری مربوط به جای دیگری بوده؟ نمی‌توان هیچ اظهار نظری در این مورد نمود.

معبد کیریریش (غربی)

ورودی معبد غربی کیریریش در جنوب غربی در ورودی بزرگ معبد ایشنی کرب قرار گرفته است. این ورودی به سرسرای باز می‌شود. در این سرسرا دو سکو از خشت خام که روی آن را با گچ پوشانده و دیوارهای آنرا سفید کرده بودند، قرار داشت. سکویی چسبیده به دیوار انتهایی اتاق محراب وجود داشت که روی آن همانند دیوارهای محراب گچ اندود شده بود. بنا بر نظر حفار چغازنبیل: در ضلع غربی معبد کیریریش کارگاه‌هایی بوده که به معبد تعلق داشته و در آنها اشیایی از خمیر شیشه و یا از گل پخته ساخته می‌شده است که آنها را روی میزهای مختص هدایا و یا روی سکوی محراب‌های خدایان خود قرار می‌دادند (گیرشمن، ۱۳۷۳: ۱۲۸-۱۲۷).

² - Ishni- Karab

معبد کیریریش شرقی

ورودی معبد شرقی کیریریش در مقابل دیوار خارجی اتاق محراب معبد ایشنی کرب است. ورودی معبد به دالانی راه می‌یابد که این دالان در عمق خود دارای گذری به اتاق قبل از اتاق محراب بوده است. نیایشگاه به صورت قائم الزاویه ساخته شده و در عین حال قسمت جنوب و جنوب غربی نیایشگاه ایشنی کرب را پوشانده است. در این معبد اتاق محراب مانند دیگر معابد در امتداد اتاق قبل از محراب نبود، بلکه با آن یک زاویه ۹۰ درجه را تشکیل می‌داد. نحفار چغازنبیل در خصوص قرار گرفتن معابد دو خدا یا دو الهه در یک مجموعه واحد می‌گوید: «این نقشه منحصر به فرد نیست، بلکه آن را بعداً در معماری آشوری خواهیم دید که در همین شرایط، به مثابه تفکیک در یک مجموعه متشکل از معابد دوقلوی آنو-آداد که توسط تیگلات پیلاسار اول (۱۰۹۰-۱۱۶۰ ق.م.) احداث گردیده، پذیرفته شده است». (همان: ۱۲۹-۱۲۸)

معبد چهار گوشه غربی

ورودی این معبد در ضلع شمال شرقی آن تعبیه شده است. هر یک از اضلاع این معبد ۱۷ متر است و هر یک از چهار زاویه آن در جهت یکی از جهات چهار گانه قرار دارد. هر یک از وجوه این معبد دارای سه پیش آمدگی بوده است. ورودی این معبد به دالانی باز می‌شود که کف آن با خشت پخته کف سازی شده است. سقف تمام اتاق های معبد را با خشت خام به صورت طاق هلالی پوشانیده اند. این معبد در کنار دروازه غربی حصار اول زیگورات که از آن به عنوان دروازه شوش یاد شده قرار گرفته است. به دلیل اینکه از این معبد کتیبه و یا آجر نوشته ای به دست نیامده، مشخص نیست که به چه خدایی اختصاص یافته است.

معبد چهار گوشه جنوب شرقی

ورودی این معبد در ضلع جنوب شرقی قرار دارد و هر یک از اضلاع این معبد که زاویه ی آن به طرف جهات چهار گانه است، ۱۸ متر بوده. نقشه ی آن شامل حیاطی

است که در زاویه غربی معبد قرار گرفته است. اتاق های آن مثل معبد چهار گوشه غربی در دو ضلع آن قرار گرفته و همه آنها به حیاط معبد وابسته هستند. ورودی معبد به دالان کوچکی باز می شد که احتمالاً به عنوان اتاق خزانه استفاده می شده از طریق آن وارد حیاط معبد می شدند. در ضلع شمال غربی معبد اتاق قبل از محراب و اتاق محراب قرار گرفته است. نقشه این معبد خیلی نزدیک به نقشه معبد غربی است با این تفاوت که ورودی به جای اینکه به طرف شمال شرقی باز شود در ضلع جنوب شرقی قرار دارد. در داخل این دو معبد نه یک آجر کتیبه دار پیدا شد و نه یک شی.

مجموعه معابد شرقی

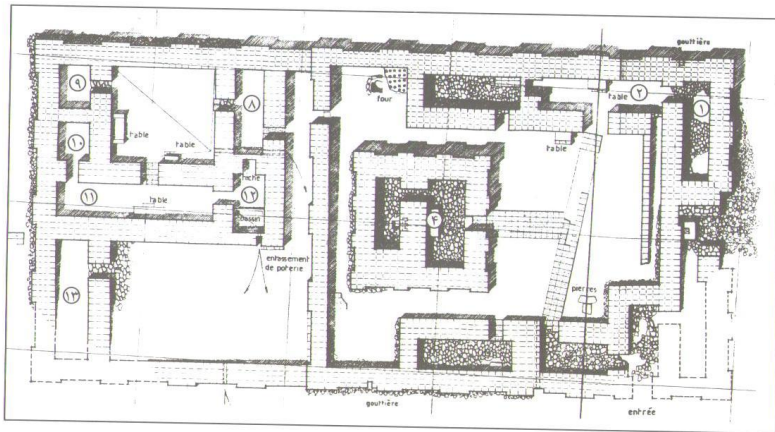
در گوشه ی شرقی صحن مقدس زیگورات و در امتداد حصار دوم و در سمت راست دروازه ی معروف به شوش مکان مقدسی که «سی یانکوک» Siyankuk نامیده می شود، آثار چهار بنا یا چهار معبد چسبیده به هم مشاهده می شود. سه معبد از این چهار معبد تقریباً شبیه به هم و مستطیل شکل اند. ورودی آنها از ضلع جنوب غربی است و این ورودی به یک فضای مستطیل شکل مرتبط می شود و در وراء آن حیاط معبد واقع شده است. نیایشگران بعد از ورود به حیاط معبد به وسیله یک مسیر مورب که با آجر ساخته شده به طرف ورودی اتاق اصلی معبد هدایت می شده اند. در وسط حیاط سکویی از خشت پخته وجود داشته که بنا به نظر حفار سکوی قربانی می باشد. در ضلع غربی و شمال غربی این معابد چهار اتاق وجود داشت که احتمالاً جایگاه کاهنان، خدمه معبد و اشیاء نذری که به معبد هدیه کرده اند. (مجید زاده، ۱۳۷۲: ۶۰). براساس آجرهای کتیبه داری که از این معابد به دست آمده بر ما معلوم گردیده که این معابد جهت کدامیک از خدایان وقف شده است.

معبد اول برای خدای «پی نی کیر pinikir» (الهه مادر ایلام)، معبد دوم برای خدای «ادد Adad» و «نینالی Ninali» (خدای هوا و همسرش) و معبد سوم برای خدای «سیموت Simut» و «منزت» (خدای محلی ایلام و همسرش)، ساخته شده

است. (Grillot, 1986: 33). معبد چهارم که در شمال غربی مجموعه واقع شده به گروهی از خدایان تعلق داشته که شامل چهار جفت خدا تحت عنوان «نپراتپ» Napratep بودند که احتمالاً به معنای الهه‌های روزی دهنده است. به علت تخریب‌های زیاد از طرح و پلان آن هیچ آگاهی در دست نیست.

معبد خدای روهوراتیر^۳ و هیشمیتیک^۴

این معبد در جبهه شمال شرقی زیگورات و در فاصله تقریباً ۲۰۰ متری معابد چهارگانه واقع شده است. شکل کلی این معبد شبیه معابد سه گانه مجموعه غربی است ؛ با این اختلاف که این معبد در ابعاد بزرگتری ساخته شده و به جای یک حیاط از سه حیاط با الحاقات مجزا تشکیل یافته است. در گوشه شمالی حیاط معبد اول یک ورودی وجود داشت که به راهروی طویل معبد دوم راه می یافت. حیاط دوم که به شکل مربع بود و در ضلع غربی آن یک ورودی بود که به سه اتاق مستطیل شکل تو در تو راه می یافت. حیاط سوم تنها یک اتاق مستطیل شکل تقریباً بزرگ داشت که آجرهای کتیبه دار آن بیانگر این هستند که این معبد به خدایان روهوراتیر و هیشمیتیک (خدای محلی هوهور و همسرش) اختصاص یافته است. (تصویر شماره ۱۰)



تصویر (۱۰) معبد خدای روهوراتیر و هیشمیتیک

3 - Ruhuratir

4 -Hishmitik

معبد نوسکو

در حد فاصل حصار سوم یا حصار خشتی بزرگ و حصار دوم کاخ‌های شاهی و بناهای غیر مذهبی احداث شده است. که بقایای سه کاخ با مصالح خشت و آجر از زیر خاک‌ها خارج شده است. عجیب‌ترین کشفی که در این مکان صورت گرفته، حضور یک بنای مذهبی تحت عنوان معبد نوسکو (خدای آتش) است. این معبد در زاویه جنوب شرقی زیگورات و در فاصله ۱۸۰ متری جنوب شرقی کاخ مردگان واقع شده است. این معبد از دو اتاق مستطیل شکل تشکیل گردیده است. در وسط یکی از اتاق‌ها سکویی قرار گرفته که احتمالاً این سکو جای قرار گرفتن آتش مقدس یا مجسمه خدای آتش ایلامی بوده است. براساس مطالعات انجام شده روی این معبد معلوم گردیده که این معبد فاقد سقف بوده است (باغبان، ۱۳۷۵: ۱۲۶).

نتیجه‌گیری و مقایسه معابد ایلامی

ایلامی‌ها برای خدایان و الهه‌های مورد پرستش خود در اقصی نقاط قلمرو امپراطوری ایران نیایش‌گاه‌ها و معابدی برپا می‌کردند. که متأسفانه از دورانه‌های اولیه‌ی ایلام هیچ پرستشگاه و یا ساختمان مذهبی بدست نیامده است. اطلاعات ما در مورد این معابد در نیمه‌ی دوم هزاره‌ی دوم ق.م.، مدیون حفاریهای دکتر نگهبان و رومن گیریشمن در دو منطقه باستانی هفت تپه و چغازنبیل است.

در ارتباط با معابد ایلامی، براساس آخرین اطلاعات به دست آمده از نتیجه بررسی‌ها و مطالعات انجام شده باستان‌شناسی، حدود ۱۷ معبد ایلامی بدست آمده که در این مقاله مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند. از این تعداد، ۱۲ معبد در محوطه باستانی چغازنبیل (دوراوتتش)، سه معبد در محوطه باستانی هفت تپه (کاپناک)، یک معبد که بر روی اثر مهری که از هزاره‌ی سوم ق.م. بدست آمده و نقش معبد کورانگون در استان فارس. مطالعات انجام شده روی معابد فوق و همچنین مطالعه و بررسی کتیبه‌ها و آجر و سنگ نوشته‌هایی از مناطق باستانی مثل: شوش، هفت تپه، چغازنبیل، لیان

(بوشهر امروزی) و منطقه‌ی ایزده (آیپیر) و ...، بدست آمده است. اطلاعات و آگاهی نسبتاً خوبی درباره‌ی مذهب و معابد ایلامیان ارائه داده است. یکی از خصوصیات و ویژگی‌های برجسته معابد ایلامی نصب شاخ‌های حیوانات بر روی دیوارهای معابد به عنوان جنبه تقدس آنها بود. در اثر مهری از هزاره سوم ق.م. و نقش برجسته‌ای از یک معبد ایلامی مکشوفه از کاخ آشور بانیپال در نینوا شاخ‌هایی دیده می‌شود. کوتیک اینشوشینک پادشاه ایلام (۲۲۰۰ ق.م.) در یک لوحه‌ای اعلام کرده که ۳۳ زیگورات یا معبد برای خدایان خود ساخته و آنها را با شاخ حیوانات تزئین کرده که جنس آنها احتمالاً مفرغ بوده است. ویژگی دیگر معابد ایلامی این بود که نیایشگران ایلامی نمی‌توانستند مستقیماً وارد معابد بشوند بلکه بخاطر تقدس خاصی که برای خدایان و پرستشگاه‌ها و معابد آنها قائل بودند. معابد را به طریقی می‌ساختند که دسترسی به اتاق محراب (محل قرار گرفتن مجسمه خدا) از ورودی اصلی به صورت غیر مستقیم باشد.

دیگر ویژگی، باغ‌های مقدس است که در کتیبه‌های معابدی چون معبد ناهونته (خدای خورشید) در شوش و معبد الهه کیریریش در دوراونتش ذکر شده است و احتمالاً جزء اصلی هر معبد ایلامی بوده است.

منابع

۱. آمیه، پیر؛ (۱۳۷۲)، **تاریخ ایلام**، ترجمه: شیرین بیانی؛ چاپ دوم. تهران دانشگاه تهران.
۲. باغبان، غلامعلی؛ (۱۳۷۵). **"تحلیل باستان‌شناسی مذهب و معماری ایلام و بین النهرین"** پایان نامه کارشناسی ارشد، دکتر علی اصغر میرفتاح، تربیت مدرس - دانشگاه ادبیات و علوم انسانی. تهران.
۳. تی پاتس، دنیل؛ (۱۳۸۵) **باستان‌شناسی ایلام** ترجمه زهرا باستانی، سمت، تهران.
۴. جی، گروپ، (۱۳۷۲) **واسطه تطهیر مذهبی ایلام**، ترجمه. م. ر. صراف، میراث فرهنگی، شماره ۹
۵. دادور، ابوالقاسم؛ (۱۳۷۰) **سمبل های خدایان بین النهرین از دوره اور سوم تا اواخر دوره آشور نو**، پایان نامه کارشناسی ارشد، جلد اول و دوم، تربیت مدرس - دانشگاه ادبیات و علوم انسانی.
۶. صفایی، مینو (۱۳۸۵) **معماری و اشیاء منقول ایلام**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، دکتر محمدرحیم صراف، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. ابهر
۷. صراف، محمدرحیم، (۱۳۸۴) **مذهب قوم ایلام**، چاپ اول، سمت، تهران.
۸. گیریشمن، رومن؛ (۱۳۶۸) **ایران از آغاز تا اسلام**، ترجمه: محمد معین، چاپ هفتم، تهران علمی فرهنگی،
۹. گیریشمن، رومن؛ (۱۳۷۳) **چغازنبیل «دوره اونتاش»**، جلد اول و دوم، ترجمه اصغر کریمی، چاپ اول، میراث فرهنگی کشور. تهران
۱۰. مجید زاده، یوسف؛ (۱۳۶۸) **آغاز شهرنشینی در ایران**، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی. تهران
۱۱. مجید زاده، یوسف (۱۳۷۰) **تاریخ و تمدن ایلام**، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی. تهران
۱۲. نگهبان عزت اله (۱۳۷۲). **حفاری هفت تپه دشت خوزستان**، چاپ اول، سازمان میراث فرهنگی کشور. تهران
۱۳. والتر هینز (۱۳۷۲). **«دنیای گمشده ایلام»** ترجمه فیروز فیروز نیا، علمی فرهنگی. تهران.

- Amiet.p. "Elam", franc 1966.
- Carter, E. and M.stolper,, Elam: Surveys oF political History and ArchaeoLogy BerKeLey/ LosAngeLes/ London 1984.OLMSted, A.T, History oF Persian eimpiri, chicogo, unive, 1959.
- Jacobsen, TH. The Sumerian king List, chicogo, 1939.
- Ghirehman, R."T choga zanbil (Dur untash). La ziggurat, Paris: MDP 39.
- Grilot, f, L" Kririsha", FHE, 175-180.1986.
- Hinz, W. Eine Neuge fundend altami sche funde silbervase.Altiranische and forschungen.Berlin 1969.
- Konig.F.W, Die Elamischen Konigsin schriften. Graz, 1965.
- Labat.R Elam c.1600- 1200 B.L. combridinge university prrers, Vol.2, 1943
- Labat.R, (La mort du roid, Elam Humban- HaLtasI) Arch.orien 17.1949.
- MalloWan, M. E. L"ELamite ProbLems", procee dings oF the British Academy, 1970.
- Negahban, E.O. (1991), the Haft Tape, Iran, Philadelphia: uniVer sity MuseuM MuseuM Mo- nograph 70. (1994) "The artists Work shop of haft Tape", CDR.
- Nunn, a, Diewan dmaLerei und gLasierte wond schmuckim aLten orient, Leiden / coLogne: Hdo 7, 1988
- Parrot. A, Missio ArcheoLogique de Mari VoL. 2, Paris, 1959.
- Reiner, E " The location of Anshan'. Revued "assyiologie ETD Archeologie oriental, pp57-62. 1973.

تعاملات هنری ایلام و بین النهرین

(با تگرشی بر نقوش موجودات ترکیبی در مهرها)

مهتاب مبینی^۵ فرزام ابراهیم زاده^۶

چکیده

اطلاعات ما همواره در خصوص تعاملات هنری ایلام و بین النهرین محدود بوده است. با مطالعه بر روی مهرهای استوانه‌ای و بررسی نقوش موجودات ترکیبی به روش تطبیقی می‌توان به وجود اشتراکاتی در صحنه‌های نقوش موجودات ترکیبی از نظر نوع نقوش، سبک نقوش و ابزار به کار رفته در ساخت مهر، پی به تعاملات فرهنگی و هنری میان این دو سرزمین برد. هدف از این پژوهش نیز بررسی وجوه اشتراک نقوش موجودات ترکیبی در مهرهای ایلام و بین النهرین است. این پژوهش به روش توصیفی- تطبیقی و شیوه گردآوری کتابخانه‌ای انجام شده است. در این مطالعه مشخص شد که موجودات ترکیبی به کار رفته در دوره ایلامی با نمونه‌های همزمان بین النهرین دارای شباهت‌های بسیاری بودند. این شباهت‌ها را به آسانی در نقوش شیر دیو، گاو بالدار، می‌توان مشاهده نمود. نقش شکار شیردال بیشترین اهمیت را در بین نقوش موجودات ترکیبی در دوره ایلام و نمونه‌های بین النهرینی دارد. سبک کار هنرمندان در ایجاد نقوش و جنس که جهت ساخت مهر استفاده می‌نمودند بسیار مشابه یکدیگر بوده است. گویی که هنرمندان در یک کارگاه مهر سازی به ایجاد نقوش پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: مهر، موجودات ترکیبی، شکار، ایلام، بین النهرین.

^۵ - استادیار گروه هنر، دانشگاه پیام نور، تهران. Mobini.mahtab@gmail.com

^۶ - کارشناس ارشد باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.

مقدمه: تمدن‌های باستان که در مجاورت هم می‌زیسته‌اند، همواره در دوره‌های مختلف به علت روابط و تعاملات سیاسی، اقتصادی، تجاری، شورش‌ها، فتوحات و نفوذی که به هر شکلی بر یکدیگر داشته‌اند، در زمینه‌های مختلف تأثیراتی از هم پذیرفته‌اند. از جمله این تأثیرات، نفوذ فرهنگ و هنر، و مذهب می‌باشد. با بررسی آثار به جای مانده از تمدن‌های گذشته می‌توان پرده از بسیاری از این تأثیرات برداشت و به یافته‌های باارزشی دست یافت.

«ایلام همواره با همسایگان خود در دشت بین‌النهرین در تماس بسیار نزدیک و همیشگی بوده است گاهی این تماسها دوستانه و مسالمت آمیز و زمانی خصمانه و شدید بوده است که در هر حال موجب مبادلات فرهنگی و اقتصادی و نفوذ تمدنی خواه از این کشورها به ایلام و خواه زمانی چند از ایلام به این نواحی بوده است.» (آمیه. ۱۳۷۲: ۳)

تعاملات هنری ایلام و بین‌النهرین از گستره محیطی خاصی بر خوردار می‌باشد. به نظر می‌رسد که این شباهت‌ها نتیجه‌ی تأثیراتی یک‌سویه نبوده، بلکه روابطی متقابل در آن نقش داشته است. روشن شدن این مراودات فرهنگی و اقتصادی و هنری همواره مورد توجه باستان‌شناسان بوده است. علی‌رغم فعالیت‌های علمی منضبط که در یکی دو قرن گذشته بر روی آثار فرهنگی به وسیله باستان‌شناسان صورت گرفته است. اما هنوز نیاز به بررسی و تحقیق در مورد شناسائی کامل تعاملات هنری ایلام و بین‌النهرین می‌باشد. تعاملات هنری و فرهنگی در میان نقوش و سبک مهرهای استوانه‌ای ایلام و بین‌النهرین انکارناپذیر است نقوش موجودات ترکیبی در مهرهای استوانه‌ای این سرزمینها از خلاقیت هنری خاصی برخوردار بود نقوش انسان بالدار، شیر دیو، گاو بالدار، کژدم انسان با دقت بالایی حکاکی شده‌اند که حکایت از تبادلات گسترده هنری و فرهنگی میان این دو سرزمین دارد.

ایلام

ایلام یکی از تمدنهای کهن مشرق زمین می باشد. سومری ها حرف اختصاری نیم (NIM) را برای عیلام به کار می بردند و این کلمه زبان سومری به معنی بالا است. از این جا می توان نتیجه گرفت که برای ساکنان بین النهرین ایلام واقعی در بالا و پشت کوههای زاگرس قرار داشت. (هیتس ، ۱۳۷۱ ، ۲۵) ایلامیها سرزمین خود را هاتمی می نامند که به معنی سرزمین مقدس است (نگهبان، ۱۳۷۲، ۴۵۲).

سومری ها کشور آنها را عیلام یعنی محل یا سرزمین مرتفع نامیده اند و این مطلب خاطرنشان می سازد که آنها نه فقط دشت وسیع و پهناور خوزستان را در اختیار داشتند بلکه ارتفاعات شرقی و شمالی این منطقه و بیشتر نواحی زاگرس را نیز تحت سلطه خود داشتند. (همان، ۲)

اما مناطقی در این دوران وجود داشت که جزو قلمرو همیشگی ایلامیها بود و از نظر سیاسی اهمیت زیادی را برای ایلامیها دارا بود. این مناطق عبارت بودند از سوزیان (شوش) ، اوان (شمال غربی شوش و در کنار رودخانه های دز و کرخه) ، سیماش (که در شمال و شمال شرقی دشت خوزستان) انزان، انشان (منطقه شرقی و جنوب شرقی مال میر بختیاری را شامل می شد) ، پارسوماش (مسجد سلیمان امروزی) که تمام این مناطق در طول حکومت ایلامیها از اهمیت زیادی برخوردار بودند (آمیة ، ۱۳۷۲ ، ۲) محل اصلی ایلامیها را کوهستانهای شرقی بین النهرین یعنی ارتفاعات مشرف بر دشت خوزستان و قسمتهای جنوبی کوه های زاگرس می داند. (همان ، ۴۵۶)

«دکتر مجیدزاده» زبان مردم ایلام را یک زبان ترکیبی می داند که با هیچ یک از زبانهای شناخته شده نسبتی ندارد. (مجیدزاده ، ۱۳۷۰ ، ۶۵) اطلاعات ما بیشتر محدود به کتیبه ها و نوشته هایی است که آغاز آن مربوط به هزاره سوم ق.م می باشد. اما ایلامیها از اواخر هزاره چهارم و یا اوایل هزاره سوم قبل از میلاد تا حدود ۶۴۴ قبل از میلاد در منطقه جنوب غربی ایران حکومت می کردند و در این مدت طولانی حکومت یعنی

۲۵ قرن سلسله‌های معروفی را شامل می‌شدند که عبارت بودند از: اوان، سیماش، اپارت، ایکهالکی، شوتروکها و ایلام نو. ایلامیها ضمن تشکیل اولین سلسله‌های حکومتی در ایران و در منطقه جنوب غربی ایران پاسداری بخش مهمی از این سرزمین را در مقابل همسایگان قدرتمند غربی خویش در بین‌النهرین بر عهده بگیرند. (صراف ۱۳۷۲، ۸)

بین‌النهرین

سرزمین بین‌النهرین یکی از پیشگامان تمدن در جهان می‌باشد. ابداع خط توسط سومری‌ها که گام مهمی در رشد و توسعه علم و فرهنگ در این سرزمین بود اما در سرزمین بین‌النهرین دوره‌های متفاوتی را مشاهده می‌نماییم. دوران سلسله‌های نخستین به ۳۰۰۰ ق.م باز می‌گردد که ما شاهد رشد این تمدن هستیم. ما سه مرحله دوران سلسله‌های اول قدیم، دوران دوم سلسله‌های قدیم و دوران سوم سلسله‌های قدیم را مشاهده می‌نماییم. که هر یک از این دورانها ویژگیهای هنری خاص خود را دارند. (مجیدزاده، ۱۳۷۹، ۳۶)

پس از این دوران ما دوران اکد را داریم که مهمترین پادشاه آن سارگون بود. سارگون توانست رابطه مستقیم شاه و پیروانش را تحکیم بخشد و قلمرو حکومتی اکد را به صورت یک فرمانروایی قدرتمند در بین‌النهرین درآورد. (۲۳۹۰-۲۲۱۰ ق.م) در این دوران هم سبکهای متفاوت هنری در زمینه مهرهای استوانه‌ای و نقوش برجسته مشاهده می‌نماییم. پس از این دوران ما عصر نوزایی در دوران سومر جدید را مشاهده می‌کنیم که دو دوران متفاوت یعنی دوران لاگاش و دوران سلسله سوم اور را شامل می‌شود. در دوران سوم سلسله اور سرزمین بین‌النهرین نه تنها از نظر اقتصادی بلکه در زمینه‌های سیاسی و فرهنگی و هنری یکی از بزرگترین دورانهای سرزمین بین‌النهرین بود. در طول این دوران بسیاری از آثار بزرگ ادبی بازنویسی شده‌اند

پس از این دوران ما به دوران بابل قدیم می‌رویم (۱۶۰۰-۲۰۰۰ ق.م) که شامل دوره ایسین و لارسا می‌شود. سلسله بابل قدیم راسومو-ایوم (۱۸۸۱-۱۸۹۴ ق.م) که یکی از رهبران آموری بود بنیان نهاد. اما اوج اقتدار این سلسله در دوران حمورابی (۱۷۵۰-۱۷۹۲ ق.م) بود که به یکی از دوران‌های مهم در سرزمین بین‌النهرین تبدیل شد. حمورابی پیروزی‌هایی کسب کرد و توانست بین‌النهرین را یکپارچه کند و وحدت سیاسی را به آن بازگرداند (همان، ۶۶).

در این دوران نیز آثار هنری زیبایی ساخته شد. دوران بابل میانی (۱۲۰۰-۱۶۰۰ ق.م) در این دوران بود که کاسیها توانستند قدرت خود را کم‌کم در منطقه پیدا کنند و قلمرو حکومت کاسیها همواره از سوی شمال و جنوب تهدید می‌شد. هیچ اثر مشخص از دوران کاسی‌ها متعلق به سال‌های پیش از قرن پانزدهم به دست نیامده است و یکی از دورانهای تاریک قرن پانزدهم می‌باشد. در دوران بابل میانی هنرهای مختلفی همچون مجسمه‌سازی، نقوش برجسته و ساخت مهرهای استوانه‌ای با سبک جدیدی مورد استفاده قرار می‌گرفت (همان: ۱۳۰).

اهمیت مهرها در مطالعات باستانشناسی

گذشته و زندگی نیاکان بر ما پوشیده است. در آن دوران ابزار اطلاع‌رسانی در مراحل بسیار ابتدایی قرار داشت و پیشرفت و پیچیدگی زمان حال در کار نبود. از این رو هر اثری از آنان می‌تواند روزه‌ای به دنیای ناشناخته باشد. گاهی این آثار پابرجا و عظیم است و گاهی نیز همانند شیء قابل جابجا شدن است. بعضی از این آثار در مقابل صدمات و آفات مختلف آسیب‌پذیر هستند و برخی مقاومت و استحکام زیادی را دارند. مهر از جمله اسنادی است که به علت حجم کم آن ممکن است از یک طبقه فرهنگی وارد طبقه دیگر شود و یا اینکه از محلی به محل دیگر و از تمدنی به تمدن دیگر انتقال پیدا کند. اما در مورد نقوش برجسته کمتر این اتفاق صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه مهرها از سنگ ساخته می‌شدند در مقابل عوامل طبیعی مانند برف و

باران از استحکام خوبی برخوردار بودند و این مدارک از جمله مدارکی بودند که سالیان دراز در معرض دید اجتماعات بشری قرار داشتند (صراف، ۱۳۷۳: ۲). این آثار در هر دوره با توجه به ثبات سیاسی، قدرت اقتصادی و پیشرفت فنی و هنر حکاکی از سبک خاص برخوردار بودند. بنابراین باستان شناسان با به دست آوردن مهر به راحتی می توانند قدمت یک مکان را مشخص نمایند بر روی مهرها علائمی را مشاهده می نمایم که هر کدام از این علائم مفهومی خاص را بیان می نمایند. مهرها نیز از جمله آثاری هستند که بیشترین اطلاعات را برای شناخت آداب و رسوم و باورهای قومی در اختیار باستانشناسان قرار می دهند. معمولاً هنرمندان مبادرت به ساخت مهرهایی که دارای صحنه های زندگی روزمره و محیط زیست و شکار و مبارزه که در پیرامون خود اتفاق می افتاد می نمودند. با بررسی نقش مهرها می توان علاوه بر دست یافتن به عناصر به اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن جامعه پی برد و به رشد و شکوفایی هنری یا ضعف این اقوام آشنا شد. همچنین می توان سبکهای متفاوتی از حکاکی را در روی این آثار مشاهده کرد.

مهرهای ایلام با صحنه شکار موجودات ترکیبی

یکی از موضوعاتی که در دوره ایلام نو جالب توجه می باشد نقوش شکار توسط موجودات ترکیبی است. اگرچه این نقوش ترکیبی بسیار اندک می باشند. اما از اهمیت بسیاری در دوره ایلام نو برخوردار هستند. آثار شکار موجودات ترکیبی در دوره ایلام نو مورد بررسی قرار می گیرد.

شکار حیوان توسط انسان بالدار

یکی از موضوعاتی که بر روی مهرهای استوانه ای ایلام نو مشاهده می شود شکار حیوانات توسط انسان بالدار است که از موضوعات اساطیری می باشد. این نوع انسان بالدار به ابوالهول معروف است و از اواسط هزاره سوم پیش از میلاد در مصر، یونان

و بین النهرین مشاهده می‌شود و به قلمروی ایلامی‌ها نیز وارد شده است (هال، ۱۳۸۳، ۲۰). در مهر (تصویر ۱) ما یک انسان بالدار را مشاهده می‌نماییم که کلاهی بر سر دارد و دارای دو بال بزرگ است و با دو دست خود دو گوزن را وارونه در اختیار گرفته است و دو حیوان را از پا بلند کرده است که نشان از قدرت زیاد انسان بالدار دارد. این مهر دارای کتیبه است و هنرمند حکاک دقت زیادی را در خلق این مهر به کار برده است. نقش انسان بالدار از موضوعات مهم در دوره ایلام نو می‌باشد که در این مهر مورد توجه قرار گرفته است. در این صحنه انسان بالدار دارای قدرت مافوق طبیعی است. این نقش برای نخستین بار در خاورمیانه بر روی مهرهای استوانه‌ای آشوری و با گستردگی بیشتر از سده نهم به عنوان تندیسهای محافظ معابد و قصرها دیده شد. شاید بتوان این نقش را نیز تحت تأثیر تمدنهای مجاور دانست (تصویر ۱) (پاتس، ۱۳۸۵: ۶۶).



تصویر ۱. شکار گوزن توسط انسان بالدار - موزه لوور (۹۰۰ ق.م)

سنگ آهکی روشن (۲×۱/۵cm)

شکار حیوان به وسیله شیردیو دوسر

یکی از نقوشی که ما بر روی مهرهای استوانه‌ای ایلام نو مشاهده می‌نماییم، شکار حیوان به وسیله شیردیو دوسر است. شیردیو دوسر یک موجود نیرومند است که دارای سر عقاب و بدن شیر و پای چنگال دار می‌باشد.

در دوره‌های مختلف در سرزمین بین‌النهرین نقش شده است. اما بیشتر در دوره بابل نو و آشورنو مورد توجه قرار گرفته است و کم‌کم به قلمروایلامی نیز راه یافته اما نوع دوسر شیردیو یک نمونه شاخص می‌باشد (پرادا، ۱۳۷۵: ۵۴).

در (تصویر ۲) ما یک شیردیو دوسر را در وسط صحنه مشاهده می‌نماییم که دو قوچ کوهی را از پا به هوا بلند کرده است و هر کدام از سرهای شیردیو به سمت یک قوچ کهی برگشته است. در این مهر دو گوی نیز مشاهده می‌شود که یک گوی در بالای سر شیردیو و گوی دیگر زیر پای شیردیو قرار دارد.

بین دو قوچ کوهی و دو سر شیردیو قرینه ایجاد شده است. همچنین یک کلمه کتیبه در پشت دو قوچ کوهی مشاهده می‌شود. هنرمند حکاک این نقش را با دقت زیاد ایجاد کرده است و هنرمند سعی نموده که تمام صحنه را پر نماید که تا اندازه‌ای نیز موفق بوده است (تصویر ۲) (پرادا و دیگران، ۱۳۸۳: ۵۴).



تصویر ۲. شکار قوچ کوهی توسط شیر دیو دوسر - موزه ایران باستان (۹۰۰ ق.م).

بدل چینی (۳×۱/۴cm)

شکار حیوان به وسیله شیر ترکیبی

یکی از نقوشی که ما بر روی مهرهای استوانه‌ای ایلام نو مشاهده می‌نماییم شکار حیوان به وسیله شیر ترکیبی است. شیر حیوانی است بسیار نیرومند و معمولاً در

بیشه‌زارها زندگی می‌کند. نقش شیر در دوره آشور نو در بین‌النهرین از اهمیت زیادی برخوردار بود. شیر در این دوران به عنوان حیوان محافظ کاخ‌ها و معابد و یا بر روی نقوش برجسته و مهرهای استوانه‌ای نشان داده شده است. شیر در سرزمین ایلام نیز از اهمیت زیادی برخوردار بود و بر روی نقوش مهرهای استوانه‌ای مشاهده می‌شد (بلک و گرین، ۱۳۸۳: ۵۵).

در (تصویر ۳) نقش شکار گوزن به وسیله شیر ترکیبی را مشاهده می‌نماییم که دو نقش به صورت تکراری در صحنه ایجاد شده است. شیر ترکیبی در حال حمله به گوزن است. دو نقش ستاره که نماد خدای ایشتار خدای عشق و جنگ است نیز در صحنه مشاهده می‌شود. هنرمند سعی کرده که تمام صحنه را با نقوش هندسی و گیاهی پر نماید و برای بالا و پایین صحنه نیز یک حاشیه در نظر گرفته است. در این صحنه دو گوی نیز مشاهده می‌شود. نقوش در این صحنه به صورت خطی نشان داده شده است. نوع نقش شیر بسیار جالب توجه است. نیم تنه پایین حیوان بسیار کوچک تر از نیم تنه بالای حیوان نقش شده و سر حیوان بسیار بزرگ و شبیه سر مار و پاهای شیر شبیه پاهای یک انسان نقش شده است که ترکیبی بودن شیر را نشان می‌دهد (تصویر ۳) (پرادا و دیگران، ۱۳۸۳: ۵۵).



تصویر ۳. شکار گوزن توسط شیر ترکیبی - موزه لوور (۹۰۰ ق.م)

بدل چینی (۲×۱/۵cm)

شکار حیوان بوسیله قنطورس

در این اثر اسب - مرد (قنطورس) با کمانی در دست در حال حمله به یک جانور ترکیبی که دارای سر گربه سانان و بدن پرنده‌ای بزرگ با پاهای بلند است که وی نیز کمانی در دست دارد و در جهت موافق کمان قنطور، هر دو به سمت چپ نشانه رفته‌اند و در زیر پای قنطور سگی در جهت راست ایستاده است و قنطور دو پای جلوی خود را بر روی آن قرار داده و یا در حال جهش از روی سگ می‌باشد (Amiet, 1972, p.282). یکی از هیولاهایی که کینگو را در نبردش علیه آن یاری می‌کند، اسب - مرد (قنطورس) است که نقش آنرا بر مهرها و سنگ‌های بابلی می‌بینیم. (تصویر ۴) (هوک، ۱۳۲۸:۵۷). احتمالاً این نقش منشایی خارجی دارد زیرا چنین تصاویری در عیلام مرسوم نبوده است.



تصویر ۴- سنگ خاکستری تیره، شوش، نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد، موزه تهران.

مهرهای بین النهرین با صحنه شکار موجودات ترکیبی

یکی از موضوعاتی که در بین النهرین (۱۰۰۰-۶۵۰ ق.م) جالب توجه می‌باشد نقوش شکار توسط موجودات ترکیبی بسیار متنوع می‌باشد و این نقوش از اهمیت زیادی در بین النهرین (۱۰۰۰-۶۵۰ ق.م) برخوردار هستند. در ادامه به بررسی آثار شکار موجودات ترکیبی می‌پردازیم.

شکار شیردیو

یکی از نقوشی که بر روی مهرهای استوانه‌ای آشوری مشاهده می‌شود، نقش شکار حیوان توسط شیردیو است. شیردیو دارای پیکر پیوندی با بدن انسان، سر شیر، گوشهای دراز، پنجه‌های پرنده و معمولاً یک خنجر در دستش دارد و در دوره‌های آشور نو و بابلی نو بر روی مهرهای استوانه‌ای و نقوش برجسته مشاهده می‌گردد. (بلک و گرین، ۱۳۸۳: ۱۹۸). بر روی این مهر استوانه‌ای ما نقش شکار شیر توسط یک شیردیو را مشاهده می‌نماییم. در سمت چپ صحنه یک شیردیو با صورتی انسانی و ریش و موی بلند و عضلات نیرومند با خنجری که در دست دارد، در حال حمله به سوی یک شیر است، که در سمت راست صحنه در حال غرش است و شیر می‌خواهد از خود دفاع کند. هنرمند دقت زیادی را در نشان دادن عضلات نیرومند شیردیو و شیر به کار برده است (تصویر ۵). (Teisser.1984. P.152).



تصویر ۵. شکار شیر توسط شیردیو به وسیله شمشیر - موزه بریتانیا (۸۰۰ ق.م)

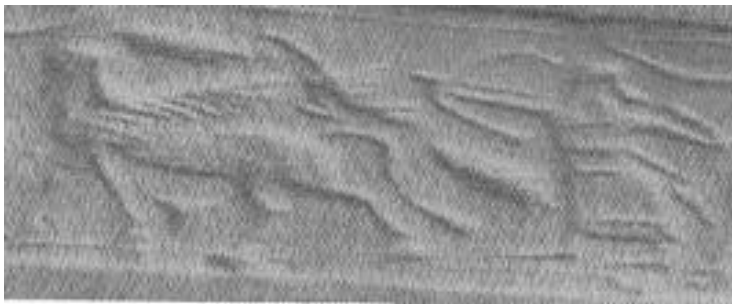
بدل چینی (۲/۳×۱/۴ cm)

شکار گاو بالدار با سر انسان

نقش شکار گاو بالدار با سر انسان از جمله صحنه‌های مورد علاقه آشوریها بوده است. این موجود حیوانی ترکیبی می‌باشد. گاو نری که یالهای پرپشت دارد و با صورتی انسانی نمایش داده شده و در حالت‌های گوناگون نشان داده می‌شود یا به عنوان نگهبان دروازه‌ها یا بر روی نقوش مهرهای استوانه‌ای و گاهی نیز بر روی نقوش برجسته این

موجود ترکیبی قابل مشاهده است. در ادامه به بررسی نقوش شکار گاو بالدار با سر انسانی بر روی مهرهای استوانه‌ای در نمونه‌های بین النهرینی (۱۰۰۰-۶۵۰ ق.م) می‌پردازیم. بر روی این مهر استوانه‌ای در سمت راست صحنه، ما یک فرد شکارچی را مشاهده می‌نماییم که لباس بلندی بر تن دارد و تیر و کمانی را در دست گرفته و در حال تیراندازی به سوی یک گاو بالدار با سر انسان است، این مهر آسیب دیده می‌باشد.

گاو بالدار با صورت انسان پشت به شکارچی دارد در صحنه نقوش متفاوتی مثل ماه که نماد خدای سین است مشاهده می‌شود. علاوه بر آن نقوش هندسی زیادی در صحنه وجود دارد و هنرمند سعی کرده که صحنه را پر نماید. دو ماهی و یک موجود که شباهت زیادی به پرنده دارد نیز در این صحنه مشاهده می‌شوند. هنرمند حجار دقت زیادی را در خلق این نقش نموده و به ظرافتهای زیادی توجه کرده است (تصویر ۶). (Teisser.1984. P.153).



تصویر ۶. شکار گاو بالدار با سر انسانی توسط شکارچی به وسیله تیر و کمان - موزه بریتانیا (۸۰۰ ق.م)
سنگ آهکی تیره (۳×۱/۲ cm)

شکار کژدم - انسان

نقش شکار کژدم - انسان از جمله صحنه‌های مورد علاقه آشوریها می‌باشد. کژدم - انسان موجودی ترکیبی است که ابتدا در دوره اکد بر روی مهرهای استوانه‌ای مشاهده شد. این موجود ترکیبی دارای سر انسان، ریش بلند، نیم تنه انسانی، پاهای پرنده،

آلت تناسلی مردانه ، دم عقاب ، و بال پرنده می باشد. در دوره های اکلدی ، بابلی ، آشوری به فراوانی بر روی مهرهای استوانه ای مشاهده می شود (متین، ۱۳۸۳: ۲۶۶). در (تصویر ۶) ما یک شکارچی را مشاهده می نماییم که تیر و کمان در دست دارد و در حال تیراندازی به سوی یک کژدم - انسان است که در سمت چپ صحنه مشاهده می شود این مهر استوانه ای فرسوده می باشد. کژدم - انسان در حال نگاه کردن به شکارچی است. در بالای سر کژدم - انسان تصویر ماه که نماد خدای سین می باشد و در سمت دیگر خورشید که نماد خدای شمش است دیده می شود. در این صحنه نقوش هندسی نیز وجود دارد که هنرمند سعی نموده تمام صحنه را پر نماید. این مهر با یک کادر هندسی تزئین شده است (تصویر ۶) (Teisser.1984.p.153).



تصویر ۶. شکار کژدم - انسان توسط شکارچی به وسیله تیر و کمان - موزه بریتانیا (۸۰۰ ق.م)

سنگ آهکی روشن (۲×۱/۶ cm)

شکار گاو بالدار

نقش شکار گاو بالدار از جمله صحنه های مورد علاقه هنرمندان آشوری است و این حیوان موجودی ترکیبی می باشد. گاو نری که یالهایی بر پشت خود دارد و در حالت های مختلف نمایش داده می شود و یا به عنوان نگهبان دروازه ها و گاهی بر روی مهرهای استوانه ای و حتی روی ظروف این صحنه قابل مشاهده است.

در روی مهر استوانه ای (تصویر ۷) در سمت راست یک گاو بالدار را مشاهده می‌کنیم و در سمت دیگر یک شکارچی که تیر و کمان در دست دارد و در حال تیراندازی به سوی گاو بالدار است در بالای سر گاو بالدار هفت گوی مشاهده می‌شود و یک ماه که نماد خدای سین است در آسمان دیده می‌شود. این اثر فرسوده بوده و قسمتهایی از آن نامشخص می‌باشد. هنرمند سعی کرده که صحنه را با نقوش مختلف پر نماید به صورتیکه هیچ فضای خالی در صحنه وجود نداشته باشد (تصویر ۷) (Teisser.1984. (P.152).



تصویر ۷. شکار گاو بالدار توسط شکارچی به وسیله تیر و کمان - موزه بریتانیا (۸۰۰ ق.م)

سنگ آهکی روشن (۲×۱/۴ cm)

نتیجه‌گیری

تکامل هنری عیلامی‌ها در هزاره سوم، بیشتر در آثار مهرسازان به چشم می‌خورد. آنان مهارتی را تکمیل کردند که در هزاره چهارم به آن‌ها به ارث رسیده بود. عیلامی‌ها بیشتر به مسایل روحی می‌پرداختند و به جنبه مجهول طبیعت بیشتر توجه داشتند. آنان هیولاهای خیالی دورگه و شگفت‌انگیز را ترجیح می‌دادند، یکی از این هیولاهای دورگه عبارت از شیری بالدار با سر و دو پاییک پرنده شکاری است. گریفون از ابتکارات عیلامی‌ها است، هر چند در بین النهرین رواج نیافت، ولی در مصر به عنوان نمادی مرسوم شد. ایلامی‌ها اگر چه از دیدن این پدیده شگفت‌انگیز که زائیده

تصوراتشان بود برخورد می‌لرزیدند، با دیدن آن را از ابراز شعف نمی‌توانستند خودداری کنند. نقوش شکار موجودات ترکیبی بر روی مهرهای استوانه‌ای ایلام و نمونه‌های بین‌النهرینی از تنوع زیادی برخوردار می‌باشد و نقوش شکار موجوداتی مثل: شیر دال، شیردیو، کژدم انسان، گاو بالدار، شیر بالدار رواج داشت.

سبک حکاکی مهرهای استوانه‌ای در دوره ایلام و نمونه‌های بین‌النهرینی بسیار مشابه می‌باشد و سبک نقوش مهرهای استوانه‌ای در این دوران خطی می‌باشد. نقش شکار شیردال بیشترین اهمیت را در بین نقوش موجودات ترکیبی در دوره ایلام و نمونه‌های همزمان بین‌النهرینی دارد. مهرهای استوانه‌ای در دوره ایلام و بین‌النهرینی عبارت بود از: سرپنتین، سنگ آهکی روشن، قیر طبیعی، بدل چینی، سنگ آهکی تیره که این سنگها برای ساخت مهرهای استوانه‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفت.

نشان دادن موضوعات هنری به کمک نظریه طبیعت‌گرایانه و ساده‌اندیشانه رایج در مهرها، جای خود را به اظهار نظر درباره نیروهای داد که، بر پدیده‌های طبیعی و سیاسی حاکم است و این حقیقت مسلم باقی می‌ماند که ما تحت تأثیر تعادل شگفت‌انگیز نیروهای متضاد قرار می‌گیریم، و ایلامها را قومی خارق‌العاده می‌دانیم.

منابع

۱. بلک، جرمی، گرین. آنتونی (۱۳۸۳)، "فرهنگنامه خدایان، دیوان - نمادهای بین‌النهرین باستان"، ترجمه پیمان متین، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲. پاتس، دنیل تی (۱۳۸۵)، "باستانشناسی ایلام"، ترجمه زهرا باستی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۳. پرادا، ایدت با همکاری رابرت دایسون و چارلز ویلکنسون (۱۳۸۳)، "هنر ایران باستان"، ترجمه یوسف مجیدزاده، چاپ دوم، تهران انتشارات دانشگاه تهران
۴. پرادا، ادیت (۱۳۷۵)، "چغازنبیل (حکاکی‌ها)"، ترجمه اصغر کریمی، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

۵. صراف، محمدرحیم (۱۳۷۲)، "نقوش برجسته ایلامی"، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. صراف، محمدرحیم (۱۳۸۴)، "مذهب قوم ایلام"، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۷. گیرشمن، رومن (۱۳۶۸)، "ایران از آغاز تا اسلام"، ترجمه محمدمعین، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. مجیدزاده. یوسف (۱۳۷۰)، "تاریخ و تمدن ایلام"، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۹. مجید زاده، یوسف (۱۳۶۸)، "آغاز شهرنشینی در ایران"، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۰. مجید زاده، یوسف (۱۳۷۶)، "تاریخ و تمدن بین النهرین"، تاریخ سیاسی، جلد اول، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
۱۱. مجید زاده، یوسف (۱۳۸۰)، "تاریخ و تمدن بین النهرین"، هنر و معماری، جلد سوم، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
۱۲. هیتس، والتر (۱۳۷۱)، "دنیای گمشده عیلام"، ترجمه فیروز نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
۱۳. هال، جیمز (۱۳۸۳)، "فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، چاپ دوم، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر
۱۴. هوک، ساموئل هنری (۱۳۲۸) "اساطیر خاورمیانه"، ترجمه علی اصغر بهرامی و فرنگیس مزداپور، تهران: انتشارات روشنگران.
15. Amiet, Pierre (1972). "Glyptique susienne des origina a lepoque des Perses achemenids cachets, sceaux- cylindres et empreintes antiques", volume 2: planches. Paris.
16. Teisser, B. (1984) "Ancient Near Eastern", Cylinder seals.

بررسی باستان‌شناختی معماری گورهای کلان سنگ در استان ایلام

حبیب‌اله محمودیان^۷

چکیده

پژوهش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد مناطق غرب ایران خصوصاً ناحیه‌ی غربی زاگرس به دلیل شرایط خاص جغرافیایی و موقعیت مناسب مکانی از مراکز استقرار جمعیت و یا در مسیر تبادل و تهاجم فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بوده است. آثار باستانی و تاریخی آشکار و پنهان متنوع و متعددی از تمدن‌های دیرینه در دره‌های کوهستانی این بخش از زاگرس بر جای مانده است. تراکم محوطه‌ها در این محدوده‌ی جغرافیایی بازگوکننده‌ی وسعت سرزمینی و استقرار در این گستره‌ی عظیم تمدنی است. یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد سکونتگاه‌های موقت و گورستان‌های شناسایی شده در این منطقه از تعدد بیشتری برخوردار است. گورستان‌های کلان سنگ آهنگران و چشمه‌پهن از جمله مکان‌های باستانی شهرستان سیروان است که در جریان طرح بررسی و شناسایی آثار تاریخی و فرهنگی این شهرستان در سال ۱۳۹۱ کشف، شناسایی و مستندسازی شده‌اند. در این نوشتار تلاش شده تا علاوه بر معرفی، شیوه‌ی معماری این آثار از منظر باستان‌شناسی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سیروان، زاغه، کارزان، مانشت، بانکول، عصر آهن.

^۷ - عضو هیئت علمی دانشگاه

مقدمه: شرایط اقلیمی، میزان بارش، پوشش مرتعی و جنگلی و... در محدوده‌ی این شهرستان موجب شده تا تداوم استقرار و جذب جمعیت در دوره‌های مختلف وجود داشته باشد. از جهتی وجود گورستان‌های متعدد به ویژه گورهای کلان سنگ در جوار محوطه‌های باستانی از منظر باستان‌شناسی بسیار با اهمیت می‌باشد. بنابراین، در این مقاله تلاش شده تا معماری این گونه آثار با دقت بیشتری مورد مطالعه قرار گیرد.

موقعیت جغرافیایی

شهرستان سیروان با مرکزیت لومار، در غرب شهرستان چرداول قرار دارد. از شمال و شرق به شهرستان چرداول، از جنوب شرقی به استان لرستان، از غرب با شهرستان ایلام و از جنوب به شهرستان دره شهر محدود است. کوه‌های (لنه) و (چرمین) در حد فاصل دو شهرستان سیروان و چرداول امتداد دارد.

سیمره، مهم‌ترین رودخانه در منطقه‌ی عمومی لرستان «ایلام و لرستان» می‌باشد؛ بنابراین، ارائه‌ی اطلاعات بیش‌تر در مورد این رود باستانی به لحاظ بیان رویدادهای تاریخی و آثار و ابنیه‌ی باقی مانده از دوران کهن، خصوصاً قوم کاسی اهمیت دارد. مؤلف کتاب «لرستان و قوم کاسیت» به نقل از راولینسون در مورد این رود می‌نویسد: «به نظر من سیمره، در اصل سمنه^۱ بوده و آن هم تحریفی است از سبدان^۲؛ یعنی همان شهری که «دیودور» از آن نام برده است. برخی هم، نام رود سیمره را از نام قوم کیمریان یا سیمریان دانسته‌اند. شاید هم سیمره در اصل «سین مره» بوده است. در تمدن سومر، سین خدای ماه و لقب شاهانی چون نارام‌سین، ابی‌سین و... بوده است.» (سهرابی، ۱۳۷۶: ۴۶).

ناحیه کوهستانی: ناحیه‌ی کوهستانی سیروان شامل چند رشته کوه به هم پیوسته است که بلندترین قله آن مانشت، بیش از سه هزار متر از سطح دریا ارتفاع دارد. ادامه مانشت به نام بانکول، معروف است که مرز طبیعی شهرستان‌های سیروان، چرداول و ایوان را

۱- Sambana

۲- Sabadân

تشکیل داده است. رود مهم این شهرستان سیمره می باشد که با شعباتش مهمترین رود خانه‌ی استان و جنوب غرب ایران را تشکیل داده است. شهر باستانی سیروان در روستای سراب کلان و ده‌ها تپه، محوطه، گورستان و آثار وابسته از دوران مختلف تاریخی مهمترین مکان‌های باستانی این شهرستان است.

راه‌های ارتباطی تاریخی

براساس یافته‌های باستان‌شناسی شهرستان سیروان در مسیر جاده‌ها و ایل راه‌های باستانی واقع شده است. برخی از این مسیرها عبارتند از:

راه‌های ارتباطی سیروان به رودبار عرب و سیمره

با توجه به موقعیت جغرافیایی منطقه، از روستای سراب کلان یک راه باستانی در کنار رودهای شیروان و سیمره در جهت غرب به شرق به سمت روستای رودبار عرب واقع در نزدیکی تنگ برنجان امتداد دارد. راولینسون، مسیر شیروان به رودبار را پیموده است و در سفرنامه‌ی خود به آثار شهری در رودبار اشاره دارد و می‌نویسد: «... در این جا آثار شهر نسبتاً بزرگی موسوم به رودبار که شباهت زیادی به سیروان دارد، یافت می‌شود. احتمالاً این، همان شهر روبدبر است که بنیامین تودله از آن نام برده، و... (راولینسون، ۱۳۷۲: ۶). راولینسون به راه رودبار به طرف بان‌پرور و لارت نیز اشاره دارد و می‌نویسد: «به نظر من، راه سیروان به لارت یکی از دشوارترین گذرگاه‌ها بین کوه‌های زاگرس و جلگه‌ی سوسیان است، اما با این حال، عبور کالسکه از آن امکان‌پذیر است» (همان، ۶۲). ابن حوقل در سفرنامه‌ی خود می‌نویسد: «از دینور تا سیمره پنج منزل و از دینور تا سیروان چهار منزل و از سیروان تا سیمره یک روز، و از لور تا کرج شش منزل.. [است]» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۵).

راه سیروان به طرhan و هلیلان

یکی از راه‌های مواصلاتی سیروان به سمت طرhan، در همان مسیر سیروان به رودبار امتداد می‌یابد. در رودبار، راه شرقی با عبور از رود سیمره به منطقه‌ی طرhan

اتصال می‌یابد. راولینسون می‌نویسد: «در این جا (رودبار) آثار شهر نسبتاً بزرگی موسوم به شهر رودبار که شباهت زیادی به سیروان دارد، یافت می‌شود» (راولینسون: ۶۰). حمید ایزدپناه نوشته است: «راه غرب به شرق در ایالت ماسبدان، دو شعبه می‌شده است؛ راه شمالی به حلوان و راه شرق به سیروان منتهی گردیده است. از سیروان، این راه نیز دو شعبه می‌گردد: یک راه که به ولایت مهرجان‌قذق و مرکز آن شهر سیمره یا دره شهر می‌رفت ...؛ شعبه‌ی دوم از سیروان به سمت شرق و به جانب طر حان جدا می‌گردد. این راه نیز از چرداول و بیژنوند (بیجنوند) و پل چهارچشمه‌ای که در عهد ساسانیان روی سیمره ساخته شده... عبور می‌کرده و به طر حان منتهی می‌شده است» (ایزدپناه، ۱۳۶۳: ۵۸).

راه‌های ارتباطی سیروان باستان به نواحی غربی و بین‌النهرین

با توجه به شرایط اقلیمی، و موقعیت ناهمواری‌ها و ارتفاعات نسبتاً بلند و صعب‌العبوری که در حاشیه‌ی غربی شهر باستانی سیروان به صورت دیواری منظم قرار گرفته است، به احتمال زیاد نزدیک‌ترین و مناسب‌ترین راهی که توانسته این شهر باستانی را به نواحی غربی این منطقه‌ی کوهستانی و اقوام ساکن در آن و در نهایت با شهرهای بین‌النهرین مرتبط سازد، راهی است که از غرب روستای سراب کلان به سمت نواحی مذکور امتداد می‌یابد. جهت این مسیر، شرق به غرب بوده و از روستای حسن گاوداری گذشته و از معبر «مله‌گون»^{۱۰} در حد فاصل دو قله‌ی کوه سیوان^{۱۱} و قلا رنگ^{۱۲} عبور می‌نماید. به نظر می‌رسد راه دیگری از دامنه‌ی غربی مله‌گون به سمت روستاهای طولاب^{۱۳} و داروند^{۱۴} از دهستان میش خاص^{۱۵} که

¹⁰- Mela Gawen

¹¹- Saywân

¹²- qelrârang

¹³- Tulâb

¹⁴- Darvand

¹⁵-Mish Khâs

سرچشمه‌ی رود گُل گُل می‌باشد، وجود داشته که به سمت سنگ‌نوشته‌ی آشوری در شهرستان ملکشاهی، و از آن‌جا به سوی منطقه‌ی باستانی کان گنبد امتداد یافته است. در این مسیر، آثاری وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها قلعه‌ی هیزدر، غارهای بره‌زرد^{۱۶} و چهل ستون، سنگ‌نوشته‌ی دوره‌ی آشوری، قلعه‌ی ملکشاهی و قبرستان کان گنبد می‌باشند. این راه مهم از کان گنبد به منطقه‌ی صالح‌آباد و منصورآباد (مهران فعلی) و به سمت شهر زرباطیه در بین‌النهرین (عراق فعلی).

راه سیروان از طریق چرداول و ایوان

این جاده از سیروان به کارزان در کوهپایه‌های قلّه‌ی معروف مانشت امتداد یافته، و از طریق راه معروف به «کاروانه»^{۱۷} (که از ارتفاعات بانکول می‌گذرد و راهی کوهستانی است) وارد دشت میان‌کوهی ایوان و سراب رود گنگیر می‌شود. دره‌ای که راه کاروانه از آن عبور می‌کند به «دَرَوَن وِله مانشت» معروف است. از سراب ایوان دو شبکه‌ی ارتباطی منشعب می‌شود؛ یکی راه جنوبی است که از گردنه‌ی گله‌جار عبور کرده و در منطقه‌ی چوار به راه باستانی ایلام به سومار وصل می‌شود. دیگری راه اصلی و مهمی است که در دشت ایوان، در حاشیه‌ی رود گنگیر از طریق راه سنگ‌فرش معروف به «هوله‌ره»^{۱۸} (کوچ‌رو) امتداد یافته است. راه هوله‌ره از کنار تپه‌ی مامه‌زمان نرگسی^{۱۹} گذشته، و به منطقه‌ی زرنه^{۲۰} وصل می‌گردد و در نهایت به سومار در مرز با کشور عراق متصل می‌شود. هم‌چنین راه دیگری از این شبکه در روستای نرگسی ایوان جدا شده و در جهت شمال به جنوب، از ارتفاعات شره‌زول عبور می‌کند و به ایل‌راه باستانی معروف به «خیله‌ری»^{۲۱} در منطقه بان حاجی

^{۱۶}- Barazard

^۵- kârvâna

^{۲۰}- هوله ره: هوله در اصطلاح محلی یعنی کوچ، و ری/ره همان راه می‌باشد.

^۷- Nargesi

^۸- Zarna

^{۲۱}- khêlarrê

در بخش چوار ایلام وصل شده و در نهایت از طریق راه معروف به «شرفه‌ری»^{۲۲} به راه‌های غربی به سمت بین‌النهرین متصل می‌شود (محمودیان، ۱۳۹۲: ۴۲).

به نظر می‌رسد این راه باستانی، از شعبات اصلی جاده‌ی شاهی یا شاهراه باستانی شوش به شمال عراق و غرب آسیای صغیر باشد. راولینسون در سفرنامه‌ی خود به راه کاروانه اشاره دارد و می‌نویسد: «این راه از ارتفاعات امتداد یافته و پس از گذشتن از گردنه‌ای صعب‌العبور، به طرف دشت کارزان، و سپس در امتداد رودخانه‌ی (احتمالاً) سیروان به سوی زنگوان سرازیر می‌شود» (راولینسون، ۱۳۷۲: ۵۱). او هم چنین نوشته است: «جاده‌ای که از این منطقه (ماسبدان) می‌گذشته... یکی از راه‌های مهم ارتباطی دنیای باستان بوده است...» (همان، ۵۱).

شهر باستانی سیروان

این منطقه در گذشته بسیار آباد و معروف بوده است. علاوه بر شهر باستانی سیروان ده‌ها تپه و محوطه و آثار ابنیه باستانی در این شهرستان مورد شناسایی قرار گرفته که نشانه‌ی استمرار استقرار در دوره‌های مختلف تاریخی است. در دهه ۱۹۶۰ تعدادی از محوطه‌های منطقه‌ی سیروان مورد کاوش‌های باستان‌شناسی قرار گرفته که در این مبحث برخی از این آثار ذکر می‌شود. گورستان چم شیر^{۲۳}، گورستان بان شکر^{۲۴} در ناحیه‌ی ورگچ^{۲۵}؛ این اثر در جریان بررسی و شناسایی منطقه سیروان گورستانی در دره تنگ سازوبن ورگچ مورد شناسایی قرار گرفت. گورستان تاق بهرام^{۲۶} در روستای شاه قلندر^{۲۷}؛ در فصل دوم بررسی و شناسایی منطقه سیروان در روستای شاه قلندر دومحوطه مورد شناسایی قرار گرفت که به دلیل تسطیح زمین‌های کشاورزی آثار مربوط به

22- sharafarrê

23 - Cham Shiri A.B

24 - Ban Shikar

25 - War Gatch

26 - Taq- I Bahram

27 - Shah Qalandar

گورستان مشاهده نشد. احتمالاً گورستان مورد نظر در پژوهش‌های گذشته محدوده ی روادگه باباشمس باشد که مورد بررسی قرار گرفته است. گورستان میل مهر^{۲۸} واقع در روستای باباشمس^{۲۹} و گورستان‌های سراشکفت^{۳۰}، کال نوله^{۳۱} طی کاوش‌های باستان‌شناسی هیئت مشترک ایران و بلژیک در دهه‌ی ۱۹۶۰ مورد حفاری و کاوش قرار گرفته‌اند. در ناحیه سر اشکفت نیز محوطه‌ای شناسایی شده که به نظر می‌رسد همین گورستان بوده باشد (محمودیان، ۱۳۹۲: ۷۸).

مؤلف کتاب جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی نوشته است: «در باختر لر کوچک در مرز باختری عراق عرب دو ولایت ماسبذان و مهرجان قدق قرار دارد که مهم‌ترین آن‌ها سیروان و صیمره بوده و هنوز خرابه‌های آن دوشهر باقی است (لسترنج، ۱۳۷۳: ۲۱۸)». راولینسون نوشته است: «خرابه‌های سیروان کامل‌ترین بازمانده یک شهر ساسانی به شمار می‌آیند. دیوار منازل عموماً عظیم و از سنگ و ملاط آهنی فوق‌العاده محکم ساخته شده‌اند. تمام منازل اتاق‌های زیرزمینی هلالی شکل دارند. در میان خرابه‌های سیروان بازمانده‌ی بنائی عظیم موسوم به قصر انوشیروانی مشاهده می‌گردد.» (راولینسون، ۱۳۶۲: ۵۶). بلادزی در فتوح البلدان گوید: «ابوموسی... خود به ماسبذان شد. اهل آن با وی جنگی نکردند. اهل سیروان نیز به همان شروط صلح دینور صلح خواستند و جزیه و خراج پرداختند.» (بلادزی، ۱۳۶۴: ۶۷). در مورد این شهر آمده است: «آبادی و خرابه‌های این شهر از گچ و سنگ و متعلق به دوره‌ی ساسانیان و عیناً نظیر دره شهر است... شیروان شهری عجیب و حالیه خرابه‌هایی از آن به جا مانده است» (کریمی، ۱۳۴۷: ۱۲۷). مقدسی، ابن خردادبه، ابن فقیه، ابودلف مسعر، یاقوت، اصطخری، ابن واضح و ابن الاثیر از جمله کسانی هستند که در مورد سیروان

²⁸ - Millah Mehr

²⁹ -Baba Shams

³⁰ -Sar Eshkaft

³¹Kaleh Nowlah-

اظهار نظر کرده اند (همان: ۱۸۱-۱۸۳). بنابراین، می توان اظهار نظر نمود که سیروان از شهرهای مهم دوره ی ساسانی بوده است. البته، واندنبرگ در کتاب ایران باستان نوشته است: «اول استین... در سیروان یا سراوکلان... ویرانه های ساختمان های دیگری را از عهد ساسانیان کشف نمود (واندنبرگ، ۱۳۵۰: ۹۶). در جریان طرح بررسی و شناسایی باستان شناسی سیروان (۱۳۸۷) آثار متعددی مورد شناسائی قرار گرفته که در این مبحث گزارش گورستان های کلان سنگ آهنگران (زاغه)، چشمه پهن و مله کاو ملکشاهی ارائه می شود.

مشخصات گورستان های بررسی شده

مکان باستانی	نوع اثر	ارتفاع از سطح دریا	نوع گورها	قدمت
آهنگران زاغه	گورستان	۱۵۹۵	کلان سنگ	پیش از تاریخ
چشمه پهن	گورستان	۱۳۱۵	کلان سنگ	پیش از تاریخ

گورستان آهنگران (زاغه) ۳۲

موقعیت جغرافیایی: این گورستان مهم تاریخی در بخش شرقی کوهستان مانش و در موقعیت طول جغرافیایی ۰۶۳۸۰۸۰ و عرض جغرافیایی ۳۷۲۶۲۵۹ در منطقه ی عمومی آهنگران کارزان قرار دارد. این گورستان در دامنه شرقی بانکول و در فاصله حدود ۱/۵ کیلومتری جنوب روستای کارزان علیا واقع شده است. دامنه های شمالی و غربی این مکان به ارتفاعات بانکول و قسمت های شرقی و جنوبی آن به زمین های کشاورزی محدود می شود. این اثر ۱۵۹۵ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.

توپوگرافی: پوشش گیاهی این منطقه مرتع و جنگل می باشد. در این مکان با توجه به شکل طبیعی دامنه های بانکول، قبور به صورت پراکنده در منطقه وسیعی از کوهپایه های منطقه ایجاد است. محوطه زاغه کا ملا "کوهستانی است، و مساحتی حدود ده هکتار را در بر می گیرد. دامنه ی کوه در جهات جنوبی و شرقی با شیبی تقریباً ملایم

به زمین‌های کشاورزی پیرامون محدود می‌شود. ساختمان قبور در اندازه‌های مختلف و متنوعی ایجاد شده‌اند. کلاً به نظر می‌رسد که ساختمان قبور را در لایه سطحی زمین ایجاد نموده‌اند ولی با گذشت زمان و فرسایش تدریجی، جریان رسوب‌گذاری، بسیاری از قبور را پوشانده است هر چند شرایط فرسایشی آب موجب نمایان شدن کلان سنگ‌های بکار رفته در بنای گورها بوده است.

شناسه‌های فرهنگی: در سطح محوطه گورستان علاوه بر تکه سفال‌های محدود که به دست آمده یک نمونه تیغه سنگی نیز دیده شد. پخت بعضی از سفالینه‌ها ناقص و از شن و ماسه نرم و مواد گیاهی برای شاموت سفال‌ها استفاده شده است. ضخامت سفال‌ها بیشتر ظریف و متوسط بوده و نمونه سفال‌های خشن در این محوطه تاریخی محدود می‌باشد. سفال‌ها چرخ‌ساز هستند. در این مکان باستانی سفال‌های بدون لعاب و لعاب‌دار دیده می‌شود. برخی از سفال‌های بدون لعاب دارای پوشش‌های گلی نخودی یا آجری‌رنگ هستند. برخی از سفال‌های بدون لعاب دارای نقوش قهوه‌ای رنگ می‌باشند. سفال‌های لعاب‌دار دارای خمیر نخودی روشن نیز می‌باشند که از شن و ماسه بسیار نرم برای شاموت آن‌ها استفاده شده است. کلان سنگ‌های بکار رفته در بنای گورها مهمترین آثار برجای مانده از این اثر باستانی است.

بقایای معماری: در این گورستان قبور در اندازه‌ها و در حالت‌های مختلفی دیده می‌شوند. هم‌چنین روش استفاده از مصالح نیز با توجه به دوری و نزدیکی منابع سنگ‌های موجود در محل فرق می‌کند. گاهی کل قبر در داخل زمین‌های دامنه کوهستانی قرار دارد یا بهتر است بگوییم که قبر در داخل رسوبات حاصله از جریان سیلاب‌های سالانه فرو رفته و یا بخشی در داخل زمین قرار گرفته و بخش دیگر قبر در بیرون از سطح زمین نمایان است. در مواردی کل قبر بر روی سطح زمین واقع است و کلاً دیواره قبور و سقف آن‌ها را به صورت خشکه چین با استفاده از تخته سنگ‌هایی که معدن آن‌ها در دامنه کوه و نزدیک قبور است ساخته‌اند. گاهی دیوارها و سقف قبور

را با ۵ تخته سنگ بزرگ ساخته اند (یعنی چهار طرف دیواره قبر را چهار تخته سنگ بزرگ قرار داده و از یک تخته سنگ برای سقف استفاده شده است. کف قبور با استفاده از تخته سنگ های کوچک فرش شده است. در این مکان باستانی گور های بزرگ (گور های دسته جمعی) نیز ملاحظه می شود که محلی برای قرار دادن اجساد و ورود و خروج به داخل مقبره در نظر گرفته شده است. عمق قبور یا بهتر است بگویم ارتفاع دیواره قبور از یک متر تا ۲/۲۰ فرق می کند. وسعت قبور بسیار متفاوت می باشد. برای مثال وسعت بعضی قبور ۵۰×۱۰۰ سانتی متر یا ۳×۱/۵۳ و ۱/۵×۱/۵ متر می باشد. برای سقف قبور گاهی از یک تخته سنگ یکپارچه و گاهی از چند قطعه سنگ بلند استفاده شده است. در مواردی از روش گنبد سازی بر روی تخته سنگ های بلند که برای ساخت دیواره قبور کار گذاشته شده است، تخته سنگ های پهن تری کار گذاشته اند و بعد از این که محدوده سقف قبر کوچک تر شده، یک تخته سنگ بر روی سقف گور قرار داده اند. کلاً قبور در یک سمت یا یک جهت خاصی قرار ندارند بلکه شرایط شیب زمین نقش اصلی را در تدفین ایفا نموده است.. تعداد و پراکندگی قبور زیاد است. فاصله ی بین تخته سنگ ها را با لاشه سنگ های کوچک پر شده است. کلاً در ساخت قبور از مصالح طبیعی منطقه استفاده شده است.

شرایط استقرار اولیه: شرایط مساعد جغرافیایی - اقلیمی چون: چشمه ها و قنات های آب، زمین های حاصلخیز کشاورزی، وفور منابع طبیعی منطقه به احتمال زیاد موجب ایجاد استقرار های متعددی در مناطق اطراف این گورستان شده است. در دوره های گذشته یا شرایط خاص منطقه مانند وجود سیلاب های سالانه و رسوب گذاری در دشت ها باعث شده که برای جلوگیری از تخریب و فرسایش قبور آن ها را در دامنه کوه بر روی ارتفاعات ایجاد کنند و احتمالاً " به خاطر اعتقادات مذهبی و آئین های بومی محل قبور را در دامنه کوه و ارتفاعات موجود ایجاد نموده اند.

تشخیص: به دلیل این که ساختار قبور متنوع می باشد تا جایی که بعضی از قبور دارای ساختمان بسیار ساده و کوچک و برخی دیگر از تخته سنگ های حجیم تر و بزرگ تری ساخته شده اند. لذا به نظر می رسد که این قبور متعلق به دوره های مختلفی می باشند و به احتمال زیاد در دوره های تاریخی در ساخت قبور پیشرفت حاصل شده است و قبور را در شکل بهتری ساخته اند و به همین دلیل به نظر می رسد که این گورستان متعلق به عصر مفرغ و دوره تاریخی باشد.



گورستان آهنگران شهرستان سیروان بهار ۸۷، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان ایلام



گورستان آهنگران شهرستان سیروان بهار ۸۷، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان ایلام



گورستان آهنگران شهرستان سیروان بهار ۸۷، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان ایلام



گورستان آهنگران شهرستان سیروان بهار ۸۷، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان ایلام



گورستان آهنگران شهرستان سیروان بهار ۸۷، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان ایلام



گورستان آهنگران شهرستان سیروان بهار ۸۷، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان ایلام

گورستان چشمه پهن^{۳۳}

گورستان چشمه پهن در موقعیت ۰۶۴۲۰۷۱ طول شرقی و ۳۷۳۳۸۷۰ عرض شمالی واقع شده و ۱۳۱۵ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. این گورستان در جانب شمالی جاده آسفالتی ایلام - لومار و در شمال روستای چشمه پهن و بر روی یک تپه ماهور سنگلاخی در کوهپایه‌های جنوبی کوه لنه واقع شده است. گورستان بر روی شیب رو به جنوب این تپه ماهور واقع شده است. طول شمالی جنوبی آن حدود ۱۵۰ متر و عرض غربی - شرقی آن حدود ۱۰۰ متر است. سطح گورستان به صورت سنگلاخی و شرق آن دره آبکند سیلابی است. بخش جنوبی و غربی گورستان را زمین‌های کشاورزی تشکیل داده است. حفاری غیر مجاز در این مکان ملاحظه می‌شود. پوشش گیاهی سطح گورستان به صورت مرتعی است و بخش‌هایی از اطراف آن را زمین‌های کشاورزی در بر گرفته است. منبع آب محل، چشمه پهن و رودخانه کارزان است که در فاصله ۵۰۰ متری جنوب آن قرار گرفته است. راه دسترسی به این تپه نیز جاده آسفالتی ایلام به لومار است که در ۵۰۰ متری جنوب اثر امتداد دارد. نزدیکترین اثر به این گورستان، تپه‌ی چگا صیفور است که در چهار کیلومتری غرب گورستان کلان سنگ چشمه پهن واقع شده است (محمودیان، ۱۳۸۷). آثار فرهنگی این محل را معماری گورهای کلان سنگی تشکیل داده است. در چهار طرف بخش بالای قبر سنگ‌های بسیار بزرگ قرار داده‌اند. طول این سنگ‌ها گاهی بیش از دو متر است و عرض آنها نیز حدود یک و نیم متر اندازه‌گیری شده و دارای ضخامتی تا حدود نیم متر و گاه بیشتر هستند. سنگ‌ها کاملاً به صورت طبیعی و بدون هیچ‌گونه تغییر در آنها در ساختمان قبور بکار گرفته شده‌اند. تعداد تکه سفال‌های غیر شاخص نیز در اطراف قبوری که بصورت غیر مجاز حفاری شده‌اند بدست آمد. قبور این گورستان قابل مقایسه با قبور گورستان آهنگران

³³ - cheshmeh pahn

در ۵ کیلومتری غرب اثر است. و این گونه سنت تدفین احتمالاً در دوران تاریخی در این منطقه رایج بوده است

معماری قبور: سنگ گور ها به صورت مستطیل چیده شده و فضای داخلی آنها خالی و کف آن خاک و بدون سقف و سنگ رویی می باشد. به احتمال این نوع معماری فقط جهت مشخص کردن قبور می باشد و تدفین در زیر خاک صورت گرفته است. قبور با فاصله ای در حدود ۲۰ تا ۳۰ متر از هم قرار دارند. و محدوده وسیعی را شامل می شوند.

سفال: سفالینه این محوطه باستانی، از نوع ساده نخودی رنگ با پوشش رقیق گلی - بدون نقش و دارای پخت کافی می باشد. گاهنگاری دقیق این گورستان با توجه به مواد فرهنگی سطح آن به طور دقیق قابل تشخیص نیست و احتمالاً متعلق به دوره تاریخی و عصر برنز باشد.



گورستان چشمه پهن شهرستان سیروان بهار ۸۷، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان ایلام



گورستان چشمه پهن شهرستان سیروان بهار ۸۷، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان ایلام

قبرستان مله کاو ملکشاهی^{۳۴}

قبرستان مله کاو در غرب روستای مهر از توابع شهرستان ملکشاهی واقع شده است. گورهای این گورستان از نوع گورهای خمره‌ای است که معماری اصلی گور کلان سنگی است. در دوره‌ی پارثیان از گور خمره‌ها استفاده شده است. گورستان‌های متعددی چون: گردنه، کلک سراب در محدوده‌ی روستای کلک از دوران باستان برجای مانده که از نظر تحولات فرهنگی عصر مفرغ بسیار با اهمیت هستند. قبرستان کلک سراب ۱۷ در فاصله‌ی یک کیلومتری جنوب شرقی روستای کلک سواقع شده و متعلق به دوران برنز می باشد. قبور این قبرستان از نوع قبور گودالی است که با استفاده از قلوه سنگ و در مواردی کلان سنگ و نیز تخته سنگ‌های یکپارچه ساخته شده اند. در این نوع گورستان‌ها قبور خانوادگی نیز مشاهده شده است.



قبرستان کلک سراب III

³⁴ -Meleh kav



معماری گورهای تاریخی (کلان سنگ) کلک سراب

نتیجه

معماری گورستان‌های مورد مطالعه از نوع کلان سنگی است. این گورها در محدوده استان ایلام و در گورستان‌های زاغه، چشمه پهن و مله کاو ملکشاهی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. شکل ظاهری قبور با نمونه دولمن‌ها که در مکان‌های دیگر چون سالزبوری انگلستان شباهت دارند. بنابراین این نوع معماری احتمالاً کاربرد آئینی داشته است. لذا مطالعات جامعه‌شناختی برای روشن شدن این مسأله مورد توجه خواهد بود. شیوه‌والگوی معماری این مکان‌ها با هم قابل مقایسه‌اند. در محدوده‌ی استان ایلام آثار متعددی متعلق به دوران برنز مورد شناسایی شده است. هیئت مشترک باستان‌شناسی ایران و بلژیک در دهه ۱۹۶۰ تعداد زیادی از این گورستان‌ها را مورد حفاری و کاوش قرار داده است. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که منطقه در دوران مفرغ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. نگارنده اعتقاد دارد دوران طلایی برنز را می‌توان در استان ایلام و بخش‌هایی از استان لرستان فعلی و سایر استان‌های همجوار مورد تأیید قرار داد. بررسی‌ها نشان می‌دهد آثار برنزی مکشوفه در منطقه

متعلق به قوم کاسی بوده باشد. کاسیان از اقوام ساکن زاگرس هستند. مسکن اصلی آن‌ها در جنوب غربی دریای خزر بوده است. این قوم حدود نیمه‌ی دوم هزاره‌ی سوم ق. م مهاجرت کرده و در زاگرس ساکن شده‌اند. آن‌ها قصد یورش به بین‌النهرین و میان‌رودان داشتند و عاقبت در نیمه‌ی دوم قرن ۱۸ ق. م به این منطقه حمله کردند و به مدت ۵۷۶ سال در بین‌النهرین ساکن شدند. نهایتاً کاسی‌ها با حملات ایلامی‌ها به بین‌النهرین، شکست خوردند. بنا بر اسناد تاریخی، کاسی‌ها پس از این تاریخ در منطقه‌ی ایلام و لرستان فعلی استقرار یافتند محمودیان، ۱۳۹۲: ۵۴). به نظر می‌رسد گورهای کلان سنگی مورد بررسی، دوران کهنتری را سپری کرده باشند چرا که شیوه‌ی تدفین و معماری گورهای این مکان‌ها با گورهای دوران برنز متفاوت می‌باشند. از این رو می‌توان این آثار را متعلق به ماقبل دوران برنز دانست.

منابع

۱. ابن حوقل (۱۳۶۶). سفرنامه ابن حوقل، ترجمه و توضیح دکتر جعفر شعار، چاپ دوم.
۲. ایزدپناه، حمید (۱۳۶۳)، آثار باستانی و تاریخی لرستان، انتشارات آگاه، چاپ دوم، جلد ۱ و ۲.
۳. استارک، فریا (۱۳۶۴)، سفرنامه‌ی الموت، لرستان و ایلام، ترجمه‌ی علی محمد ساکی، انتشارات علمی.
۴. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴). فتوح البلدان، ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش، چاپ دوم، تهران: سروش.
۵. راولینسون، سرهنری (۱۳۶۲)، سفرنامه‌ی راولینسون (گذر از زهاب و خوزستان)، ترجمه‌ی سکندر امان‌اللهی بهاروند، انتشارات آگاه، تهران.
۶. سهرابی، محمد (۱۳۷۶)، لرستان و تاریخ قوم کاسیت، انتشارات افلاک.
۷. طلایی، حسن (۱۳۷۴)، باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره‌ی اول ق. م، انتشارات سمت، تهران.
۸. عمید، حسن (۱۳۶۹)، فرهنگ عمید، جلد ۲، چاپ هفتم، امیر کبیر، تهران.
۹. کریمی، بهمن میرزا (۱۳۲۹). راه‌های باستانی و پایتخت‌های غرب ایران: تهران
۱۰. گیرشمن، رومن (۱۳۷۲). ایران از آغاز تا اسلام ترجمه‌ی محمد معین، چاپ دهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۱. لسترنج (۱۳۷۳). جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه ی محمود عرفان، چاپ چهارم ، تهران : علمی و فرهنگی.
۱۲. لویی، واندنبرگ (۱۳۴۸)، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه ی عیسی بهنام، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. لویی واندنبرگ (۱۳۵۰)، کاوش های باستان شناسی در پشتکوه لرستان، مجله ی باستان شناسی و هنر ایران، شماره ی ۶، وزارت فرهنگ و هنر.
۱۴. محمودیان، حبیب اله ، ۱۳۸۲، گزارش شناسایی و مستندسازی آثار باستانی حوزه ی شمالی استان ایلام، میراث فرهنگی.
۱۵. (۱۳۹۰)، گزارش بررسی و شناسایی باستان شناسی شهرستان ایلام ، حوزه ی چوار ، میراث فرهنگی ایلام.
۱۶. (۱۳۸۷) ، بررسی و شناسایی باستان شناسی سیروان، میراث فرهنگی استان ایلام.
۱۷. (۱۳۷۷). گزارش شناسایی و مستندسازی آثار شهرستان چرداول، میراث فرهنگی ایلام.
۱۸. (۱۳۸۲)، گزارش بررسی و شناسایی آثار باستانی شهرستان ایلام (چوار)، میراث فرهنگی
۱۹. (۱۳۹۲)، دوران طلایی برنز، نشر زاگرو. ایلام

تاریخ ایلامیان باستان

مهناز قمرزاده^{۳۵}

چکیده

ایلامیان شاخه‌ای از آن دسته از اقوام خویشاوند و هم‌زبانی بودند که در حدود ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد از آسیای میانه به ایران کوچ کردند. ایلامیان در جنوب غرب ایران امروزی ساکن شدند. و بعد از چندین قرن موفق به ایجاد تمدن بزرگی به نام ایلام شدند که نزدیک به ۳۰۰۰ هزار سال دوام یافت. در این مقاله تلاش شده تا بخشی از تحولات تاریخ ایلام و ارتباط این قوم ایرانی با همسایگان بر اساس منابع، مستندات و یافته‌های باستان‌شناسی ارائه گردد.

واژگان کلیدی: سومر، بین‌النهرین، اوان، اور، کیاکسار.

مقدمه: ایلامیان تقریباً همزمان با سومریها دولتشان را که شامل خوزستان، اطراف کوههای بختیاری، پشت کوه و انشان یا انزان (فارس) بود تشکیل دادند. پایتختشان شوش بود و اهواز و خایدالو (خرم‌آباد) از شهرهای مهم شان بود (حقوق تاریخ، صفحه ۸۳، علی پاشا). ولی بعداً سرزمین تحت سلطه شان را تا نواحی مرکزی و شرقی ایران گسترش دادند.

خود اهالی ایلام کشورشان را Haltamtu هلتمت و به معنی سرزمین خدا(ئی) می‌نامیدند. سومری‌های دشت نشین ناحیه بین‌النهرین، آن کشور را ایلام (Elam) یعنی کشور کوهستانی و اهالی آن را ایلامی یعنی ساکنین مناطق کوهستانی خطاب می‌کردند. این نامگذاری را اکدی‌ها از سومری‌ها اخذ و از طریق تمدن بابل به تورات رسید که با املائی "ایلام" به اعراب و دیگر مسلمین منتقل شد. هخامنشیان مهاجران را Huwaja می‌نامیدند. (دکترض-صدر، پیرامون نام تاریخی کشور "ایلام") دولت مقتدر

^{۳۵} - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد ایلام

ایلام از ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد تا ۶۴۵ ق م یعنی به مدت ۳۰۰۰ هزار سال تداوم داشت و بیشترین تاثیر را بر فرهنگ اقوام ساکن در ایران گذاشته است. از ایلامیان کتیبه و لوح های زیادی به جای مانده و بیش از ۱۰۰۰۰ هزار لوحه ایلامی در دانشگاه شیکاگو نگهداری می شود و آثاری که تا حال ترجمه شده اطلاعات زیادی راجع به سلسله ها ی شاهی ایلام ارائه داده اند ضمن اینکه اطلاعات راجع زمان قبل از سارگون اول (۲۳۳۴ ق م) شاه اکد اندک است.

اولین سلسله سراسری ایلام "آوان" نام داشت (۲۶۰۰-۲۵۵۰ ق م) و شوشتر کنونی مرکزشان بود. سلسله "سیماش" ۱۲ شاه داشتند و مرکز حکومتشان در شمال خوزستان و جنوب لرستان بود. اوایل حکومتشان همزمان با حاکمیت قوتی های آذربایجان در بابل بود و تابع آنها بودند و آخرین شاه این سلسله "Eparli" بود و این سلسله در سال ۱۸۶۰ ق م سرنگون شد. از حوادث مهم این دوران جنگ های طولانی با سومر - اکد که منجر به انقراض آنان و تسلط دراز مدت ایلامیان بر بین النهرین شد.

تاریخ ایلامیان - سلسله سوکل مخ

سلسله سوکل مخ (SUKKAL.MAH) حدود سال های ۱۹۰۰ تا ۱۵۰۰ پ م. عنوان سومری «سوکل مخ (SUKKAL.MAH)» در اکدی «Sukalmahhu» متشکل از دو بخش «سوکل (SUKKAL)» یعنی پیامبر و فرمانروا و «مخ (MAH)» به معنی بزرگ است.

عنوان «(sukkal)» عنوانی بوده که فرمانروایان منصوب شده از سوی شاهان «اور سوم» در شوش به کار می برده اند که در ضمن اندک تشابهی نیز با واژه ایلامی «=sunkir, sukkir, sunki» شاه دارد. این دوره در تاریخ ایلام، یکی از مستند ترین دوره های تاریخی است. افزون بر نوشته های سنگ بنا ها، هدایا و نسخه های باز نویسی شده ی این دوره در دوره ی ایلامی میانه، صد ها نبشته ی حقوقی و اقتصادی به زبان های سومری و اکدی نیز از این دوره بر جای مانده که به یاری آنها، هم می توان از شیوه ی

فرمانروایی «سوکل مخ» ها آگاهی پیدا کرد و هم، روزنه‌ای به درون جامعه‌ی ایلامیان آن زمان باز کرد.

در نبشته‌های حقوقی، پس از طرح دعوا و نتیجه، دوسوی دعوامی بایستی به جان خدایان سپس به جان سوکل مخ و سپس سوکل ایلام و سیمشکی (اغلب برادر کهنتر سوکل مخ) و سوکل شوش (اغلب پسر یا نوه‌ی سوکل مخ) سوگند یاد می‌کردند. با مرگ سوکل مخ، سوکل ایلام و سیمشکی، جای وی را گرفت. سوکل شوش به سوکلی ایلام و سیمشکی می‌رسید و سوکل جدیدی (معمولاً پسر سوکل مخ جدید) بر شوش گمارده می‌شد. زمان تقریبی برخی از سوکل مخ را می‌توان با توجه به نوشته‌های میان‌دورودی تأیین کرد:

۱- شیر و کتوه «یا شیر و کدوه (Shirtukt/dun)» «همزمان با شمسی ادد» یا «شمسی اددو (Shamsi-Adad/Addu)»

۲- سیوه - پلر - هوپک (Huppak-Siwe-Palar) «و کود وزولوش» اول همزمان با «حمورابی» پادشاه بابل (۱۷۹۲ تا ۱۷۵۰ ق.م).

۳- کوک نشور (Kuk-Nahur) «با سال اول پادشاهی» امی صدوق^{۳۶} ۱۶۴۶ پیش از میلاد. بخشی از نقش برجسته‌ی وقفی کدور این شوشینک به معبد حدود ۲۲۵۰ ق.م سر سلسله‌ی سوکل مخ ها «اِپرتی (Eparti)» یا «اِبرت (Ebirit)»، نام داشته است که تشابه اسمی با ششمین فرمانروای سیمشکی ها دارد. به یقین نمی‌توان گفت که آیا این دو، یک شخص بوده اند یا نه، اما احتمال یکی بودن آن دو ضعیف است.

در نبشته‌ای از اِپرتی به عنوان پادشاه انشان و شوش، از «شیلِهه (Shilhaha)» سوکل مخ، پدر سرزمین (؟) انشان و شوش «ازاد» یا «تهوشو (Add/ttahushu)» سوکل و «مگیترات (Magatrite)» فرمانروای مردم شوش نام برده شده است. در نبشته‌های سال

³⁶) Ammisaduqa - (

های بعدی شاهن سوکل مخ و همچنین در دوره های ایلامی میانه، خود را پسر خواهر (Rohushak) شیلحه خوانده اند. به نظر می رسد که شیلحه توانسته است بار دیگر قدرت ایلامیان را بر شوش پس از تاخت و تاز «گونگونو» تصبیت کند (اندکی پیش از ۱۹۰۰ پ.م) همچنین، به احتمال انتقال قدرت از سیمشکیان به سوکل مخ ها بدون پدید آمدن تغییراتی شدید بوده باشد.

همزمان با روی کار آمدن سوکل مخ ها در ایلام، در میان فرمانروایان به دو شخص به نامهای «ورد-سین» (Warad-sin) تا ۱۸۲۳ ق.م، و «ریم-سین» (Rim-Sin) از ۱۸۲۲ تا ۱۷۶۳ ق.م از لارسا بر می خوریم که از نوادگان شخصی به نام پسر (Kudur-Mahuk) و «شیمتی شیلهک» (Shimti-shilhak) بوده اند. حتی اگر نظر شادروان کامرون که این خاندان را ایلامی می داند نپذیریم، نمی توانیم منکر نفوذ ایلامیان این دوره بر میان دو رود در میان فرمانروایان قبیله ای شویم.

با ارتقای «سیوه -پلر - هوپک» و «کودوزولوش»، قدرت ایلام گسترش یافت. بر اساس نوشته های شهر «مارى» (Mari) «تل الحریری امروزی، در سوریه و نزدیک مرز عراق و بر کناری رود فرات»، «سیوه -پلر - هوپک» (که به صورت «Seplirpik» نوشته شده است) شاه انشان و سوکل ایلام، «اشنونا» (بر کناره ی رود دیاله) را به تصرف در آورد. درحالی که نواحی «گوتیوم» - (Jutium) در کوه های زاگرس و بر کناره ی رود زاب کوچک - را نیز در تصرف داشت. در زمان «کودوزولوش» اول، دارنده ی مهری که به احتمال از شهر مرزی «ملگیوم» - (Milgium) به احتمال بر کناری رود دیاله - خود را غلام «کودوزولوش» - نوشته شده به صورت «Kudusulush» می خواند، در این زمان ایلامیان با در اختیار داشتن رود های دیاله و زاب کوچک، پس از مرگ «شمشی ادد» (پادشاه آشور) سرزمین های شمالی میان دو رود و کناره های دجله را به تصرف خود در آوردند و به رود های «بالخ» و «خابور» رسیدند.

در بابل، حمورابی قدرت بسیاریافت و در سال سی ام (۱۷۶۴ ق.م) نیروهای متحد ایلام، «اشنون» (Eshnunna) و «سوبرتو» (Subartu) و «ملگیوم» را شکست داد و پس از آن دیگر شهرهای میان دو رود را به تصرف خود در آورد.

جانشین وی، «سمسو-ایلون» (Samau-Iluna) (۱۷۴۹- تا ۱۷۱۲ ق.م) نیز مدعی باز پس راندن ایلامیان و گوتیان به مرز هایشان شده است.

پس از نیمه‌ی نخست سده‌ی هیجدهم پیش از میلاد، مدارک میان رودان مربوط به فعالیت‌های سیاسی سوکل مخ‌ها به گونه‌ای چشم‌گیر کاهش یافته است. بر اساس نوشته‌های یاد شده در شوش و برخی مدارک میان رودان همزمان، می‌توان گفت که فرمانروایی سوکل مخ‌ها، تا اوایل سده‌ی پانزدهم پیش از میلاد به درازا کشیده است و از این رو طولانی‌ترین سلسله در ایلام بوده است.

دوره میانه پادشاهی ایلام (۱۱۰۰-۱۴۵۰ ق.م) دوران زرین ایلام بود. ولی در قرن‌های ۱۱-۹ ق.م به علت کشمکش‌های داخلی ایلام فاقد دولت مرکزی بود و همه‌ی ایالت‌ها کاملاً مستقل بودند.

دوران جدید دولت ایلام (۶۴۵-۷۴۵ ق.م) از حساس‌ترین دوران در تاریخ دولت ایلام بود. در این دوره کیاکسار شاه ماد همراه با بابل بر علیه آشور می‌جنگیدند و ایلامیان از این فرصت استفاده کرده دولت خود را تقویت کردند.

در این دوران "تیگلات پیلسر" شاه آشور توانست لولوبی‌ها و هوری‌ها را مطیع خود ساخته و مستقیماً با ایلام همسایه شود. سارگون دوم در سال ۷۲۲ ق.م به ایلام حمله کرد ولی شکست خورد. آشوربانی‌پال در سال ۶۴۵ به ایلام حمله کرده و "خوم بانکالداش" آخرین شاه ایلام را دستگیر کرد و دولت مرکزی ایلام را منقرض کردند ولی دولت‌های محلی به عمر خود ادامه دادند و شکست نهایی ایلام با حمله هخامنشیان در سال ۵۴۵ ق.م انجام گرفت.

ایلامیان بعد از این شکست دیگر فرصت باز سازی دولت مرکزی خود را نیافتند و بعد از انقراض ماد توسط هخامنشیان، پارس ها به تدریج اراضی ایلام را ضمیمه امپراطوری تازه تشکیل شده خود کردند و دولت های محلی ایلام تابع آنها شدند.

ایلامیان برای تشکیل دولت های مستقل خود حتی در زمان هخامنشیان بارها قیام کردند ولی دیگر موفق نشدند دولت پایداری را ایجاد کنند. داریوش در سال اول حکومتش سه بار برای جنگ با سه نفر از استقلال طلبان ایلام به آنجا لشکر کشی کرد و هر سه قیام را با خشونت زیاد سرکوب کرد. داریوش شهر شوش را گرفته و به پایتختی تبدیل کرد و بدین ترتیب حکومت ایلام توسط هخامنشیان از بین رفت ولی ایلامیان مثل یک ملت تا قرن ها به حیات خود ادامه داد.

در زمان اشکانیان، ایلامیان حق ضرب سکه خود را داشتند و بارها در زمان اشکانیان برای استقلال خود قیام کردند.

از آنجا که به هیچ وجه حمله آشوری ها و حتی حمله هخامنشیان را پایان کار ایلام نمی دانیم، بخش مهمی از کتاب را به بررسی تاریخ ایلام در دوره سلوکی، اشکانی و ساسانی اختصاص داده ایم و امیدواریم خواننده مجاب شود که حمله آشور بنی پال و ظهور هخامنشیان پایان کار ایلام نیست که حتی در دوره ی اشکانی برای استقلال خود می جنگیده اند (د.ت. پوتس، ۱۹۹۹: ۲).

ایلامیان بر عکس سومریان بعد از انقراض حاکمیتشان به زندگی در وطن خود ادامه داده و زبان و تمدن خود را زنده نگه داشتند. زبان ایلامی که به علت شباهت اش با زبان دیگر اقوام (کاسسی ها، ---) از زمان Puzur inshushinak پوزور این شوشیناک (۲۲۰۰ ق.م.) زبان مشترک واداری سراسری ایران بود توانست موقعیت ممتاز خود را تا اوایل ساسانیان حفظ کند. با ترجمه تعدادی از لوحه های ایلامی نگهداری شده در شیکاگو بطور قطعی ثابت شده است که زبان ایلامی یک زبان التصاقی می باشد و لغات زیادی در آن با ترکی آذری امروزی یا شبیه یا عین هم هستند.

زبان ایلامی تا قرن‌ها بعد از سقوط ایلام اهمیت خود را حفظ کرد، داریوش هخامنشی آن را زبان رسمی و اداری امپراطوری خود اعلام نمود. همه ۳۰۰۰۰ هزار لوحه پیدا شده در تخت جمشید به زبان ایلامی هستند (هنوز هم ترجمه نشده اند) (اکادمئک "مار" ثابت کرده است که زبان رسمی و اداری ماد هم ایلامی بود) (تاریخ و تمدن ایلام ۵: ۵). ایلامیان در زمان هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان زبان خود را نگه داشته اند و حتی در دوره بعد از اسلام نیز زبان ایلامی به حیات خود ادامه داد و از طرف تاریخ نویسان اسلامی "خوزی" نامیده شد، برای مثال اصطخری در کتاب "مسالک الممالک" به آن اشاره می‌کند و تاریخدانان امروزی (محمد علی سجادی و ---) زبان خوزی را همان زبان ایلامی می‌دانند. این زبان حالا هم در شوش و مناطق عراقی نزدیک به شوش، از جمله شهر "مندلی" و هم چنین در شهر "سنقر" و اطراف آن و بعضی جاهای دیگر زنده است و زبان عادی و روز مره اهالی می‌باشد. ضمناً به زبان ترکی آذری امروزی خیلی نزدیک است آنان خودشان را اشکانی می‌نامند (تاریخ دیرین ترکان ایران، جلد ۱، پرفسور ذهتابی)

"دمورگان" که سال‌ها در خرابه‌های شوش کاوشگری کرده بود نوشته است: ایالت فارس حتی بعد از به قدرت رسیدن هخامنشیان شدیداً تحت نفوذ فرهنگ و زبن ایلامی بود و پارس‌ها دولت و فرهنگ خود را بر آنچه که از ایلامیان یاد گرفته بودند بنا نهادند. "دیا کونوف" محقق روسی نوشته است: در ایالت فارس چندین کتیبه‌ی ایلامی از اوایل حکومت هخامنشیان وجود دارد که حضور بالای ایلامیان در آنجا را حتی در زمان داریوش دوم نشان می‌دهد. این مسئله از آنجا دیده می‌شود که "مارتیا" که خود را پادشاه ایلام می‌نامد در ایالت فازس زندگی می‌کرد و در دفتر خانه "استخر" حاکمیت کامل زبان ایلامی نشانه‌ی بی‌سوادی مامورین و دولتمردان پارس می‌باشد و نه اینکه تصور کنیم که آن زبان فقط رایج در بین اهالی بود (دیاکونوف: ۵۸۰-۵۸۱).

چون هخامنشیان کوچ نشین، از خود تمدنی نداشتند، حاکمیت را با زور شمشیر و خشونت و بی رحمی خاص خودشان بدست آورده بودند. آنان امپراتوری خود را بر پایه تمدن ایلام بنا کردند و به وسیله آنان تمدن ایلامی در دنیا توسعه یافت. در آن زمان دعوای تمدن و فرهنگ قومی در ایران وجود نداشت و این شرایط از زمان ساسانیان توسط اردشیر بابکان شروع شد (از بین بردن آثار ترکان ماد و اشکانی توسط ساسانیان) و بعداً توسط رژییم پهلوی که خود را وارث آنها معرفی می کرد ادامه یافت (خیلی از آثار باستانی آذربایجان را در این دوره از بین بردند).

دین ایلامیان بت پرستی بود و عقیده به ارواح مختلف، شامان ها، در بین آنان رایج بود. اسم خدای بزرگ ایلام "شوشیناک" بود و هر شهری خدای خود را داشت و مجسمه خدایان در عبادت گاه های شهر ها گذاشته شده بود. مراسم دینی ایلام شبیه مراسم دینی سومر و بابل بود (دیاکونف : ۵۸۹).

در سیستم اجتماعی ایلام نیز مثل سومریان و دیگر خلق های التصاقی زبان، زن از حقوق اجتماعی خیلی بالایی برخوردار بود و در کار های دولتی و سرپرستی اماکن مذهبی زنان حضور گسترده ای داشتند و ستم جنسی بر علیه زنان از خصوصیات اجتماعی قبایل تات (قبایلی از اواخر قرن ۱۹ به غلط با اسم اریایی خطاب می شوند) بود و آنها زنان را یک انسان حساب نمی کردند. با به حاکمیت رسیدن هخامنشیان بتدریج زنان از فعالیت های اجتماعی کنار زده شدند و تمام حقوق اجتماعی خود را از دست دادند. وضع اسفناکی را که هخامنشیان به زنان تحمیل کرده بودند، در زمان ساسانیان بدتر شد ولی با آمدن دین مبین اسلام وضعیت زنان کمی بهتر شد، اما هیچ وقت به زمان قبل از آمدن تات ها بر نگشت. (زن در سیستم حقوقی ساسانیان، k. Bartlemen، ترجمه دکتر ن- صاحب الزمان).

مجسمه سنگی "نایپر اسو" ملکه ایلام از ۱۵۲۰ ق م قدیمی ترین مجسمه زن پیدا شده در دنیاست، این مجسمه که سرش کنده شده ۱۸۰۰ کیلو وزن دارد و نمونه هنر و ظریف

کاری آنها است و مجسمه‌های یونانی و رومی که صدها سال بعد از آن درست کرده شده‌اند از لحاظ هنری در سطح خیلی پایین تری قرار دارند. لباس‌های تن این ملکه شبیه لباس‌های زنان آذری می‌باشد.

هر کسی که با زبان ترکی آشنایی دارد با نگاهی به اسامی شاهان ایلام تشابهات آنها را با اسامی ترکی امروزی می‌بیند. مثال: اسامی تعدادی از شاهان ایلام: شیموت - وار تاش^{۳۷}، تن دن - اولی^{۳۸}، اونتاش گال^{۳۹}، لایلا - ایر تاش^{۴۰}، هومبان هال تاش^{۴۱} و... در آخر اکثر اسامی ایلامی پسوند‌های "تاش"، "آش" و "لی" وجود دارد که در زبان‌های همه‌ی اقوام التصاقی زبان ساکن اطراف کوه‌های زاگرس (لولوبی، هوری، گیلزان، ماننا، ماد، ...) نیز صرف می‌شد و هنوز هم در بین اکثر اهالی همین سرزمین‌ها رایج است و برای مثال پسوند "تاش" به صورت "دش" در ترکی آذری استفاده می‌شود: یولدش، قاردش، تیمورتاش و غیره.

ایلامیان نیز همچون سومریان موفق به خلق یکی از تمدن‌های عالی بشری شدند و در طول تمام دوره تقریباً ۳۰۰۰ ساله حکومتشان "دمکراسی ابتدایی و سنتی" خاص اقوام ترک را حفظ کردند که بعدها مادها، اشکانیان، سلجوقیان، و دیگر سلسله‌های ترک آن روش را ادامه دادند (ایالت و ولایات نوعی استقلال داخلی داشتند و به فرهنگ و دین دیگران احترام می‌گذاشتند)، این خصوصیت از اخلاق طبیعی ترکان قدیم به حساب می‌آید.

در نتیجه همین روحیه آزاد ملی ایلامیان توانستند نزدیک به ۳۰۰۰ هزار سال حکومت کنند و در مقابل اقوام سامی و... ایستادگی کرده‌اند. سیستم حکومتی فدرالی اولین بار

37- shimut-vartash

38- tan dan-uli

39- untashgal

40- lila-ir-tash

41- humban-haltash

در تاریخ در ایلام شکل گرفت. به مرور زمان، تمدن درخشان ایلام هر چه بیشتر آشکار تر می شود.

زبان ایلامی: زبان ایلامی با هیچ یک از زبان های سامی و هند و اروپایی ارتباط نداشته و زبانی جدا و تک خانواده به شمار می آید. برخی از پژوهشگران این زبان را با زبان دراویدی در هند هم خانواده می دانند (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۷۹). زبان ایلامی، جایگاه خود را پس از ورود اقوام آریائی نیز نگه داشت و زبان دوم نوشتاری حکومت ایران در دوران هخامنشی بود (اسکندری، ایرج، در تاریکی هزاره ها، نشر: نگاه). (گراتوسکی، ا.آ.م.آ. داندامایو، ۱۳۸۵: ۴۸-۲۴). در بیشتر سنگ نوشته های عصر هخامنشی ترجمه ایلامی و بابلی (زبان بین المللی آن روزگار) نوشته ها نیز آمده است.

ابن ندیم صاحب «الفهرست» در نقل قولی از المقنع (عبد الله ابن المقنع) زبان های ایرانی را «پهلوی، دری، خوزی، پارسی و سریانی» می شمارد که گواهی است بر حضور زبان ایلامی (خوزی) تا دوره های آغازین اسلامی.

ایلامیان نه آریایی بودند و نه سامی. برخی از پژوهشگران ایلامیان را با دراویدیان هند هم خانواده می دانند (گراتوسکی، ا.آ.م.آ. داندامایو، ۱۳۸۵: ۴۸-۲۴)

ایلامیان و سومری ها

ایلامی ها در برخی از دوره های تاریخی زیر نفوذ دولت سومری میانرودان بودند. ولی در سال ۲۲۸۰ پیش از میلاد ایلامیان که در اوج قدرت خود بودند، اور پایتخت سومریان را اشغال و غارت و خدای ویژه آن را به اسارت بردند. سومر مستعمره و خراجگزار ایلام شد و در پایان در ۲۱۱۵ ق.م در دوره فرمانروایی ریم سین دولت مشترک سومری - اکدی را به طرزی نابود کردند که ملت سومر هیچگاه نتوانست از خرابه های تاریخ سر بر آورد. مشیر الدوله پیرنیا در این باره نوشته است:

«دمورگان و سایر نویسندگان فرانسوی بر این عقیده اند که غلبه ایلامی ها بر سومریها و مردمان بنی سام نتایج تاریخی زیادی در بر داشته است. توضیح اینکه ایلامی ها به

قدری با خشونت با ملل مغلوب رفتار کرده اند، که آنها از ترس جان از مساکن و اوطان خود فرار کرده، هر کدام به طرفی رفته اند. بنا براین عقیده دارند مردمی که در راس خلیج پارس و بحرین سکنی داشتند، بطرف شامات رفته و شهرهای فینیقی را تاسیس کرده و در تجارت در دریانوردی معروف شدند، گروهی که رب النوع آشور را پرستش می کردند به طرف قسمت وسطای رود دجله و کوهستان های مجاور آن رفته و دولت آشور را بنا نهادند. مهاجرت حضرت ابراهیم (ع) با طایفه خود به فلسطین و بالاخره هجوم هیکسوس های سامی نژاد به مصر و تاسیس سلسله ای از فراغه در آن مملکت نیز از نتایج غلبه ایلامیها بر ملل سامی نژاد بود. اما کینگ بر این عقیده است که: غلبه ایلامی ها در ممالک غربی دوام نیافته، زیرا ایلامی ها، چون استعداد اداره کردن مملکتی را نداشتند و غلبه آنها بیشتر به تاخت و تاز شبیه بود، نتوانستند ممالک مسخره را حفظ کنند (اسکندری، ایرج، در تاریکی هزاره ها، نشر: نگاه).

قلمرو فرمانروایی ایلامیان

پادشاهی ایلام در اوج قدرت خود توانسته بود حتی بر بخش های مهمی از میانرودان (بین النهرین) چیره شود، اما محدوده ی قدرت مرکزی ایلام شامل سراسر سرزمین ایران نمی شده است. این پادشاهی اتحادی بوده که ایل ها و طوایف منطقه را در بر می گرفته، اما چنین یکپارچگی می تواند به معنی امپراطوری نباشد. هرگاه ایلامیان قدرت داشتند، نقش مهمی در درگیری های سیاسی میان رودان بازی کرده و حتی بر بخش هایی از آن سرزمین ولو در زمان کوتاهی فرمان رانده اند. آن ها در حدود سال ۱۹۰۰ پیش از میلاد میانرودان را به تصرف خود در آوردند و حکومت سومری را برای همیشه از صحنه تاریخ بیرون کردند. اما به طور کلی بیشتر زیر نفوذ و خراجگزار اقوام سامی و سومری میان رودان بودند.

پروفسور گیرشمن و بسیاری از تاریخدانان دیگر محل کنونی شهر مسجد سلیمان را پایتخت هخامنشیان می دانند (پیر نیا، ۱۳۷۷:). آثار تمدنی ایلامیان که در انشان و در

شوش یافته شده نشانی از تمدن شهری بزرگی در آن دوران بوده است. تمدن ایلامیان از راه دریایی و بلوچستان با تمدن پیرامون رود سند در هند و از راه شوش با تمدن سومر مربوط می شده است.

به قدرت رسیدن ایلامیان و تشکیل حکومت ایلامی و پادشاهی اوان در شمال دشت خوزستان، مهم ترین رویداد سیاسی ایران در هزاره سوم پیش از میلاد بود. از آن هنگام تا پیش از ورود مادها و پارس ها حدود یک هزار سال آنچه از تاریخ سرزمین ایران می دانیم تنها از تاریخ سیاسی ایلام می باشد.

زیگورات چغازنبیل

این بنا در استان خوزستان و نزدیکی شهر شوش واقع شده و در ۱۹۷۹ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است. ساخت آن در حدود ۱۲۵۰ پیش از میلاد و توسط اونتاش گال برای ستایش ایزد این شوشیناک (نگهبان شوش) انجام شده است. این بنا در حمله آشور بانی پال به همراه تمدن ایلامی نابود شد. این اثر ارزشمند تاریخی توسط رومن گریشمن ایلام شناس فرانسوی خاکبرداری گردیده (ایسکانیوز، ۲۷ آبان ۱۳۸۶).

سقوط تمدن ایلام

در سال ۶۴۰ ق.م. آشور بانیپال پادشاه نیرومند آشور، ایلام را تصرف و دولت آنان را نابود کرد. تمدن دیرینه ایلام، پس از هزاران سال مقاومت در برابر اقوام نیرومندی چون سومری ها، اکدی ها، بابلی ها و آشوری ها از دشمن خود آشور شکست خورد و از صفحه روزگار نا پدید گردید. کتیبه آشور بانیپال درباره فتح و نابودی ایلام چنین می گوید: «تمام خاک شهر شوشان و شهر ماداکتو و شهر های دیگر را با توبره به آشور کشیدم، و در مدت یک ماه و یک روز کشور ایلام را با همه ی پهنای آن، جاروب کردم.

من این کشور را از چارپایان و گوسپند، و نیز از نغمه‌های موسیقی بی بهره ساختم و به درندگان، ماران، جانوران و آهوان رخصت دادم که آن را فرو گیرند. (وبگاه «محمد برای مسیح» بازدید در تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۸۶).

زبان ایلامی زبانیست که تا کنون پیوند مستقیم آن با دیگر زبان‌های منطقه دقیقاً مسجل نشده است. زبان ایلامی جزء زبان‌های پیوندی (التصاقی) است. زبانیست که از نظر دستوری پیوندی با افزودن پسوند‌های گوناگون به پایان واژه و نیز، میان‌وند‌هایی خواص و پسوند‌های ضمیری به ریشه فعل در سه صورت اصلی آن وبدون در نظر گرفتن جنس و یا حالت واژه در جمله، مقصود خود را بیان می‌کرد. زبان ایلامی گر چه از نظر دستوری ساختار آسان را نشان می‌دهد، ولی از نظر محتوایی به علت کمبود نبشته‌ها بجز از ایلام هخامنشی و نیز نبود فرهنگی تطبیقی با دیگر زبان‌های همزمان، از درک و فهم معنای راستین آن نا آگاهیم زبان ایلامی در سال ۱۷۹۰ رمز گشایی شد. در این سال وایس باخ (weissbach) نخستین دستور زبان آن را ارائه داد. امروزه تنها بخش‌های کوچکی از آن قابل فهم می‌باشد.

ایلامیان مجموعه اقوامی بودند که از هزاره چهارم تا هزاره نخست پیش از میلاد، بر بخش بزرگی از مناطق جنوب غربی پشته‌ی ایران فرمان روایی داشتند. به قدرت رسیدن حکومت ایلامیان در شمال دشت خوزستان مهم‌ترین رویداد سیاسی زاگرس تا پیش از ورود مادها و پارس‌ها است. زبان ایلامی تا قرن‌ها بعد از سقوط ایلام اهمیت خود را حفظ کرد، داریوش هخامنشی آن را زبان رسمی واداری امپراطوری کرد و همه ۳۰ هزار لوحه پیدا شده در تخت جمشید به زبان ایلامی هستند.

ایلامیان نه آریایی بودند و نه سامی و زبان ایلامی، زبانی تک خانواده است. یعنی خویشاوندی آن با هیچ خانواده زبانی در جهان اثبات نشده است. ولی برخی از دانشمندان زبان آنها را با زبان دراویدیان هند هم خانواده می‌دانند. در مورد پیوند زبان

ایلامیان با زبان دراویدی تاکنون نظریاتی ارائه شده است ولی اینچنین پیوندی هنوز اثبات نگردیده و فعلا اجماع محققان، به منحصر به فردی زبان ایلامیان است.

نژاد ایلامیان: هر تلاشی برای ردیابی نژاد ایلامیان با دشواری مواجه می‌شود. هر چه منابع موجود را بیشتر بررسی می‌کنیم، این تصویر را پیدا می‌کنیم که ایلامیها، ایلامی بوده‌اند، نژادی با استقلال‌لی خدشه‌ناپذیر. هیچ رابطه‌ای اتکا (تاکنون) میان این زبان و زبان‌های گوتیان، هالیدیایی‌ها، هوری‌ها و کاسیان هند و اروپایی یافت نشده است. تصاویر متعلق به ایلامی‌ها هیچ شباهت با زرد پوستان (ترکان اصلی) یا ترک زبانان امروز در اروپا، آناتولی و ایران ندارد.

درباره اقوام خوزی (بازماندگان ایلام باستان) که در منابع دوران اسلامی به آنها اشاره شده، هیچ سخنی از ترکی یا سامی زبان ارائه نشده است. زبان ایلامی‌ها به هیچ وجه سامی نبوده و هیچ دانشمندی ادعا نکرده که زبان ایلامی‌ها سامی است. باید توجه کرد که آثار زیادی از زبان ایلامیان وجود دارد و هیچ دانشمندی آنها را جزء زبان‌های گروه سامی (واز جمله، عربی) طبقه‌بندی نکرده است.

زبان ایلامی تا قرن‌ها بعد از سقوط ایلام اهمیت خود را حفظ کرد. داریوش هخامنشی آن را زبان دیوانی و اداری امپراطوری کرد و همه ۳۰ هزار لوحه پیدا شده در تخت جمشید به ایلامی هستند.

نیا ایلامی: کهنترین دبیره ایلامی که نیا ایلامی شناخته می‌شود، نخستین بار به سال ۲۹۰۰ پیش از میلاد در شهر شوش، پایتخت ایلامیان، باز می‌گردد. نیا ایلامی به نظر می‌رسد که گسترش یافته از باستانی سومری باشد.

نیا ایلامی دارای ۱۰۰۰ نشانه است و بنابراین به نظر می‌رسد که باید بخشی از آن واژه نگار باشد. این نکته هنوز رمزگشایی نشده است، و زبانی را که نمایش می‌دهد هنوز ناشناخته است.

ایلامی باستان دیرینه ای هجایی بود که از نیایلامی بدست آمده بود و در سال های میان ۲۲۵۰ تا ۲۲۲۰ پیش از میلاد به کار می رفت، هر چند که تاریخ اختراعش به پیش از آن باز می گردد. ایلامی باستان تا اندازه ای رمزگشایی شده است. والتر هینز در این زمینه تلاش چشمگیری داشته است. به نظر می رسد که ایلامی باستان از ۸۰ نشانه ساخته شده باشد که در قالب ستون های عمودی، از بالا به پایین و نیز از چپ به راست نوشته می شد.

میخی ایلامی خطی است که از ۲۵۰۰ ق.م. تا ۳۳۱ میلادی به کار می رفته است. این خط از خط میخی اکدی به دست آمده است. خط میخی ایلامی از ۱۳۰ نشانه ساخته شده است که این تعداد بسیار کمتر از دیرینه های اکدی و سومری است (مجله باستان شناسی و تاریخ، شماره ۲۴، ۲۳، پاییز، زمستان ۱۳۷۶، بهار، تابستان ۱۳۷۷).

شاهان ایلام : شاهان ایلام از سال ۲۲۲۵ تا ۶۴۰ ق.م. بر سرزمین ایلام (حدود این سرزمین از طرف غرب دجله، از طرف شرق پارس و کرمان، از طرف شمال همدان، و از سمت جنوب بوشهر بود) فرمان می رانده اند. اگرچه نخستین آثار به دست آمده از تمدن ایلامی مربوط به ۵۰۰۰ سال پیش است اما به دلیل نبود مدارک نوشتاری نمی توان درباره حکومت ها و شاهان ایلامی پیش از ۲۲۲۵ اظهار نظر کرد.

بیشتر این پادشاهان با فرمانروایان بابل، سومر و اکد در جنگ بودند. در سال ۶۴۰ ق.م. آشوربانی پال پادشاه نیرومند آشور ایلام را تصرف کرد و دولت ایلام نابود شد، اگرچه دامنه حکومت ایلام تا کرمان و سیستان ادامه داشت و برخی حکومت های محلی ایلامی همچنان تا زمان اتحاد با آریایی ها و هخامنشیان باقی ماندند و در نهایت حکومت آشور بدست مادها و بابلیان نابود گشت، بابل نیز بعدها بدست هخامنشیان تصرف شد.

منابع

۱. ایران زمین؛ زیگورات چغازنبیل (ایسکانیوز، ۲۷ آبان ۱۳۸۶)
۲. اسکندری، ایرج، در تاریکی هزاره ها، نشر: نگاه.
۳. پیرنیا، حسن، ایران باستان، ۱۳۷۷، دنیای کتاب، تهران
۴. پیگولوسکایا، تاریخ ایران از عهد باستان تا قرن ۱۸، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۵۳.
۵. دیاکونوف، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز،
۶. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۱،
۷. کامرون، جرج، ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، تهران، ۱۳۷۲
۸. گراتوسکی، آ.ا. -م. آ. داندامایو، ۱۳۸۵ تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه، کیخسرو کشاورزی، انتشارات مروارید. (۳۵)
۹. مجید زاده، یوسف، تاریخ و تمدن ایلام، مرکز نشر دانشگاهی، تهران د ۱۳۷۰
۱۰. محسنی، محمد رضا ۱۳۸۹: "پان تر کسیم، ایران و آذربایجان"، نشر سمرقند
۱۱. مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی، ایلام: مهد اولیه تمدن ایرانی (فارسی).. بازدید در تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۸۶.
۱۲. وب گاه محمد برای مسیح، تقدیم به جویندگان راه حق (فارسی).. بازدید در تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۸۶.
۱۳. هنیس، دنیای گمشده ایلام، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران: ۱۳۷۱
۱۴. هنیس، گذری بر تاریخ، ترجمه محمدحسین خانی، تهران: ۱۳۷۳
1. Texts & Lexicon (American Grammar: Old Persian. Roland Kent, American Oriental Society. (33 ISBN 0-940490-33-1 1953 Oriental Series. Page 53.

آنالیز مهره ی مسی یافته شده از تپه علی کش دهلران^{۴۲}

سریل استنلی اسمیت^{۴۳} ترجمه : حسین رئیسی^{۴۴} امیر خانمرادی^{۴۵}

چکیده

مهره ی فلزی که در این نوشتار مورد تحلیل و آنالیز قرار گرفته است از محدود یافته های فلزی دوره ی نوسنگی است که در هنگام کاوش های هیات آمریکایی در تپه علی کش و از دوره علی کش در مرحله B2 بدست آمده است. این مهره فلزی توسط سایریل اسمیت مورد آزمایش پرتونگاری و فلزننگاری قرار گرفته است. فرسایش و پوسیدگی فراوان این یافته فلزی موجب شده بود تا این مهره به یک کانی مطلق تبدیل گردد و به همین دلیل آگاهی و اطلاعات گسترده ای بدست ندهد با این حال از مهم ترین نتایج این پژوهش می توان به ساختار لایه دار مهره فلزی و برخی عناصر احتمالی تشکیل دهنده آن همچون کوپریت، مالکیت و آزوریت اشاره کرد علاوه بر این کاملاً آشکار است که این مهره پیش از تبدیل شدن به کانی روزگاری یک فلز بوده که از یک ورقه ی مسی چکش کاری شده ساخته شده است.

واژگان کلیدی: دهلران، نوسنگی، مهره فلزی مسی، تحلیل و آنالیز

^{۴۲} این مقاله ترجمه ای است از:

Smith, Cyril, S., (1969). Analysis of the Copper Bead from Ali Kosh (Appendix 2), pp427-428. In Prehistory And Human Ecology of The Deh Luran Plain, by Frank hole, Kent Flannery and Jamse Neely,(No 1), University of Michigan.

^{۴۳} موسسه فن آوری ماساچوست

^{۴۴} دانشجوی دکتری زبان شناسی دانشگاه علامه تهران

^{۴۵} عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام، دانش آموخته کارشناسی

ارشد باستان شناسی دانشگاه بو علی سینا همدان

آنالیز مهره ی مسی یافته شده از تپه ی علی کش دهلران

مهره ی یادشده به شدت پوسیده و رنگ و رو رفته بود. یک نمای کلی از آن با یک بزرگ نمایی جزئی در تصویر ۱ نشان داده شده است. شیوه ی آشکار ساخت آن به این صورت بود که تکه ی کوچکی از نوار فلزی برداشته شده، و به شکل استوانه ایی توخالی درآورده شده بود. پرتونگاری^{۴۶} از این مهره (تصویر ۲) اگرچه بر وجود یک بخش متراکم تر در یک سوی این مهره خبر می دهد اما چندان آگاهی دهنده نبود. مهره ی مذکور در یک نایلون با محیط سرد (با برند E-Z Mount) قرار داده شد و جهت آزمایش فلزنگاری^{۴۷} مورد تراشه برداری قرار گرفت. دو تراشه که با ضخامتی تنها به اندازه ی یک برش اره از هم جدا شده بودند، با یک بزرگنمایی جزئی در تصاویر ۳ و ۴ نشان داده شده اند. این تراشه ها فاقد نقوش هستند. واکاوی تراشه ها در زیر میکروسکوپ نشان داد که این مهره تماماً از خوردگی فرآورده های کانی شده ساخته شده بود. هیچ اثری از فلز در آن مشاهده نشد. روشن ترین فاز رنگ قابل مشاهده در فوتومیکروگراف^{۴۸} ها، دلالت بر یک کانی متراکم ظاهراً کوپریت^{۴۹} دارد. در داخل و هم در خارج این عنصر نواحی دیگری وجود دارند که متعلق به یک کانی مایل به سبز تا حدودی شفاف (در فوتوگراف ها به رنگ خاکستر) که ظاهراً مالاکیت^{۵۰} هستند. اگرچه فشردگی این بخش در خارج بسیار بیش تر از داخل است. در داخل این «مالاکیت»، ذرات معدودی از سایر کانی ها، از جمله ناحیه های کوچکی احتمالاً از آزوریت^{۵۱}، وجود دارد، اما من قادر نبوده ام که این ها را شناسایی کنم چرا که تجربه ی ما در اینجا عمدتاً مرتبط با فلز گونه ها است.

⁴⁶ Radiograph

⁴⁷ Metallographic

⁴⁸ Photomicrograph

⁴⁹ Cuprite

⁵⁰ Malachite

⁵¹ Azurite

به عقیده من فرآورده فرسایشی که در تصویر ۵ بسیار تیره دیده می‌شود، در واقع همان فاز خاکستری خارجی، که به زعم من مالاکیت است، با این حال این عنصر دارای ابعاد دانه‌ی بسیار کوچک‌تری (تقریباً پودر مانند) و بسیار نرم است که در زیر نور قطبیده^{۵۲}، عنصری قرمز رنگ به نظر می‌رسد، احتمالاً به این دلیل که «کوپریت» از درون آن مشاهده می‌شود، چون رنگی مشابه در حد فاصل «کوپریت» و بلوره‌های بزرگ‌تر «مالاکیت» به چشم می‌خورد.

سیمای کلی مقطع آن در بزرگنمایی‌های جزئی و هم در بزرگنمایی‌های زیاد، این گمان را تأیید می‌کند که مهره‌ی یادشده از طریق لوله کردن یک نوار فلزی ساخته شده بود. مشخصه‌هایی وجود ندارد که به ساختار فلز پیش از خوردگی اشاره کند. در برخی نمونه فلزات پوسیده شده، افزوده‌های سرباره‌ای باقی مانده یا یک الگوی خوردگی وجود دارد که خصوصیتی از ابعاد دانه و شکل اولیه‌ی فلز را به ارث می‌برند. در نتیجه، تاحدودی ناممکن است که اظهار کنیم فلز اولیه احیاناً چه درجه‌ای از حرارت دریافت کرده بود.

ماهیت عموماً لایه‌دار فراورده‌ی فرسایش یافته مذکور دلالت بر آن دارد که فلز اولیه خود تاحدودی ورقه‌ای مانند بوده است، و شواهد آشکاری از شکل دو انتهاهای بخش نشان داده شده در تصویر ۳ یا با بزرگنمایی‌های بیشتر در تصویر ۶ وجود دارد که نواره به طریقی برش داده شده بود، چون ساختمان آن گویی از طریق تغییر شکلی که متعاقب یک برش اسکنه پدید می‌آید، به سمت پایین تا شده بود. یک انتها، تصویر ۲، به واقع حتی دارای چیزی است که به نظر بقایای یک تراشه‌ی برش داده نشده‌ی واقعی فلز می‌رسد که به عقب تا شده است.

^{۵۲} Polarized light

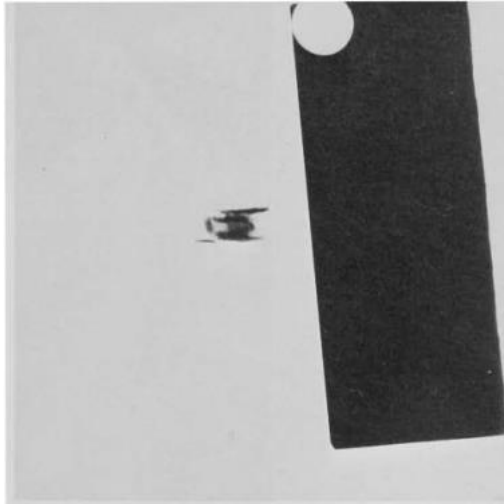
ممکن است ساختمان عموماً لایه‌دار شده‌ی فراورده‌ی فرسایشی در نتیجه‌ی فرایند خوردگی شکل گرفته باشد اما به عقیده من این امر محتمل‌تر است که منشاء لایه-بندی‌ها در مس اصلی نشأت گرفته است. اگر قطعه‌ای از مس محلی حاوی ذراتی از ماده‌ی سنگی به طور گسترده‌ای تحت ضربات چکش قرار گرفته بود، آنگاه بسیار محتمل است که مس مربوط لایه‌لایه شده باشد. این لایه‌ها در برش دادن و لوله کردن به شکل مهره چندان دخالتی نداشته‌اند، اما زمینه‌های پوسیدگی را فراهم کردند و ساختار لایه‌داری، به شکلی که مشاهده می‌شود، را به وجود آوردند.

من تنها می‌توانم به این نتیجه‌گیری نا امیدکننده برسم که پوسیدگی به درجه‌ای از پیشرفت رسیده بود که نمی‌توان هیچ اظهار نظر قطعی درباره‌ی روش استخراج و ذوب فلز ارائه کرد. تردیدی وجود ندارد که این مهره، که اکنون کانی مطلق است، روزگاری فلز بوده است. این مهره احتمالاً از تکه‌ای از مس ورقه‌ای به شدت چکش-کاری شده با ضخامت حدوداً نیم میلیمتر برش داده شده بود و عمل برش با اسکنه‌ای انجام گرفته بود که لبه‌های برش داده‌شده را کج و کوله ساخت است. چنانچه یک اتفاق بعدی (اما نه اخیر) عامل عدم استمرار نباشد، تبدیل نواره به مس لوله‌شده منجر به یک قطاع استوانه‌ای یکرخت نشد، اما فلز ممکن است به صورت طولی تراش داده شده باشد. تبدیل فلز مذکور به فراورده‌های خورده شده منجر به قلبه‌شدگی قابل توجه‌ای شده است و این امر به نوبه‌ی خود باعث این آسیب‌افزایی آشکار گردیده است. تهیه‌ی این نمونه و عکس‌برداری توسط کاتارین کِلپ^{۵۳} انجام گرفت، اگرچه او را نبایستی مسئول این فقر تفسیر قلمداد کرد.

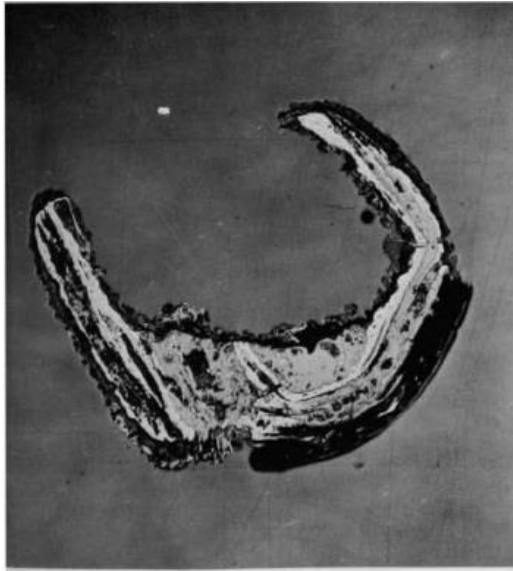
^{۵۳} Katharine Clapp



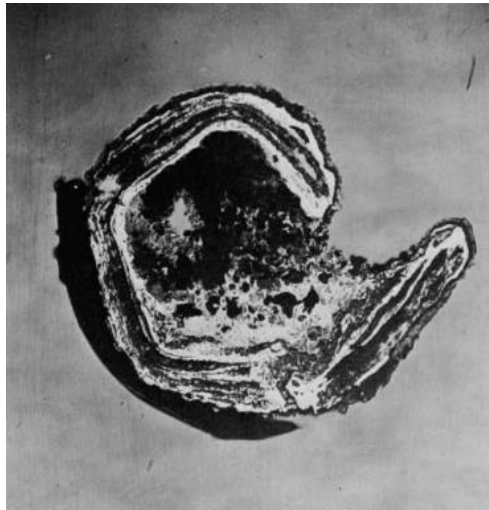
تصویر ۱- نمای کلی از مهره فلزی یافت شده از مرحله B2 تپه علی کش،
بزرگ نمایی ۵ برابر اندازه واقعی



تصویر ۲- پرتونگاری از مهره مسی علی کش



تصویر ۳- برش مقطع A: ۱۰ برابر اندازه واقعی



تصویر ۴- برش مقطع B: ۱۰ برابر اندازه واقعی



تصویر ۵- برش مقطع A: ۱۰۰ برابر اندازه واقعی



تصویر ۶- برش مقطع A: ۱۰۰ برابر اندازه واقعی

معماری سنتی، تجلی فرهنگ ایرانی-اسلامی

جواد عبدالحسینی^{۵۴}. معصومه صیدیوسفی^{۵۵}

چکیده

معماری سنتی یکی از مهمترین هنرهای اسلامی است، هنری که ارتباط دوسویه‌ای با هویت و فرهنگ دارد. در واقع باورها و اعتقادات ایرانی-اسلامی بر معماری سنتی تاثیر بسیار زیادی داشته و معماری سنتی نیز آینه‌ای تمام‌نما برای تجلی فرهنگ و هویت ایرانی-اسلامی است. در این مقاله ابتدا هویت و هویت ایرانی-اسلامی تعریف شده و سپس به بررسی رابطه‌ی هویت ایرانی-اسلامی و معماری سنتی پرداخته و هدف آن تحلیل ویژگی‌های هویت ایرانی-اسلامی و جلوه‌ی آن در معماری سنتی بوده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که معماری سنتی معرف باورها و فرهنگ ایرانی-اسلامی بوده و در آن به نکات و اعتقادات این فرهنگ مانند صله‌ی رحم، مهمان‌نوازی، حفظ حریم زن و مرد و... توجه شده و معمار اسلامی بر اساس باورهای هدایتگر فرهنگ ایرانی که ریشه در اسلام دارد به خلق آثار خود پرداخته است و نمود آن در عناصر معماری مانند هشتی، سردر، ساباط و... مشهود است.

واژگان کلیدی: معماری سنتی، فرهنگ ایرانی-اسلامی، ساباط، هشتی.

^{۵۴} کارشناس ارشد نقاشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

^{۵۵} دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنجان.

مقدمه: هنر معماری در ایران سابقه‌ی دیرینه‌ای دارد و معماری سنتی معرف فرهنگ، دین و آداب و رسوم مردمان این سرزمین است. در معماری سنتی ایران، بناها با توجه به هویت و فرهنگ اسلامی، ایرانی و قومی شکل گرفته است و هیچ گاه ترکیب و معماری بنایی برخلاف باورهای فرهنگی، دینی و قومی مردم آن ناحیه نبوده است. هویت فرهنگی معماری را همان ارزش‌هایی رقم می‌زند که تنها در بستر بناهای سنتی ادراک می‌شود، چرا که معماری به آن دلیل شکل می‌گیرد تا ارزش‌ها را در خویش پیرواند و کالبدی بر آن‌ها متصور شود که اگر چنین نبود و معماری سنتی ایران فاقد ارزش می‌نمود، معماری ابنیه‌ی کهن بیشتر از مشتی خشت و خاک نمی‌نمود.

هنر شایرانی هنری سرشار از نبوغ اصیل ایرانی است و قومی که چنین هنری را به وجود می‌آورد باید غریزه و نبوغی از آن خود داشته باشد و هنرش نیز نمی‌تواند تنها تلفیقی از عناصر برگرفته از فرهنگ‌های دیگر باشد، این نکته بر این دلالت دارد که معماری دینی واجد رسالتی است تا ارزش‌های کهن فرهنگی را درون خویش پاس دارد و بر این اساس عنصری هویت بخش در ساختار فرهنگی شمرده شود، چنانچه همگونی فرهنگ و معماری در آثار معماری جهان مشاهده می‌شود (حبیب و همکاران ۱۳۸۷: ۱۵).

اما مفهوم هویت از نظر برخی صاحب‌نظران نیز قابل توجه خواهد بود. اریکسون (جامعه‌شناس) هویت را یک سیستم کنترل می‌داند که مجموعه‌ای از هنجارها و ناهنجارها را در فرد به وجود می‌آورد. استوارت هال نیز هویت را یک روند در حال شدن می‌داند که یک شناسنامه و عامل شناخته شدن است. احمد اشرف از جمله صاحب‌نظران اسلامی، هویت را به معنای هستی و وجود می‌داند، چیزی که وسیله‌ی شناسایی فرد باشد، یعنی مجموعه‌ی ویژگی‌های فردی و خصوصیات رفتاری که از روی آن فرد به عنوان یک گروه اجتماعی شناخته می‌شود و از دیگران متمایز می‌شود.

جامعه‌شناسان هویت ملی را احساس تعهد و تعلق نسبت به مجموعه‌ای از مشترکات ملی جامعه می‌دانند که موجب وحدت و انسجام است (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۷). هویت ما هویتی ایرانی-اسلامی است و در معماری سنتی آثار و نشانه‌های این هویت به چشم دیده می‌شود. در این مقاله به بررسی حفظ هویت تاریخی، ملی و اسلامی در معماری سنتی پرداخته می‌شود.

معماری سنتی

مراد از مبانی معماری سنتی ایرانی عبارت است از اصول و ارزش‌هایی که اولاً ریشه در اعتقاد و باورهای آسمانی و معنوی ایرانیان داشته و ثانیاً بدون انقطاع تاریخی در اثر ممارست و حقیقت‌جویی و نوگرایی ایرانیان در تماس با سایر تمدن‌ها بر پایه‌ی جهان‌بینی اسلامی-ایرانی و در بستر فرهنگ و با‌پویایی و تصفیه و تکامل دائمی هدایتگر و راهنمای پدیدآوردن آثار برجسته‌ی معماری و شهری بوده و ثالثاً می‌توان به عنوان اصولی ثابت از آنها یاد کرد که البته همواره تفاسیر و تجلیات کالبدی نو و متناسب با زمان و مکان از آنها ظهور و بروز نموده است (نقی زاده، ۱۳۷۸).

با دقت به مهمترین اصطلاحاتی که در تعریف معماری سنتی گفته می‌شود و عبارتند از: معماری تاریخی، معماری قدیمی، معماری اصیل، معماری با هویت، معماری بومی و محلی و ... و همچنین با توجه به تعریف سنت در فرهنگ معین که «راه، روش، سیرت، طریقه، عادت گفتار و کردار و تقریر کلام معصوم (امامان و پیامبر)» است. ویژگی‌های معماری سنتی عبارتند از:

- ۱- معماری سنتی محصول روشی سنتی در طراحی و ساخت است.
- ۲- معماری سنتی دارای الگوهای اصیلی است که تبلور فرهنگ و هویت جامعه است که در طول زمان استمرار یافته و دست به دست گشته و منتقل شده است.
- ۳- معماری سنتی با امر قدسی مرتبط است و راه و روش و سیره‌ی معصومین است.

همچنین با توجه به تعریف سنت که عبارت است از: انتقال شفاهی و غیر شفاهی اطلاعات در بین مردمی که دارای فرهنگ مشترک هستند. می‌توان نتیجه گرفت که معماری سنتی یعنی آن گونه از معماری که اولاً بار فرهنگی خاصی داشته باشد و ثانیاً در طول زمان از نسلی به نسل دیگر منتقل شده باشد (اولیور پائول، ۱۹۸۹؛ به نقل از صادقی پی، ۱۳۸۷).

معماری سنتی، ارتباط عمیقی با جهان بینی اسلامی دارد. زیرا فرهنگ ملی ما، فرهنگی ایرانی - اسلامی است که تاروپود آن برپایه های اصول و ارزش های اسلامی استوار است و بر این اساس معماری سنتی ما یکی از بزرگترین جلوه های ظهور یک حقیقت هنری در کالبد مادی به شمار می آید. معماری در جهان اسلام یکی از بزرگترین جلوه های ظهور یک حقیقت هنری در کالبد مادی بشمار می رود. از لحاظ تاریخی معماری اولین هنری بشمار می آید که توانست خود را با مفاهیم اسلامی سازگار نموده، از طرف مسلمانان مورد استقبال قرار گیرد (محمدی نژاد، ۱۳۸۳).

هویت ایرانی - اسلامی

هویت در معنای لغوی؛ یعنی، حقیقت و ماهیت چیزی؛ می‌توان گفت هویت تشخیص ماهیت در خارج است (کرجی، ۱۳۷۵). در تعریف دیگر: هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی، بر ماهیت یا ذات گروه به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دلالت کند، و آنان را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه ها و افراد متعلق به آن ها متمایز سازد (الطای، ۱۳۷۸). "هویت ملی" از مقولاتی است که در قرن بیستم، و بعد از شکل گیری سیاسی نظام بین المللی قالب مفهومی خاص خود را پیدا کرد؛ هرچند که همواره یکی از مشغله های ذهنی اندیشمندان ایرانی بوده است. هویت ملی، همان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و نسبت به کل جامعه در نظر گرفته شده

است، و می‌توان گفت هویت ملی به این معناست که افراد یک جامعه، نوعی منشأ مشترک را در خود احساس کنند (یوسفی، ۱۳۷۹: ۲۶ و ۲۷). در تعریفی دیگر: «هویت ملی، مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی، است که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود؛ و لذا، هویت ملی، اصلی‌ترین سنتز و حلقه‌ی ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است» (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۷). هویت ملی عبارت است از: نوعی احترام و التزام به عناصر چهارگانه‌ای که «خودجمعی» توده‌ای مردم را تشکیل می‌دهد. براساس چهارعامل سرزمین، جمعیت، حاکمیت و فرهنگ مشترک، (افتخاری، ۱۳۹۰).

مهم‌ترین حادثه‌ی تاریخ ایران، ورود اسلام و خدمات آن به ایران است. اسلام با ورود خود به ایران، ضمن از بین بردن تشنه‌ی آرا و تکرار عقاید مذهبی، وحدت عقیدتی و دینی را جایگزین آن کرد، که در آن فکر واحد، آرمان واحد و ایده آل واحد به وجود آمد. اسلام حصار سیاسی و مذهبی گرداگرد ایران را در هم شکست، تا امکان شکوفایی استعداد ایرانی فراهم گردد، به طوری که مطالعه‌ی تاریخ ایران نشان می‌دهد، چنان شور و هیجان علمی و فرهنگی در ایرانیان پدید آورد، که آن‌ها را در اوج قله‌های علمی و حتی مرجعیت دینی قرار داد.

بنابراین، می‌توان خدمات اسلام را به ایران، موارد مهمی چون شناسایی واقعیت ایرانی به خودش، شکوفایی نبوغ ایرانی، از بین رفتن خرافات ثنوی دینی و قرار دادن ایرانی در اوج افتخارات جامعه‌ی اسلامی دانست. به گفته‌ی مطهری: «اسلام استعداد و نبوغ ایرانیان را هم به خود نشان داد و هم به جهانیان و به تعبیر دیگر: ایرانی به وسیله‌ی اسلام خود را کشف کرد، و سپس آن را به جهان شناسانید» (ص ۳۶۰). به عقیده‌ی شهید مطهری عامل اساسی هویت‌یابی ایرانیان را می‌توان گرایش به اسلام و تشیع دانست، از نظر وی، این گرایش دارای سه علت اساسی است: اول؛ خسته شدن مردم از حکومت ساسانیان، دوم؛ عدم کارآیی دین زرتشت و ادیان آن روز و سوم؛ جاذبه

های معنوی و عظمت واقعی اسلام. از این میان، عامل سوم، بیش از دو عامل قبلی دارای اهمیت بود؛ یعنی، اسلام به عنوان یک دین رهایی بخش با خصوصیات روحی و اخلاقی ایرانیان بسیار متناسب بود و سازگاری داشت. بنابراین، علت حقیقی گرایش ایرانیان به اسلام و تشیع، جست و جوی عدل واقعی اسلامی، و یافتن آن در خاندان رسالت بود؛ زیرا، این خاندان تنها کسانی بودند که بدون ملاحظات قومی، خونی و غیره به اجرای عدالت می پرداختند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که هویت ما یک هویت ایرانی اسلامی است که ریشه در جهان بینی اسلام دارد.

رابطه‌ی هویت ایرانی اسلامی و معماری سنتی و جلوه‌های آن

معماری سنتی از آنجا که بر اساس هویت ما شکل گرفته است با فرهنگ و آیینمان رابطه دارد. این رابطه یک رابطه‌ی متقابل و دو سویه است. معماری به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی از فرهنگ نشأت گرفته و بران تاثیر می گذارد و آینه‌ای است از اندیشه‌های انسان در رابطه با فضا. زیبایی شناسی و فرهنگ. به همین سبب سبک معماری هر دوره انعکاسی از فرهنگ و هنر آن محسوب می شود و با دگرگونی‌هایی که در سایر عرصه‌های زندگی و هنر به وقوع می پیوندند. متناسب است.

نقاط عطف در مسیر فرهنگ و خلاقیت از مهمترین عوامل پیدایش مکاتب متفاوت معماری می باشند. با توجه به تاثیر مستقیم فرهنگ در معماری؛ طبیعی است که تغییرات فرهنگ باعث دگرگونی در مبانی و مفاهیم موثر در پیدایش معماری می شود و در نتیجه‌ی آن. اندیشه‌های متفاوت معماری به وجود می آید که تعیین کننده شیوه‌های تعامل بین مفاهیم نظری و فرهنگی به طور عام و مفاهیم نظری و فضای معماری به طور خاص می شود. (بهشتی. ۱۳۷۸).

خصوصیات فرهنگی هر عصری را می توان در معماری آن شناخت. زیرا وقتی معماری تحت تاثیر شرایط متفاوت یک دوره به وجود آید مثل سیاسی. اجتماعی. اقتصادی و فرهنگی و ... به محض به وجود آمدن. می تواند مستقل و زنده شناخته شود و صفاتی

مخصوص را به خود بگیرد. وقتی اثرات به وجود آورنده یک اثر معماری از بین بروند. آن معماری ممکن است به حیات خود ادامه دهد. حال اگر عوامل به وجود آورنده مطابق با ساختارهای فرهنگی باشد. آن معماری ریشه‌ای عمیق می‌گیرد و اگر آن عوامل ناپایدار باشند. معماری فاقد حیات می‌شود و عوامل جدید آن را از میان بر می‌دارند. معماری و فرهنگ رابطه متقابل و دوسویه دارند، از یک طرف معماری بر فرهنگ تأثیر می‌گذارد و از طرف دیگر فرهنگ نسبت به معماری تأثیر گذار است. از اینرو، معماری نقش مهمی در شکل‌گیری روابط و فرهنگ مردمان دارد.

معماری سنتی هنری پویا قلمداد می‌گردد که در تعامل با فرهنگ، هویت و آداب و رسوم ایرانی - اسلامی است. این هنر آینه‌ی تمام‌نمایی است که در آن می‌توان باورها و اعتقادات سرزمینمان را به دیگران نشان داد. معماری سنتی ایران دارای مشخصه‌هایی است که با گام زدن در میان بافت‌های قدیمی می‌توان جلوه‌های آن را در ساختار فضایی مشاهده کرد و آن پابندی معمار به اصول و اعتقاداتش می‌باشد. در معماری سنتی و در میان بنایان مسلمان، شیوه‌نامه‌های معنوی و اخلاقی رایج بوده که به فتوت‌نامه مشهور است. این آیین جوانمردی، که خصوصیات اخلاقی مشاغل مختلف را تشکیل می‌دهد، برگرفته از آیات قرآن و سخنان پیامبر (ص) و امامان (ع) و سایر بزرگان دینی بوده و بنایان از نظر اخلاقی ملزم به رعایت آن بوده‌اند و با حفظ این گونه شئون، حرمت شغلی خود را پاس می‌داشتند (خان‌محمدی، ۱۳۷). معمار سنتی، که به فتوت‌نامه‌ها عمل می‌کرده و آراسته به اخلاق نیک بوده، با وارد کردن متغیرهای خاص همچون ارزش‌های روان‌شناسانه و مفاهیم اخلاقی، فضای معماری متفاوتی عرضه می‌داشته و معماری را به درجه بالایی از ارزش و غنا ارتقا می‌بخشید. آنچه در مورد معماری سنتی ایرانی قابل توجه است، اینکه اطلاعات، دانش، خلاقیت و آگاهی وی برگرفته از حوزه‌های متفاوت علوم و فنون و شناخت مسائل روان‌شناختی استوار است (نایی و دیگران، ۱۳۸۶). معماری از اخلاق به دور نیست و رعایت موازین عمومی

اخلاق اسلامی از قبیل محرمیت، حسن خلق، صله‌ی رحم، عدالت، صداقت، تعهد، ارزش‌ها، حق همسایه، مهمان‌نوازی و غیره از دیرباز در ساختار فضایی معماری سنتی ایران مورد توجه بوده است. آنچه در معماری سنتی جلوه گر شده است، ویژگی‌ها و باورهای هویتی و فرهنگی جامعه‌ی ماست که قدمتی بسیار کهنه و تاریخی دارد که در این قسمت به برخی از باورهای اخلاقی و مذهبی هویت ایرانی اسلامی و تجلی آن در معماری سنتی می‌پردازیم.

ساباط

«ساباط» در فرهنگ لغت به معنای دالان، راهرو و پوشیده، سقفی است که در زیر آن راه ورود به خانه می‌باشد (عمید، ۱۳۶۱: ۶۸۰). یکی از ویژگی‌های بارز شهرسازی و معماری سنتی ایران در کوچه‌ها و گذرگاه‌ها ساباط‌ها بودند. ساباط‌ها سایه‌اندازهایی بودند که در مقابل در ورودی ساخته می‌شد تا از این طریق مهمانان از گزند آفتاب و گرما در امان باشند و در فاصله رسیدن صاحب‌خانه و گشودن در، آزاری به آنها نرسد (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۱۵۹). ساباط‌ها به گونه‌ای استقرار پیدا کرده‌اند تا انسان پیاده در مسیر حرکت خود در یک توالی مناسب در فضای سایه قرار گیرد. بسیاری از کوچه‌های شهرهای قدیمی مسقف هستند. در واقع به این کوچه‌های مسقف ساباط (سابات) گفته می‌شود ساباط در زبان فارسی دارای ریشه‌ای کهن است. بخش اول آن «سا» به معنای آسایش و بخش دوم آن «باط» نمودار ساختمان، آبادی و عمارت است که این نوع معماری خاص مناطق آب و هوای گرمسیر و کویری است تا با انداختن سایه و ایجاد مسیری خنک برای رهگذران، آنها را از شدت تابش نور خورشید و گرما در این معابر محافظت کند. ساباط‌ها از لحاظ نوع سقف به دو گونه تقسیم می‌شوند؛ یک گونه آن دارای سقف مسطح بوده و از تیرهای چوبی و حصیر برای نگهداری وزن و سقف آن استفاده می‌شود و نوع دیگر ساباط‌هایی است که دارای طاق هستند. این ساباط‌ها با توجه به مسائل استاتیکی بخوبی می‌توانستند وزن سقف را هر قدر هم

سنگین بود به ستون‌ها، دیوارها و سپس به زمین منتقل کنند. در خیلی از این سابات‌ها ورودی چند خانه مجتمع شده است که از نظر افزایش حس همسایگی و همبستگی محله‌ای حائز اهمیت است. ارتباط شایسته افراد یک محل که با هم همسایه‌اند و نیز خوش رفتاری آنان تا بدان حد است که حضرت امام رضا(ع) این ویژگی را از جمله اهداف بعثت رسول اکرم (ص) (برشمرده‌اند. (۳) حضرت علی(ع) نیز فرموده‌اند شیعیان ما کسانی می‌باشند که به خاطر ولایت ما نسبت به یکدیگر بذل و بخشش می‌نمایند... مایه برکت همسایگان هستند و با معاشران خود، در صلح و صفا بسر می‌برند. آن حضرت چهار خصلت را بر شمرده‌اند که اگر کسی آنها را مراعات نماید اهل بهشت است که یکی از آنها رفتار پسندیده با همسایگان است. (۵) این سازه به دلیل نیمه پوشیده بودن در تابستان به پدید آمدن کوران هوا منجر می‌شده است که هوای درون سابات را از بیرون آن خنک‌تر می‌کند. همین نیمه پوشیده بودن در زمستان به گرم‌تر شدن هوای درون سابات از بیرون آن می‌انجامد. سابات‌ها همچنین مایه یکپارچگی و استواری خانه‌های کنارشان هستند و به آنها در پایداری در برابر نیروهای پدید آمده از فشار سازه کمک می‌کنند.

سردر: نخستین وظیفه میزبان در قبال مهمان تکریم او است. پیامبر اکرم(ص) به دختر خود، حضرت فاطمه(ع)، درباره لزوم اکرام مهمان چنین می‌فرماید: «هر کس به خدا و روز واپسین ایمان دارد، باید مهمانش را گرامی دارد» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ۲۸).

تکریم، مفهومی کلی است که در برخورد توأم با گشاده‌رویی و لبخند، گفتار و رفتار توأم با احترام و ارزش‌گذاری مصداق می‌یابد. آگاهی از زمان رسیدن مهمان، پیشواز رفتن برای او، گرفتن چمدان و وسایل همراه مهمان و حمل آنها، مقدم داشتن در ورود به منزل، جفت کردن کفش‌های او، راهنمایی و معین کردن بهترین جای منزل برای نشستن و اقامت او، تهیه غذاهای لذیذ و متنوع و... می‌تواند مصادیق اکرام به مهمان باشد.

استقبال یا بدرقه از مهمان، که از سنت‌های دیرینه ایرانیان است، در محدوده فضای ورودی اتفاق می‌افتاد (برزگر، ۱۳۸۶). از این‌رو، ساختار آن به شکلی بود که درخور استقبال و بدرقه مهمان باشد. هلال تزئینی روی در و تنها قسمت خارج از خانه که اغلب کاشی‌کاری دارد و معمولاً به گونه‌ای ساخته می‌شد که در زمستان‌ها مانع از ریزش برف و باران بود و در تابستان‌ها نیز مانعی برای تابش مستقیم آفتاب به شمار می‌رفت (کاتب، ۱۳۸۴، ص ۱۲۶). سردر منازل مجلل و تورفتگی مقابل آن هر مهمانی را به داخل دعوت می‌کرد. در بالای سردر، آیاتی از قرآن کریم یا عبارات مذهبی، که معمولاً آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحيم» بود، نوشته می‌شد تا مهمانان و ساکنین هنگام ورود و خروج از زیر آیات قرآنی یا روایات و عبارات دینی عبور کنند. بر سطح سردر، کتیبه‌های کاشی یا مرمری به شکل‌های مختلف و با مضامین آیات قرآنی و احادیث، نام پنج تن، نام بانی، تاریخ ساخت خانه و عدد ۷ تعبیه می‌گردید تا در هنگام خروج از خانه، ساکنان را از شر شیطان و چشم بد در امان نگه دارد (رمضان جماعت و نیستانی، ۱۳۸۹). خود درها نیز به گونه‌ای طراحی می‌شدند که فرد برای ورود خم می‌شد که این نشان از تکریم و احترام مهمان نسبت به صاحب‌خانه بود (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۱۶۰). بر تمامی درب‌های ورودی فضاهای مسکونی، کوبه‌ای برای مردان (با صدای بم) و حلقه‌ای (با صدای زیر) برای زنان تعبیه می‌گردید که یکی از راه‌حل‌های ایجاد حریم و اعلان آمادگی به میزبان در جهت رعایت دستورات شرع مقدس می‌باشد (معماریان، ۱۳۸۹، ب، ۳۹۴. به نقل از اوغانی: ۱۳۹۱). مقام و ارزش مهمان در دین اسلام تا آنجاست که اگر مهمانی، از خانه میزبان دزدی کند، حکم قطع دست درباره‌اش اجرا نمی‌شود. در روایت فراوانی به این مسئله تصریح شده است.

سکوهای مقابل در: سکوهای کناری سردر، که «پاخوره» نام داشتند، برای نشستن مهمانانی که با صاحب‌خانه کار داشتند و لازم نبود وارد خانه شوند استفاده می‌شد (پیرنیا، ۱۳۸۵: ۱۵۹). ایجاد سکوهایی در ورودی بناهای مسکونی، نشانه‌ای از احترام به سنت

مهمان‌نوازی در فرهنگ ایرانی بوده است (نقی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹). تمدن هر قوم و ملتی دارای شاخص‌هایی است که هویت آن ملت و تمدنش با آنها تعریف و توصیف می‌شود. از جمله این شاخص‌ها فرهنگ مهمان‌نوازی است که ایرانیان از هزاره‌های قبل تاکنون به آن شهرت داشته‌اند و با ورود اسلام این فرهنگ غنای بیشتری یافت. اسلام توانست پیوندهای خویشاوندی را با مطرح ساختن اصل «صله‌ی رحم» استحکامی دوباره ببخشد و از ایجاد زمینه‌های کدورت، رخوت، اضطراب و ناامیدی جلوگیری کند. مهمان‌نوازی از صدر اسلام و بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان عنصری ممدوح و عامل وحدت و برکت و دوستی معرفی شده و پیرامون آن سخن‌های فراوانی گفته شده است. چنانچه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند: «زکات خانه، مهمان‌خانه است» و در جایی دیگر چنین فرموده‌اند: «با هم بخورید و جدا نباشید زیرا برکت با جماعت است»

هشتی: هشتی قسمت بیرون هشته خانه که به شکل‌های مختلف ساخته می‌شده، فضای سرپوشیده متصل به کوچه و حیاط خانه، فضایی بعد از فضای ورودی که اغلب بلافاصله پس از درگاه قرار می‌گیرد (در معماری اسلامی)، نه تنها جایی که از منطقه بسته خانه بیرون می‌آید و ارتباط آن را با خارج تامین می‌کند. مهم‌ترین کارکرد هشتی، تقسیم مسیر ورودی به دو یا چند جهت و حفظ قسمتی از حریم خانه‌است، به معنی آرامگاه، طاق، ایوان، رواق و آسمانه هم آورده‌اند. بعد از داخل شدن به خانه در ابتدا فضای هشتی مشاهده می‌شود - که الزاما" فرم آن هشت ضلعی نمی‌باشد، به همین جهت به این فضا معمولا" مکثگاه گفته می‌شود- محلی برای خوش آمد گویی و انتظار، که دور تا دور آن سکویی قرار گرفته جهت نشستن، زیرا وسعت برخی از خانه‌ها آنقدر بود که زمان زیادی طول میکشید تا خود صاحب خانه برای خوش آمد گویی نزد مهمان برسد. به همین دلیل بر روی سقف این فضاها با توجه به توان مالی صاحب خانه کاشی کاریهای زیبا یا نقاشی‌های چشم‌نواز و یا حداقل شمشه‌ای کوچک تعبیه

میشد تا مهمان طی مدتی که در آنجا حضور دارد، خسته و کم حوصله نشود. هشتی که بلافاصله پس از درگاه خانه بوده در حکم نوعی حیاطچه‌ی بیرونی برای خانه عمل می‌کرد. به عبارت دیگر اگر کسی می‌خواست وارد با اهل خانه‌ای ارتباط برقرار کند، خبری بدهد یا چیزی بگیرد، اما از درگاه آن خانه داخل نشده و وارد حریم خصوصی آنها نشود، در هشتی منتظر می‌ماند و کار و صحبتش را به انجام می‌رساند در عین حال هم گفته نمی‌شد که در کوچه و دم در ایستاده است. غریبه‌ها و اهل محل اگر رد می‌شدند، متوجه نمی‌شدند که در مقابل درب فلان منزل چه کسانی ایستاده‌اند و چه گویند و چه می‌شنوند. معمولاً در هشتی سکوهایی در دل دیوار یا بیرون زده از آن ساخته بودند که در صورتی که گفتگوها طولانی می‌شد، اسباب خستگی نشود و حتی گاهی در همین هشتی بود که از مهمان پذیرایی هم می‌شد! ممکن بود که هنرمند یا اهل کسب و پیشه‌ای در خانه خود کار کند، لذا اگر خانه‌اش آنقدر وسیع نبود که برای پذیرفتن مراجعانش، اندرونی و بیرونی مجزا و جدا از هم داشته باشد. اگر هشتی بین چند خانه مشترک بود (که معمولاً هم چنین بود) اهالی آن خانه‌ها که یا با هم فامیل بودند و یا به هم بسیار نزدیک، از فضای هشتی برای دور هم نشینی و گپ و گنده و بازی و مشق نوشتن و ... استفاده می‌کردند. در حقیقت آنها که هشتی مشترک داشتند، خانواده واحدی بودند که بخاطر حفظ روابط محرم و نامحرم و رعایت حریم عمومی و خصوصی خانه‌های خود، در خانه‌های جدا از هم زندگی می‌کردند. این باور کاملاً متناسب با فرهنگ ایرانی-اسلامی است. فرهنگی که بر حفظ حریم در روابط زن و مرد نامحرم تاکید دارد. برخی هشتی‌ها ساده بودند و برخی پر نقش و نگار و دارای تزیینات معماری و گچ‌بری. همچنین در برخی هشتی‌ها، روزنی در سقف، نور را به داخل آورده، داخل آن را روشن می‌کرد و فضای هشتی را زیبایی و خیال‌انگیز می‌کرد. در اینجا بود که اگر هشتی تزییناتی داشت، واقعاً چشمگیر و چشم‌نواز می‌شد. یک فضای هشت ضلعی که بالای خود سقف

گنبدی داشت و روزنی در آن بود که نوری را درون هشتی می چرخاند. از صبح که آن نور می افتاد داخل، بر روی در و دیوار هشتی تاب می خورد، تا غروب که دیگر هوا تاریک شده بود و نوری هم نبود که بتابد. آنوقت دیگر همسایه ها با چراغ موشی یا فانوسی درون آن را روشن می کردند، البته تا زمانی که قرار بود که چهره ای چهره ای را ببیند و دری باز بود. هشتی با یک دالان کوتاه یا بلند، به کوچه متصل می شد و این دالان تعیین کننده قلمرو هشتی بود. یعنی کسی که به دالان وارد می شد، با اهالی خانه های هشتی کار داشت، در غیر اینصورت فضول، غریبه یا دزد شناخته می شد. (یزدی، ۱۳۸۵). از فضای هشتی گاهی برای پذیرایی موقت از مراجعه کننده‌ای استفاده می شود که به اتاق پذیرایی دعوت نشده است. مسیر دسترسی به ناحیه خصوصی و پذیرایی برای خانه‌هایی که دو حیاط دارند نیز هشتی است. بنابراین، هشتی هم عملکرد معماری دارد و هم با ظرایف زندگی اجتماعی هماهنگ شده است (معماریان و دیگران، ۱۳۸۹؛ معین، ۱۳۷۱، ص ۱۰). در این فضا، با ایجاد سکوهایی در بدنه هشتی، میهمانان غریبه و نامحرم پذیرایی اولیه می گردند.

در صورت تمایل دعوت به بخش بیرونی از طریق راهروی شکسته، با حفظ حریم اندرونی می شوند. در این فضا، معمار سنتی با توجه به خواست دینی ساکنان اقدام به خلق و ابداع فضا با مفهوم جدید می نماید (مسائل، ۱۳۸۸؛ به نقل از یزدی، ۱۳۸۵).

میانسرا یا حیاط (اندرونی و بیرونی)

میانسرا- حیاط و صحن- یکی از ویژگیهای معماری اسلامی است. مساجد، مدارس و کاروانسراها عمدتاً دارای صحن یا حیاط مرکزی هستند. میانسرا در دوره اسلامی دو نقش مهم داشت: اول اینکه نیاز مسلمانان را به وضوخانه و محل تطهیر در مساجد و مدارس و نیاز مسافران را به استراحت، بارگیری و باربندی در حیاط کاروانسرا تأمین می کرد. دوم اینکه با کانون قراردادن فضای داخلی، بنا را از سر و صدا و فعالیت زندگی روزمره و عادی جدا می کرد. خانه‌های سنتی اکثراً دارای دو حیاط به نام

اندرونی و بیرونی بوده‌اند». اندرونی» خانه و حیاطی که عقب حیاط بیرونی ساخته شده و مخصوص سکونت زن و فرزند و سایر افراد خانواده و صاحبخانه، می‌باشد و «بیرونی» عمارت و حیاطی را گویند که وصل به عمارت اندرونی و مخصوص پذیرایی مهمانان مرد است (عمید، ۱۳۶۱: ۱۹). ارتباط حیاط بیرونی و اندرونی، به گونه‌ای ساخته می‌شد که ارتباط حیاط بیرونی از مسیر شاه کوچه، بازار و یا خیابان فراهم شود و قسمت اندرونی از کوچه فرعی راهی جداگانه داشته باشد. در قسمت بیرونی افراد فامیل غیر محرم (مهمانان) زندگی می‌کردند و اهل حرم بدون ارتباط با آنها می‌توانستند از درب دیگری از حیاط خارج شوند. این امر هم موجب حفظ حرمت اهل حرم و هم حفظ حرمت مهمان می‌شد.

یکی از مسائل عمومی و بسیار حساس که یک ضرورت دینی و اجتماعی محسوب می‌شود، چگونگی روابط و معاشرت و گفت‌وگوی زن و مرد است. محرمیت به عنوان یکی از اصول اساسی در معماری اسلامی در راستای تأمین امنیت اجتماعی دارای وجوه و جنبه‌های متفاوتی است. محرمیت موجود در خانه‌های ایرانی، مساجد، حمام‌ها، باغ‌ها و ... بین همین مسئله است. واژه حریم در لغت به معنی پیرامون، گرداگرد خانه، مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد، است. حریم کلمه‌ای عربی است و به معنی منع هم می‌باشد. حریم مرز ایجاد می‌کند، ولی فقط داشتن جدایی نیست. درست است که حریم هاله‌ای را به وجود می‌آورد و مانع از تجاوز دیگران می‌شود؛ ولی این حریم ضمن اینکه تمامیت آدم را حفظ می‌کند، حریم دیگری را نیز نگه می‌دارد. حریم طرفین را به هم پیوند می‌دهد، بی‌آنکه در بیامیزد، یکی می‌داند بی‌آنکه به اختلاط بگراید (نورانی، ۱۳۸۷). «در معماری سنتی ایران، خانه در بافت‌های شهری پیوسته، متراکم و درونگرا، فضایی خصوصی برای زندگی خانوادگی به حساب می‌آمد که معمولاً اصل محرمیت در طراحی و احداث آن رعایت می‌شد تا افراد خانواده از دید اشخاص نامحرم (غیر خودی) محفوظ باشند. بر اساس همین دوگانگی

(خودی و غیر خودی) فضای معماری ساخته شده نیز از دو بخش اندرونی (فضای خودی) و بیرونی (فضای غیر خودی) تشکیل شده بود. اندرونی مکان اعضای درجه یک خانواده، بویژه زنان، محسوب می‌گشت، در حالی که بیرونی محل آمد و شد میهمانان و افراد خارج از خانه بود. با کمی تأمل در تاریخ و ادبیات داستانی کشورمان به خوبی می‌توان این نوع نگرش را در جدایی فضاهای خصوصی و عمومی در جامعه سنتی و گذشته ایران دید. «بانی مسعود، ۱۳۸۸: ۲۶۲». تحقق مفهوم اندرونی و بیرونی، که با آداب زندگی یک خانواده مسلمان هماهنگی دارد، پاسخی معمارانه به خواست فطری ساکنان است که به معنای حجاب داشتن و محفوظ ماندن از دید نامحرمان، است. در عین حجاب داشتن، حرمت و احترام میهمانان باقی می‌ماند.

تالار- (اتاق مهمان): از جمله موارد تطابق معماری خانه با فرهنگ اسلامی را می‌توان در اهمیت معماری اتاق پذیرایی مشاهده کرد؛ زیرا بهترین فضای خانه و زیباترین جای آن به این اتاق اختصاص یافته است تا به دستور اسلام در تکریم مهمان و اهمیت مهمان نوازی توجه شده باشد. زیرا اسلام بهترین مکان خانه را برای حضور مهمان می‌داند. **بازارهای سنتی:** بازارهای سنتی عموماً به شکل حجره‌هایی کوچک و بزرگ در کنار هم و در امتداد یک راه نسبتاً باریک و بعضاً مسقف شکل می‌گرفت. نزدیکی و مجاورت حجره‌ها و آرایش مغازه‌های روبروی هم در چنین فضایی، از آن یک "کوچه‌ی مهربانی" می‌ساخت و ارتباط و صمیمیت بیشتری بین اهالی بازار ایجاد می‌کرد. رفت و آمدهای بازاریان اغلب به شکل پیاده بود و در مسیر رفتن به محل کار، بازاریان ضرورتاً با همکاران و مشتریان مواجه می‌شدند و احوالپرسی و سلام و علیک گرمی بین آنها رد و بدل می‌شد. معاشرت بیشتر و کسب خبر از احوال دیگران، نکته‌ای اخلاقی است که به مدد شکل و فرم خاص بازار قوت می‌گرفت. صله رحم از زیباترین و نیکوترین برنامه‌های دینی در معاشرت‌ها می‌باشد. زیرا در یک جامعه پاک، همبستگی اهل ایمان ضروری است و این همبستگی در سایه دید و بازدیدهاست

. گرچه در زندگی ماشینی امروزی با وجود مشغله‌های فراوان گاهی فرصت این برنامه زیبا از انسان‌ها گرفته می‌شود ولی حفظ ارزش‌های دینی و سنت‌های سودمند از عوامل جدید، فرصت مناسبی برای انجام این سنت زیبای دینی است . صله رحم یا دید و بازدید موجب شادابی روحیه‌ها و طول عمر انسان‌ها و رفع مشکلات مادی و معنوی انسان‌ها می‌شود . چنانچه امام صادق (ع) در مورد آثار دید و بازدید فرموده است: «صله رحم اعمال را پاک، اموال را افزون، بلاها را دفع، حساب را آسان، اجل را به تأخیر، عمر را طولانی، اخلاق را نیکو، دست را بخشنده، و دل و جان را خوش می‌سازد» (اصول کافی، حدیث ۶ و ۱۲).

ورودی شهرها: «امنیت می‌تواند در سلسله‌مراتبی از فضای خصوصی خانه تا فضای کاملاً عمومی بازار و میدان مطرح باشد. در مقایسه با بسیاری از کشورهای غربی عرف و هنجارهای اخلاقی موجود در فضاهای شهری ایران باعث شده است که فضاهای عمومی این شهرها نسبت به بسیاری از کشورهای اروپایی دارای امنیت نسبتاً بالایی باشند.» (امیرابراهیمی، ۱۳۸۱). از مصادیقی که موجب ارتقای امنیت در فضاهای شهری سنتی می‌شد اختلاط کاربری‌های شهری بود. وجود مسجد، حمام و بازارچه در محلات به زنان این امکان را می‌داد تا علاوه بر فضای خصوصی خانه‌ها یا نیمه خصوصی هشتی‌ها و کوچه‌ها در مساجد و حمام‌ها نیز امکان ملاقات و تعامل با یکدیگر را داشته باشند (بلانت، ۱۳۸۴ به نقل از حسین یزدی؛ ۱۳۹۰).

آثار معماری به‌عنوان نمادهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یک کشور شناخته می‌شوند. تمدن‌های تاریخی نیز نخست از طریق همین آثار معماری ظهور یافته‌اند؛ ساختمان‌هایی چون تخت جمشید، اهرام ثلاثه مصر، کالاسیوم روم از جمله چنین آثاری محسوب می‌شوند. آثاری که پیونددهنده مهم خودآگاهی‌های اجتماعی بوده‌اند و شهرها، مذاهب و فرهنگ‌ها را از طریق همین یادواره‌ها به نسل‌های آینده شناسانده‌اند.

معماری دوران اسلامی علاوه بر ظاهری زیبا، باطنی عمیق و انسانی و با صفا دارد همچنین معماری این دوره ضمن رعایت دستاوردهای علوم تجربی با روح و دل انگیز است به این معنا که حس، عقل و روح را تغذیه می‌کند. اصل عنصر فضا در معماری دوران اسلام محل حضور انسان است و سایر عناصر نظیر بدنه‌ها و اجزای ساختمان بر مبنای آن هویت می‌یابند. در معماری اسلامی علاوه بر فضای سرپوشیده داخلی، فضای سرباز و سرسبز خارجی یعنی حیاط مرکزی هم از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ همچنین در معماری این دوره سقف مانند کف طراحی نمی‌شود بلکه کف با الهام از بستر طبیعت هموار و مسطح است و سقف با الهام از آسمان لایتهای و کھکشان‌ی طراحی می‌شود، لذا بسترسازی سیر انسان از کثرت به وحدت، مهمترین ویژگی بارز معماری اسلامی است.

اسلام برای حفظ و رعایت حجاب توصیه اکید کرده است؛ لذا ساختمان‌های اسلامی هم بایستی دارای حجاب باشند. آن‌ها برای ایجاد حجاب، به‌ویژه ساختمان‌هایی که مصرف شخصی داشته‌اند را درون‌گرا می‌ساختند. برای درون‌گرایی ساختمان، اتاق‌ها را در اطراف میان‌سرا می‌ساختند و اگر ساختمان بزرگ‌تری می‌خواستند، به دو بخش اندرونی و بیرونی طراحی و اجرا می‌کردند؛ زیرا یکی از باورهای مردم ایران ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و نیز عزت نفس آنان بود که این امر به گونه‌ای معماری را درون‌گرا کرده است. فضای درون‌گرایی مانند آغوش گرم و بسته است و از هر سو رو به درون دارد؛ از در ورودی که وارد می‌شدند، ابتدا یک هشتی داشته که به دو دالان متصل بود: یکی برای بخش اندرونی و دومی برای قسمت بیرونی. چرا که بخش اندرونی در حجاب کامل باید باشد. از طرفی با ساخت پنجره‌های کوچک و با ایجاد شبکه و پنجره‌های مشبک، حجاب بیشتری به بنا می‌دادند.

نتیجه‌گیری

فرهنگ‌های متنوع جلوه‌های گوناگونی برای معرفی خود دارند. این مظاهر فرهنگی از روح حاکم بر جهان‌بینی و اندیشه مردمان آن فرهنگ ناشی می‌شود و می‌توان با شناخت مظاهر فرهنگی هر ملت به جهان‌بینی، فرهنگ و هویت آنها راه برد. در شناخت فرهنگ هر ملت، اصل بر این است که در پی مظاهر هر فرهنگ، معانی عمیق نهفته است. معماری هنری است که نمونه‌ی بارزی از تجلی هویت در هنر است. این موضوع که معماری هر فرهنگ جلوه معانی باطنی بوده امری واضح است. در ساختار معماری سنتی ایران که ریشه در باورهای اسلامی و اعتقادات مذهبی دارد توجه به آموزه‌های دین و اخلاق اسلامی به گونه‌ای ملموس مطرح شده است. توجه به هویت، شریعت و باورهای ایرانی اسلامی در معماری سنتی بسیار قابل تعمق و تأمل است. و هنرمند در آثار معماری سنتی تنها به جنبه‌ی زیبایی ظاهری توجه نداشته بلکه فرهنگ و هویت ایرانی-اسلامی را با ذوق و خلاقیت خود آمیخته و اثری را خلق نموده که با آن هویت اصیل خود را نیز حفظ کرده است.

منابع

۱. الطایی علی (۱۳۷۸). بحران هویت قومی در ایران. تهران: شادگان.
۲. امیر ابراهیمی. مسرت (۱۳۸۱). فضای عمومی در حصار. شهرسازی. شماره ۲۶۴.
۳. بانی مسعود. امیر (۱۳۸۸)، معاری معاصر ایران (در تکاپوی بین سنت و مدرنیته). نشر هنری معماری قرن. تهران.
۴. بهشتی، علیرضا (۱۳۷۹). فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت‌ها و چالش‌ها. فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۴ صص ۶۱-۱۱.
۵. بمانیان و همکاران، (۱۳۸۹) عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۳. صص ۶۸-۵۵.
۶. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۴). آشنایی با معماری اسلامی ایران. تهران: سروش دانش.
۷. تاجیک، محمد رضا (۱۳۷۹). فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت‌ها و چالش‌ها (میزگرد)، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، ش ۴، صص ۶۱-۱۱.
۸. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹)، هنر و زیبایی در اسلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. حاجانی، ابراهیم (۱۳۷۹). تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران. فصلنامه مطالعات علمی. ش ۵. صص ۱۹۳-۲۲۸.
۱۰. حبیب، فرح و همکاران، (۱۳۸۷). پرسمان تبعی در گفت‌وگو کالبد شهر و هویت.
۱۱. خان محمدی، علی اکبر. (۱۳۷۱) "فتوت نامه بنایان". صفه، سال دوم، ش ۵، صص ۱۵-۱۰.
۱۲. عمید، حسن (۱۳۶۱). فرهنگ فارسی عمید. تهران: ابن سینا.
۱۳. قربانی قدرت الله. (۱۳۸۳). هویت ملی از دیدگاه استاد مطهری: فصلنامه مطالعات ملی، ۱۸ سال، ۵، شماره ۲.
۱۴. کاتب، فاطمه (۱۳۸۴) معماری خانه‌های ایرانی. تهران: وزارت فرهنگ. ارشاد اسلامی.
۱۵. کرجی، علی (۱۳۷۵). اصطلاحات فلسفی و تفاوت آن‌ها با یکدیگر. تهران: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۱۶. کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۶)، تزئینات وابسته به معماری دوران اسلامی. تهران. سازمان میراث فرهنگی کشور.

۱۷. محمدی نژاد، م. حکمت معماری اسلامی، نشریه علمی، پژوهشی دانشکده هنرهای زیبا، شماره ۱۹.
۱۸. معماریان. غلامحسین (۱۳۷۳)، آشنایی با معماری مسکونی ایران: گونه شناسی درونگرا. دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران.
۱۹. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵). مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی، جلد اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۰. ولیزاده اوغانی، محمد باقر، ولیزاده اوغانی، اکبر (۱۳۹۱). تکریم مهمان و جلوه آن در ساختار فضایی خانه های سنتی ایران. سال سوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان، صفحه ۱۰۳ - ۱۱۵.
۲۱. ویلبر، دونالد (۱۳۴۶)، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان. ترجمه فریار، عبدالله. تهران. انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۲. یوسفی، علی (۱۳۷۹)، فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت ها و چالش ها (میزگرد)، فصلنامه ی مطالعات ملی، ش ۴، صص ۶۱-۱۱.

Ilam Religious Architecture

Tayebeh Hatami Nasari

Abstract

Ancient Elamites were the residents of west and south west of Iran who their geographic territory were included from Khouzestan to Fars. We can see for first time the name of Elam in the list of Sumerian kings which the En-Meber-Gisi who was the semi-legendary king has mentioned them in his inscription in about 2700 B.C. A treaty has been signed between Hita the king of Avan and Naram-Sin the king of Akad in the second half of the third millennium B.C which thirty seven names of gods is mentioned on this plaque.

The Elamites have established the temples for their gods and goddesses who they have worshiped. Our information about Elamite's temples is based on Negahban and Ghirshman's excavations in ancient area of Haft tepe and Choghazanbil. The Haft tepe is a collection of monument religious related to a historical period of Elam about 1505-1350 B.C at the time of Tepti-Ahar king. Also in Choghazanbil site has been found a religious city by monuments which has been named to Dur-Untash and there are dozen of temples and a ziggurat. The ziggurat has already had five floors but it has just two and half floors now.

Key words: Elam-Khouzestan- Religion- Religious architecture

Aesthetic Interactional Influences between Elam and Mesopotamia Studying the composite beasts patterns in seals

1. M. Mobini

2. F. Ebrahimzade.

Abstract:

Our information regarding the aesthetic interactional influences between Elam and Mesopotamia has always been limited. Adaptive method of studying the cylindrical signets and combination of creature-designs in terms of type and style of designs or tools and the material applied to make signets, leads us to understand some similarities between these two territories, based on their cultural and commercial interactions. This study shows that there are similarities between the combined creatures of the designers in Elam and those of the designers of Mesopotamia. The similarities can be seen in the patterns of Lion-Beast and Winged-Bull. Hunting Shirdal has the most important role among all the other patterns of combined-creatures in the era of Elam and Mesopotamian civilizations. Styles of the artists in creating and choosing material used to make the signets were almost similar. As if the artists worked in at a signet-workshop to create the patterns and the designs.

Key words: seal, composite beasts, hunting, Elam, Mesopotamia.

Archaeological survey of rock mass grave architecture in Ilam province Habibollah Mahmoodian

Abstract

Archaeological research has shown that western regions of Iran, especially the western Zagros region, have been geographically located and well positioned locally as centers of population deployment or on the path to the exchange and invasion of cultures and civilizations. The ancient and historic manifestations of a vast number of ancient civilizations in the mountain valleys of this part of Zagros have been left. The denseness of the sites in this geographic area reflects the extent of the land and setting in this massive civilization. Archaeological findings indicate that the temporary settlements and the recognized Graves are more numerous in this area. The Great Cemetery of Sang-Ahangaran, Cheshmeh-Pahn and Mola Kaveh of Malekshahi are among the places where the city of Sirvan has been discovered, identified during the survey and identification of the historical and cultural monuments of this city in 2011. In this paper, in addition to the introduction, the architectural approach of these works has been studied from an archaeological point of view.

Key words: Sirvan, Zagheh, Karzar, Manesht, Bankul, Bronze Age

Ancient Elamites History Mahnaz Qamarzadeh

Abstract

Elamites were a branch of relatives with the same language who about 5,000 BCEs migrated to Central Asia from the middle Ages. The Elamites settled in the southwest of present Iran. From several centuries, they succeeded in creating a great civilization called Elam and Elamites government lasted for nearly 3 thousand years. This article attempts to present some of the developments in the history of Ilam and the relationship of this Iranian people with their neighbors based on archaeological documents, references and findings.

Key words: Sumer, Mesopotamia, Evan, Ore, Kiaxar

The Analysis of the Copper Bead Found in Alikosh Hill of Dehloran.

Siril Stanley Smith Translation: Hossein Reisi Amir Khanmoradi

Abstract

The metal nut analyzed in this paper, is one of the few metallic discoveries of the Neolithic period found during the exploration of the American delegation in the Alikosh Hill and from the Alikosh Hill period in the B2 stage. This metal bead has been screened by Siril Smith for radiography and metalography. The erosion and abundant caries of this metal finding have made this bead an absolute mineral and therefore does not gain much knowledge and information. Nevertheless, the most important results of this research are the layer structure of the metal bead and some of the possible elements including Copperit, and Malkit and Azureite, also make it clear that this bead was an absolute mineral which made of a copper sheet with hammer before becoming a bead metal .

Keywords: Dehloran, Neolithic, Copper Bead, Analysis

Traditional architecture, manifestation of Iranian-Islamic culture

Javad Abdulhusseini. Masoumeh Seyd yousefi

Abstract

Traditional architecture is one of the most important Islamic arts. An art that has a two-way relationship with identity and culture. In fact, Iranian-Islamic beliefs and beliefs have a great influence on traditional architecture, and traditional architecture is a complete mirror image for the manifestation of Iranian-Islamic culture and identity. In this article, first, an Iranian-Islamic identity are defined and then examined. The relationship between Iranian-Islamic identity and traditional architecture has been studied and its purpose is to analyze the characteristics of Iranian-Islamic identity and its effect on traditional architecture. The findings of this paper show that traditional architecture reflects the Iranian-Islamic beliefs and culture, and points to the beliefs of this culture, such as hospitality and the protection of the woman and the man. Islamic architect based on the beliefs of the Iranian culture, which is rooted in Islam, has created its works and its representation in the architectural complex such as “Hashti”, Head and “Sabat” is evident .

Key words: traditional architecture, Iranian-Islamic culture. Underwear. Penny

In this issue you read:

1. **Ilam Religious Architecture** Tayebeh Hatami Nasari
2. **Aesthetic Interactional Influences between Elam and Mesopotamia studying the composite beast's patterns in seals** 1. M. Mobini F. Ebrahimzade.
3. **Archaeological survey of rock mass grave architecture in Ilam province** Habibollah Mahmoodian
4. **Ancient Elamites History** Mahnaz Qamarzadeh
5. **The Analysis of the Copper Bead Found in Alikosh Hill of Dehloran** Siril Stanley Smith Translation: Hossein Reisi Amir Khanmoradi
6. **Traditional architecture, manifestation of Iranian-Islamic culture** Javad Abdulhusseini. Masoumeh Seyd yousefi

General article features

The articles should be the result of authors' studies.

The article should not be published in another publication

The publication of the paper is subject to the final approval of the quarterly editorial board.

Acceptance of the paper for printing, after approval by the jury.

Responsibility for the content of the article is the responsibility of the author (s).

The magazine is free to edit its literary and technical content without altering its content.

The article should not be larger than the 20 standard pages of the Quarterly.

The full name of the author, grade, university, place of teaching or education, field of study and telephone number of the author are added on separate pages.

Submission of the article is possible only through the e-mail of the Ilam Studies Department.

The titles of tables, images, maps, drawings and charts are listed below with the number (description and mention of the source).

Paper structure

the article should have the following structure:

Abstract, introduction, original text, conclusion, writing, sources and abstract.

Title: The overall title of the article is in a way that expresses the content of the article.

Author's Specifications: Includes name, family, degree, academic degree, and field of study, university where it is taught or studied.

Abstract: A comprehensive description of the article with limited terms, including: problem statement, purpose, research method and research findings. It should be noted that the abstract of the article should not exceed 200 words (12 lines).

Key words: It contains 4 to 7 specialized words that are important.

INTRODUCTION: The main issue is the main problem and the purpose of the research; in this section, research findings in the area of the problem should be briefly discussed.

Original text: Contains the main text of the article and can be associated with the table, image, and graph.

Conclusion: Includes Summary and Conclusion

Writing: Important statements which comes after coclution

Sources: listing article references based on journal structure

English abstract: English abstract should be exactly the translation of the Persian abstract

Text style

the article should be written with the font B zar and the size 13, the distance between the lines of 1.15 (single) and in the word format.

Abstract, key words, references in parentheses, poems, and any thing that comes in parentheses should be written in size 11.

Direct transcripts of more than five rows, should be come apart from the original text, with a centimeter indent on each side and with the same font, but with a size of 11.

Referrals to resources

References in the article should be documentary and based on valid evidences.

Reference inside the text: Author's surname, year of publication: page number(s),

Farsi example: (Negahban, 54: 1376), Latin: (Smith 1999: 33)

Reference to the book in the section of the final references:

surname of the author, author's name, date of publication (in parentheses), title of the book, name and surname of the translator or editor, volume, print edition, publisher's name, Place of publication.

Reference to the article: author's surname, author's name, date of publication of the work (in parentheses), the title of the article (in parentheses), the name of the author or translator, the main title of the encyclopaedia or the journal, the period or year of publication, Number of article pages.

Reference to the thesis: The author's surname, the author's name, the year of defense (in parentheses), the title of the thesis,

The defense grade, the name of the supervisor, the name of the university and the school of study.

Reference to historical documents: title of document, classification and access number, name of book archive

Referrals to Internet sites: Surname of the author, author's name, date of entry in the website (in parentheses), title of article or work (in parentheses), electronic address of the website.

The sources of the paper are arranged alphabetically and based on the author's surname; the sources mentioned at the end of the article are the same sources used within the text.

The title of books and articles in the sources of the end of the article should be mentioned completely. Non-Persian sources should bring after Persian sources.

Note: All papers received will be judged by two judges.

Referees this issue:

Dr. Leyla Khosravi

Dr. Ardeshir Javanmard Zadeh

Dr. Masoud Shadman

Dr. Khodakaram Mazaheri

Dr. Soheila Darvishi

Dr. Siavash Yari

Dr. Ebrahim Moradi

Dr. Lily Niakan

Editorial board:

Dr. Reza Ahmadi
Specialty: Forestry
Dr. Parisa Pourmohammadi
Specialty: Archaeological
Dr. Ardeshir Javanmard Zadeh
Specialty: Archaeological
Dr. Shahin Heidari
Specialty: Architecture-Energy
Dr. Haji Karimi
Specialty: Geohydrology
Dr. Reza Khani
Specialty: English Language and Literature
Dr. Ali Khaki
Specialty: Structural Architecture
Dr. Leyla Khosravi
Specialty: Archaeological
Dr. Soheila Darvishi
Specialty: Archaeological
Dr. Frangis Darvishi
Dr. Naser Rad
Specialty: International Relations
Dr. Masoud Shadman
Specialty: History, Civilization, Nations
Dr. Habib Shahbazi Shiran
Specialty: Archaeological
Dr. Gholam Hossein Karimi Dousan
Specialty: Linguistics
Dr. Habibollah Mahmoodian
Specialty: Archaeological
Dr. Ebrahim Moradi
Specialty: Archaeological
Dr. Khodakaram Mazaheri
Specialty: Archaeological
Dr. Lily Niakan
Specialty: Archaeological
Dr. Siavash Yari
Specialty: History of Islam

Quarterly Ilamology Studies

Quarterly Specialty Number 8 * two year * Fall 1397

Owner and responsible manager: Dr. Habibollah Mahmoudian

Editor: Dr. Siavash Yari

Managing Director: Azadeh Mahmoudian

Consultant: Engineer Ali Mohammad Niakan

Persian editor: Hasan Afshar

English Editor: Dr. Reza Khani

Review Page: Masoumeh Safaeinia

License number: 78809 1395/10/6

Publisher: Zagro Publishing

Number: 500

Baha: 200,000 Rials

Address: Quarterly: Ilam, Ashrafi Esfahani Ave., Third Alley, And No. 217

Postcode: 6931858315 - **Phone:** 08433334318

E-mail: habibmahmoodian@yahoo.com